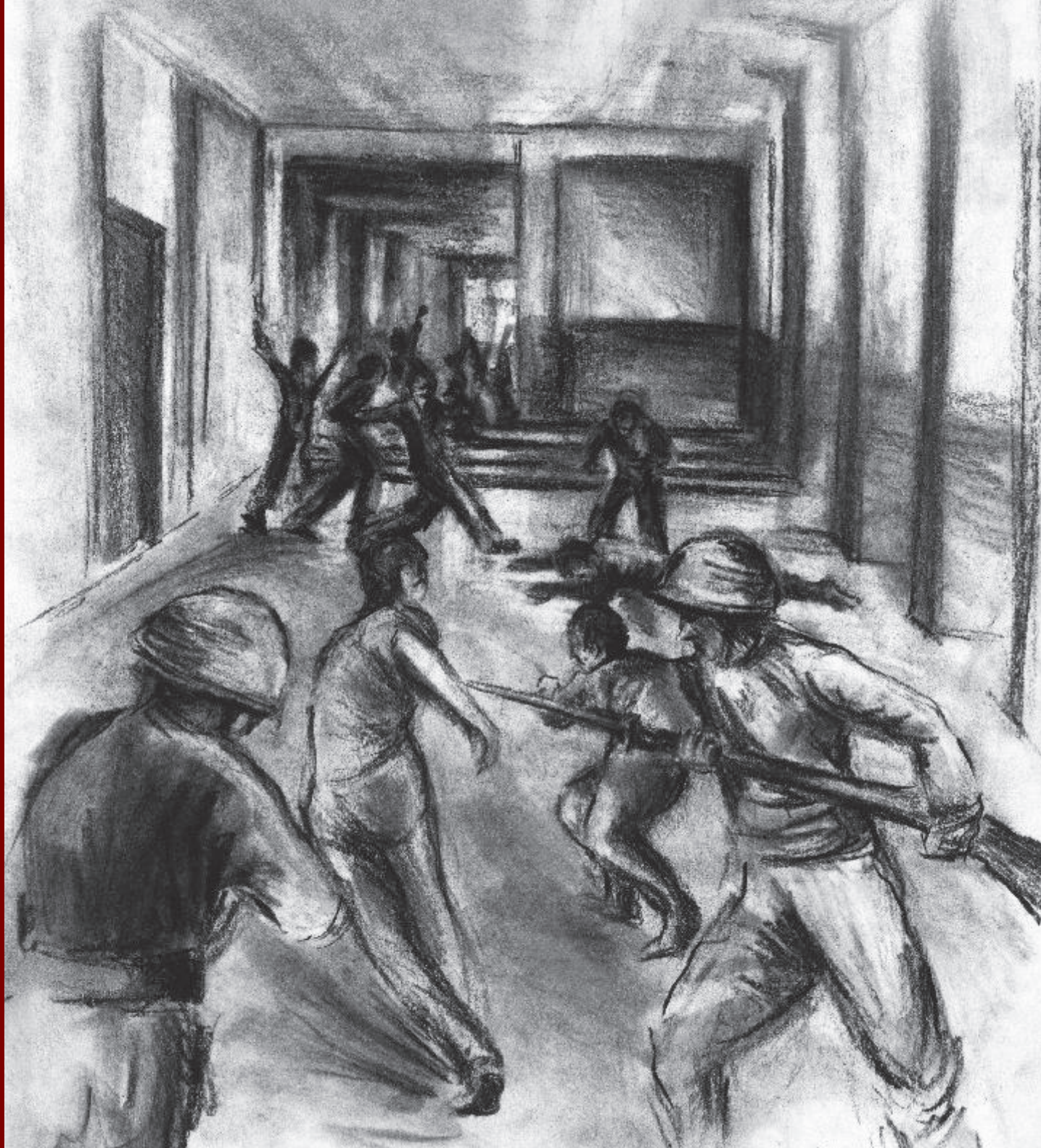
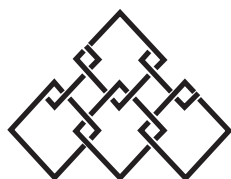


# مروری بر وقایع شانزدهم آذر ۱۳۳۲

میزگرد بررسی عملکرد کانون با حضور پیشکسوتان  
افتتاح کتابخانه بنیاد قلم چی





کانون مهندسين فارغ التحصيل دانشکده فني



## ■ سرمقاله

۲

### ■ تازه ها

- سه ماه پس از زلزله آذربایجان ..... ۳
- پخش زنده مسابقه ایران و ازبکستان در گردهمایی آبان ماه کانون ..... ۴
- اعضای کانون به تماشای فیلم «بانوی گل سرخ» نشستند ..... ۵
- انتخابات دفتر نمایندگی گیلان برگزار شد ..... ۶
- برگزاری نمایشگاه عکس طرح نه! شتاب به انسانیت ..... ۷
- سفر اعضای کانون به باداب سورت و شهمیرزاد ..... ۸
- سفر به روستای کویری مصر ..... ۹
- کوهنوردان کانون به دماوند صعود کردند ..... ۱۰
- دهمین همایش روز ملی بتن برگزار شد ..... ۱۱

### ■ دانشکده

- افتتاح کتابخانه بنیاد قلم چی ..... ۱۳

### ■ گفت و گو

- میزگرد بررسی عملکرد کانون با حضور پیشکسوتان ..... ۱۷
- گفت و گویی کوتاه با دکتر حمید میرفندرسک ..... ۳۴
- حامیان خبرنگار کانون ..... ۳۶

### ■ گزارش ویژه

- در شانزدهم آذر ۱۳۳۲ چه گذشت؟ به قلم مهندس منوچهر احتشامی ..... ۴۱
- خاطرات دکتر کیومرث مهاجر، دانشجوی سال اول دانشکده فنی در سال ۱۳۳۲ ..... ۵۰
- گزارش مرکز اسناد انقلاب اسلامی از وقایع آذر ۱۳۳۲ ..... ۵۲
- گزارشات روزنامه اطلاعات؛ سال ۱۳۳۲ ..... ۵۴

### ■ از نگاهی دیگر

- بازخوانی یک پرونده، تاریخچه مراسم جشن سالیانه کانون ..... ۵۷
- خاطرات مهندس سیدرضا رفیعی طباطبایی از اولین نشست های فارغ التحصیلان ..... ۶۲
- دکتر منصور نیکخواه بهرامی و ماهنامه نشنال جئوگرافیک ..... ۶۳
- سرطان بی هدفی ..... ۶۴

■ خبرنگار کانون مهندسين فارغ التحصيل دانشکده فني دانشگاه تهران

■ سال بیست و دوم - پاییز ۱۳۹۱

■ شماره ۱۵۴ - ۱۵۲

■ مدیر مسئول: محمد هادی نژاد حسینیان

■ سرپرست کمیته انتشارات: اورنگ فرزانه

■ مدیر اجرایی: سهیلا بیگلر خانی

■ مدیر هنری: سمیرا میدانی

■ امور آگهی: عزیز اله بریجانی (۰۹۱۲۳۸۸۱۵۶۳)

■ همکاران این شماره بر اساس حروف الفبا:

هادی آجورلو - منوچهر احتشامی - فرهاد ترکمان پوتراپی -  
سیدرضا رفیعی طباطبایی - علیرضا عالم زاده - سیدرضا  
کروبی

■ نشانی: تهران - خیابان کارگر شمالی - خیابان یکم  
(شکرالله) - پلاک ۱۳۳

■ کد پستی: ۱۴۱۳۶۸۴۹۴۱

■ صندوق پستی: ۴۹۵ - ۱۴۳۹۵

■ تلفن: ۸۸۰۲۶۳۶۵ - ۶

■ فاکس: ۸۸۶۳۹۷۳۵

وب سایت: [www.fanni.info](http://www.fanni.info)

ایمیل: [info@fanni.info](mailto:info@fanni.info)

■ محتوای مقاله ها بیانگر نظر نویسندگان آنهاست  
کمیته انتشارات در ویرایش یا رد مقالات رسیده آزاد است.



## ■ سرمقاله

گزارش ویژه این شماره از خبرنامه به علت هم زمانی انتشار با سالروز واقعه شانزدهم آذر، به بررسی تاریخی این روز از زبان شاهدان عینی ماجرا پرداخته است. گزارش نکات تازه و ناگفته‌ای را از آنچه در شانزدهم آذر ۱۳۳۲ در دانشکده فنی گذشت، بازگو می‌کند. شرح موقوف در آن بخش خبرنامه آمده است که مطالعه و مرور آن برای هم‌دانشکده‌ای‌های قدیمی، یادآور خاطرات و برای دوستان جوان بیان تاریخ است.

اما چه شد که این واقعه مهر و نشان خود را به نحوی آشکار بر تاریخ مبارزات مردم ایران علیه دیکتاتوری حکومت پهلوی نشانده و به عنوان سمبلی از مبارزه آزادیخواهانه در حافظه تاریخی ایرانیان باقی ماند؟ این حادثه نه همچون واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ جنبه عمومی و تظاهر بیرونی و خیابانی داشت، نه به لحاظ تعداد کشته‌شدگان چیزی فراتر از سایر جنایات رژیم پهلوی بود. چه شد که ۱۶ آذر در یاد ماند و صفحه‌ای از تاریخ شد؟

شاید از زمان شکل‌گیری آکادمی افلاطون، محیط تحصیل علم، خواه در مدارس مستقر در مسجد و کلیسا و خواه در نهادهای مدرن آموزشی همچون دانشگاه، به عنوان مکانی جهت کسب علم و تعالی فکری مورد احترام و حرمت عموم مردم بوده است. به‌ویژه صاحبان قدرتی که به‌واقع یا حتی به‌خاطر کسب محبوبیت میان خواص و اندیشمندان، به این محیط احترام گذاشته‌اند. این محیط همچون اماکن مذهبی، پرده‌ای از قداست و احترام را به‌گرد خود داشته که آن را از دست‌اندازی و هتک حرمت بیخردان صاحب قدرت مصون و در امان نگاه می‌داشته است. حمله به دانشگاه پرده‌داری و عبور از خط قرمز حفظ حرمت دانش و دانشوران بود.

از طرفی، دانشجو به لحاظ موقعیت سنی و محیط زندگی روزانه خود یعنی دانشگاه، در تمام جهان، نشانه‌ای از آگاهی، آرمان‌گرایی و ناوابستگی به تمایلات خاص قدرت‌طلبانه یا دل‌سپرده به منافع خاص طبقاتی است. جنبش دانشجویی در تمام جهان آزادی‌خواه، عدالت‌جو و معترض به ناملایمات و نابرابری‌های موجود است. دانشجویان به عنوان نخبه‌ترین گروه جوانان، نشانه‌ای از درجه آگاهی و شعور اجتماعی مردم هر کشور محسوب می‌گردند. دانشجو به سبب موقعیت سنی نه تعلق خاطری به مال و قدرت دارد، نه پروای از دست دادن منصب یا مکنتی. یکسره شور است و سراسر اراده و خواست برای تغییر. به‌واسطه جوانی خواهان ساختن «عالمی دیگر و آدمی دیگر» است. دانشجو حتی در جهانی بی‌آرمان هم آرمان‌گراست. آن گونه است که سرکوب جنبش دانشجویی و برخورد قهری با دانشجوی معترض برای هر حکومت، هتک آگاهی، آرمان‌گرایی، عدالت‌محوری و آزادی‌خواهی است. این چنین است که یک درگیری محدود چند دقیقه‌ای در سرسرای دانشکده فنی و کشته شدن سه دانشجو تا آینده بسیار دور تاریخ ملتی، به عنوان یادگاری از مبارزه و نشانه‌ای از جهل و نگون‌بختی حاکمان بی‌مایه باقی می‌ماند.

جنبش دانشجویی باید «قدر ببیند و در صدر نشیند». چرا که به سبب مشخصات ذاتی بی‌مانند خود زودتر از آن که مشکلات سیاسی و اجتماعی تبدیل به مصایب گردند، آن را می‌شناسد و آشکار می‌کند. تاریخ مبارزات دانشجویی در ایران به خصوص در دانشکده فنی گواه این ماجرا است.

یاد دوستان رفته ۱۶ آذری گرامی باد.

فرهاد بوتراپی



در گردهمایی مهر ماه کانون بررسی شد

## «سه ماه پس از زلزله آذربایجان»

اتفاق می‌افتد، وجود این تلاقی‌ها باعث ایجاد آب و آبادانی در این مناطق می‌شود.» دکتر زارع در ادامه سخنان خود به این موضوع اشاره کرد که این منطقه هنوز در حال بررسی است و در نظر دارند به یک جمع‌بندی کلی در خصوص منطقه برسند که آیا احتمال بروز زلزله بالاتری در این منطقه در آینده نزدیک هست یا نه؟

دکتر افشین کلاتری سخنان بعدی برنامه بود. وی در خصوص مشاهداتی که در خصوص آسیب‌های وارده در منطقه اتفاق افتاده بود و خساراتی که از طریق جراید به طور کلی منتشر شده بود، سخنرانی کرد. دکتر کلاتری گفت: «به‌طور کلی تعداد آوارها ۵۶ هزار نفر ذکر شده است و خسارات مالی گزارش شده از جراید ۹۰۰ هزار میلیارد تومان گزارش شده است.» وی در ادامه گفت: «در این مناطق ساده‌ترین مسایل مهندسی در ساختمان‌ها رعایت نشده بود و باعث وجود خسارات فراوانی در این مناطق شده بود. همچنین براساس خبر منتشره خبرگزاری فارس در ۹ شهریور ماه در اهر ۳۰۵ روستا، در ورزقان حدود ۱۵۷ روستا و در هریس ۱۰۱ روستا خسارت دیده‌اند.» دکتر کلاتری همچنین در سخنان خود به ساختمان‌های مسکن مهر اشاره کرد که خسارت‌های زیادی نیز به آنها وارد شده است و باید بازسازی شوند.

مهندس محمدعلی زمانی سخنان آخر برنامه بود. وی در خصوص طریقه اسکان زلزله‌زدگان به سخنرانی پرداخت.

مهندس زمانی گفت: «در زلزله آذربایجان شرایط و زمان برای ایجاد اسکان موقت کافی نبود. به همین علت در این شرایط سیاست‌گذاری دیگری اجرا شد و ما اقدام به اسکان دائم زلزله‌زدگان کردیم. البته این کار با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کشور با دشواری‌هایی روبه‌رو بود.»

وی در ادامه به کیفیت ساخت اسکان دائم برای زلزله‌زدگان اشاره کرد و گفت: «ستادهای خوبی در این مناطق راه‌اندازی شده است و من این اطمینان را می‌دهم که در قسمت اجرا از نظر کیفیت چندین برابر شهر تهران این ملاحظات انجام شود.» در آخر مهندس اسماعیل مسگرپور طوسی و مهندس محمد عطار دیان با اهدای هدیه و لوح از سخنرانان به خاطر حضورشان در گردهمایی کانون قدردانی کردند.



گردهمایی مهر ماه کانون با عنوان «سه ماه پس از زلزله آذربایجان» به چالش‌های بازسازی مناطق زلزله‌زده اختصاص داشت. این گردهمایی روز چهارشنبه ۲۶ مهر ماه در تالار رجایی دانشگاه فنی با سخنرانی دکتر مهدی زارع، دکتر افشین کلاتری و مهندس محمدعلی زمانی برگزار شد.

بازسازی در دفتر مرکزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی است. وی لیسانس معماری خود را از دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین اخذ کرده است. دکتر مهدی زارع آغازگر برنامه بود. وی از جنبه زلزله‌شناسی به بررسی قضیه پرداخت. براساس سخنان وی، اولین زلزله که در ساعت ۱۶:۵۳ اتفاق افتاد، ۶/۳ ریشتر بوده است و دومین زلزله که در ساعت ۱۷:۴ اتفاق افتاد، ۶/۴ ریشتر بوده و یک دهم بیشتر از زلزله اول بوده است. وی همچنین در خصوص جمعیت شهر تبریز و خطرات وقوع زلزله در این شهر گفت: «شهر تبریز یک میلیون نفر جمعیت دارد و زمین لرزه در این منطقه باید به طور خاص مورد توجه قرار گیرد. زلزله‌ای که در سال ۱۷۸۰ و ۱۷۲۱ در تبریز اتفاق افتاد، بسیار مخرب بود. به خصوص زلزله‌ای که در سال ۱۷۲۱ اتفاق افتاد، بیش از چند صد هزار کشته بر جای گذاشت.» وی افزود: «این منطقه محل تلاقی گسل‌ها است. به همین علت زمین لرزه‌های بسیاری در این منطقه

در ابتدا مهندس روزبه صالح‌آبادی، خزانه‌دار کانون ضمن تشکر از حضور اعضا اعلام کرد، بعد از زلزله آذربایجان کانون مهندسین فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران، همانند زلزله بم که توانست نقشی را ایفا کند، طی دو اطلاعیه به جمع‌آوری کمک‌های اعضا چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور پرداخت. مهندس روزبه صالح‌آبادی در ادامه سخنان خود به معرفی سخنرانان پرداخت. دکتر مهدی زارع، معاون پژوهشی و فناوری پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله است. وی از دانشگاه گرونبل فرانسه در رشته مهندسی زلزله فارغ‌التحصیل شده است. دکتر افشین کلاتری، عضو هیات علمی پژوهشکده سازه پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله است. وی در زمینه زلزله‌شناسی مقاله‌های متعددی نگاشته است. همچنین مولف کتاب مدیریت خطرپذیری لرزه‌ای در سازه‌ها است. مهندس محمدعلی زمانی، رییس گروه برنامه‌ریزی

## مروری بر تاریخ ایران در گردهمایی شهر یور

وی در ادامه به معرفی سخنران برنامه پرداخت. دکتر امیر نجات، استادیار دانشکده مهندسی مکانیک دانشکده فنی است. وی لیسانس و فوق لیسانس هوا و فضای خود را از دانشگاه صنعتی امیرکبیر و دکترای مهندسی مکانیک را از دانشگاه بریتیش کلمبیا اخذ کرده است. در ادامه برنامه دکتر امیر نجات سخنان خود را با معرفی ایران آغاز کرد. وی همچنین به اهمیت تاریخ در زندگی انسان اشاره کرد. بر اساس سخنان وی شناخت تاریخ باعث شناخت بیشتر انسان نسبت به خود و کشورش می‌شود. تجربه انسان افزایش می‌یابد و مهم‌تر از همه انسان را به محل زندگی خود علاقمند می‌کند. وی در ادامه گفت: «ایران کشور بزرگی است که در ناحیه گرم و خشک واقع شده و دارای تاریخ گسترده‌ایست. زبان مردم ایران بیش از هزار سال است که به تکامل رسیده است. همچنین ایران در تولید کشاورزی تقریباً خودکفاست.»

وی در ادامه سخنان خود به اولین تمدن ایران و دوران حکومت هخامنشیان و ساسانیان اشاره کرد و گفت: «کوروش و داریوش بزرگ‌ترین پادشاهان هخامنشی هستند. زمانی که داریوش به پادشاهی رسید، جنگ‌های بسیاری انجام داد و بر روی کتیبه بیستون که بر دیواره کوه کنده شده به خط میخی تمامی این جنگ‌ها و پیروزی‌های خود را نوشته است.»

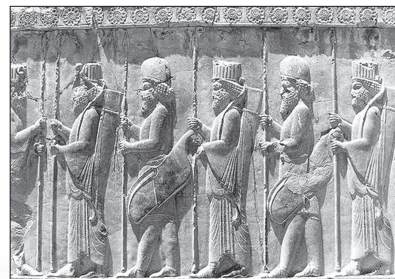
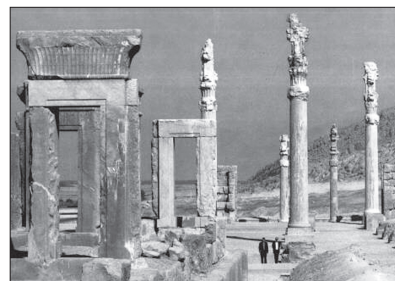
وی همچنین سلسله مراتب پادشاهی هر کدام از حکومت‌های هخامنشی و ساسانی را توضیح داد. در آخر مهندس محمد عطاردیان، رئیس شورای عالی کانون با اعطای لوح و هدیه‌ای به وی به خاطر حضورش در گردهمایی کانون قدردانی کرد.

گردهمایی شهر یور ماه کانون به سخنرانی دکتر امیر نجات، استادیار دانشکده مهندسی مکانیک با موضوع تاریخ ایران اختصاص داشت.

در حاشیه این گردهمایی که ۲۹ شهریور ماه ۱۳۹۱ برگزار شد، کمیته بازدید کانون نیز فرصتی پیدا کرد تا به معرفی کمیته و برنامه‌های انجام شده در چند سال اخیر بپردازد.

مهندس مهدی یار هوپخت سرپرست کمیته بازدید، آغازکننده این برنامه بود. بر اساس سخنان وی کمیته بازدید از سال ۱۳۸۶ به همت مهندس حداد بعد از چند سال وقفه مجدداً راه‌اندازی شد و از سال ۱۳۸۸ به بعد این کمیته دوشنبه‌های هر هفته به صورت مداوم جلسات خود را برگزار کرده است. در هر جلسه حدود ۱۵ نفر از اعضای کانون شرکت می‌کنند که از این ۱۵ نفر ۵ نفر به عنوان سرپرست‌های اصلی کمیته محسوب می‌شوند. همچنین انتخاب برنامه‌ها قبل از شروع هر فصل در کمیته مشخص می‌شود. متأسفانه در چند سال اخیر کمیته بازدید به مشکل کمبود نیرو و برخورد کرده است و برخی از برنامه‌ها به سختی انجام می‌شود. مهندس مهدی یار هوپخت در آخر از هیأت مدیره کانون به خاطر فرصتی که در اختیار کمیته قرار داده و از کسانی که در اجرای برنامه‌های بازدید کمک کردند، صمیمانه قدردانی کرد.

مهندس روزه صالح‌آبادی، خزانه‌دار کانون قبل از معرفی سخنران برنامه، دقایقی را به شرح فعالیت‌های انجام شده در خصوص مردم‌زلزله‌زده آذربایجان اختصاص داد و از اعضا درخواست کرد که کمک‌های خود را قطع نکنند تا بتوانند سرپناه بیشتری را برای زلزله‌زدگان فراهم آورند.



## پخش زنده مسابقه ایران و ازبکستان در گردهمایی آبان ماه کانون



گردهمایی آبان ماه کانون برای نخستین بار به پخش زنده مسابقه فوتبال اختصاص داشت. این گردهمایی که در روز چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۱ در تالار چمران دانشکده فنی برگزار شد، توسط کمیته ورزش کانون و جمعی از جوانان فعال کانون، هماهنگ و با استقبال ۶۰۰ نفری دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رو به رو شد.

در آغاز برنامه مهندس حسین حدادکلور (عمران ۷۹)، سرپرست کمیته ورزش به معرفی فعالیت‌های کمیته پرداخت و از تمام دانشجویان درخواست کرد تا در فعالیت‌های کمیته ورزش کانون شرکت کنند. سپس راس ساعت ۲۰ اعضای کانون و دانشجویان به تماشای بازی تیم ملی فوتبال ایران و ازبکستان در رقابت‌های گروهی منطقه آسیا و اقیانوسیه جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل نشستند. در این بازی که در ورزشگاه آزادی برگزار شد، تیم ملی ازبکستان با یک گل به برتری رسید. بعد از تماشای مسابقه فوتبال، کانون به ۶ نفر از کسانی که نتیجه بازی را درست پیش‌بینی کرده بودند، به قید قرعه جایزه‌ای اهدا کرد.



## اعضای کانون به تماشای فیلم «بانوی گل سرخ» نشستند



فارغ‌التحصیل رشته کارشناسی صنایع دستی از دانشگاه هنر تهران در سال ۱۳۷۴ است. وی آغاز فعالیت حرفه‌ای فیلم‌سازی خود را همزمان با ورود به دانشگاه در سال ۱۳۶۹ آغاز کرد و در سال ۱۳۷۵ اولین فیلم مستند خود را با نام «تشان» ساخت. مجتبی میرطهماسب با حضور در گردهمایی کانون به معرفی فیلم و سایر فعالیت‌های خود پرداخت. وی خاطر نشان کرد: «یک سال بعد از ساخت فیلم، همایون صنعتی فوت کرد. ایشان در این دوران یکی از ۱۰۰ نفر انسان‌های تاثیرگذار در شیوه مدیریت و نگاه انسانی است.» در آخر برنامه مهندس احمد رضا قوامی (مکانیک ۴۳) و مهندس مسگر پورطوسی با اهدای هدیه و لوح یادبود به کارگردان فیلم، مجتبی میرطهماسب، از وی قدردانی کردند.

گردهمایی تیرماه ۱۳۹۱ به نمایش فیلم «بانوی گل سرخ» ساخته مجتبی میرطهماسب در تالار رجب‌بیگی دانشکده فنی اختصاص داشت. در این گردهمایی که مطابق روال هر ماه برگزار شد، ۷۰ نفر از اعضای کانون شرکت کردند. «بانوی گل سرخ» نامی است برای زنده‌یاد «شهین دخت صنعتی». بانویی که قبل از انقلاب به منطقه لاله‌زار کرمان رفت و گل را جایگزین خشخاش و گلاب را جایگزین تریاک کرد و به جایی رساند که «گلاب زهرا» سرنوشت کشاورزی یک منطقه را دگرگون کرد. این ماجرا از زبان «همایون صنعتی»، همسر شهین دخت و سه سال پس از درگذشت او تعریف می‌شود. مردی که خود بنیان‌گذار «انتشارات فرانکلین»، «چاپخانه اُفتست»، «کاغذسازی پارس» و در کل یکی از چهره‌های نادر فرهنگ، صنعت و مدیریت ایران است. این فیلم در سال ۱۳۸۷ اکران شد و برنده جایزه‌های متعددی در زمینه فیلم مستند شده است. مهندس اسماعیل مسگر پورطوسی رییس هیات مدیره کانون، در ابتدای برنامه به معرفی کارگردان فیلم، مجتبی میرطهماسب پرداخت. مجتبی میرطهماسب

## اعضای کانون، مهمان ضیافت افطار مردادماه

را در این امر یاری کنند. وی افزود: «کانون در چند ماه اخیر مجدداً از کمک‌های مالی حامیان خود برخوردار بود که جا دارد در همین جا از تک تک آنها قدردانی کنم و همچنین از مهندس محمدرضا محمدآبادی (کمره‌ای مکانیک ۵۱) که با این عزیزان در این چند ماه در تماس بودند، صمیمانه قدردانی می‌شود.» در آخرین لحظات این ضیافت، مهمانان کمک‌های نقدی خود جهت کمک به کانون و مردم زلزله‌زده آذربایجان را در اختیار دبیرخانه کانون گذاشتند.

افزود: «کانون مهندسین دانشکده فنی اقدام به جمع‌آوری کمک‌های اعضا در خصوص هم‌وطنان زلزله‌زده آذربایجان شرقی کرده است. من در همین جا از تمام اعضا دعوت می‌کنم تا در این اقدام خداپسندانه مشارکت کنند.» وی در ادامه سخنانش، روند فعالیت‌های کانون را شرح داده و خاطر نشان کرد که کانون از طریق دریافت حق عضویت اعضا و کمک‌های حامیان کانون در طول هر سال اداره می‌شود و از اعضا درخواست کرد که با پرداخت حق عضویت، کانون

کانون چهارشنبه ۲۵ مردادماه میزبان اعضای خود در آخرین روزهای ماه رمضان بود. در این ضیافت که در سرسرای دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر واقع در امیرآباد برگزار شد، نزدیک به ۲۵۰ نفر شرکت کردند که تعدادی از آنها حامیان کانون، اعضای شورای عالی، اعضای کمیته‌ها و سایر اعضا کانون بودند.

بعد از صرف افطار دکتر محمد شکرچی‌زاده، دبیر کانون از تمام مهمانان به خاطر حضورشان در این ضیافت قدردانی کرد. وی در مقدمه سخنان خود





## انتخابات دفتر نمایندگی کانون در گیلان برگزار شد

انتخابات هیات عامل دفتر نمایندگی کانون در گیلان، دوشنبه ۲۰ آذر ماه ساعت ۱۸ برگزار شد. مهندس حسین حدادکلور (عمران ۷۹) به نمایندگی از هیات مدیره کانون مهندسین فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران در این مراسم حضور داشت. تعداد اعضا حاضر در این جلسه ۱۹ نفر و تعداد فارغ التحصیلان غیر عضو ۳ نفر بودند.

آرا منتخب به شرح زیر است:

- ۱- مهندس عزیز حوصله دار صابر (راه و ساختمان ۵۲)؛ ۱۹ رای
- ۲- مهندس محمدحسن گنجیان (راه و ساختمان ۵۰)؛ ۱۴ رای
- ۳- مهندس کوروش پورتو کلی (راه و ساختمان ۶۶)؛ ۱۳ رای
- ۴- مهندس بهرام فرقان (راه و ساختمان ۵۱)؛ ۱۳ رای
- ۵- دکتر میرحامد موسوی (شیمی ۸۲)؛ ۱۰ رای
- ۶- مهندس بهرام فدوی رودسری (راه و ساختمان ۵۲)؛ ۸ رای
- ۷- مهندس رامین احمدنیا (عمران ۸۱)؛ ۸ رای

همچنین در این مراسم، ۵ نفر اول به عنوان هیات عامل انتخاب شدند و مهندس عزیز حوصله دار صابر نیز به عنوان مدیر دفتر نمایندگی کانون در گیلان انتخاب شد تا مصوبات هیات عامل را اجرا کند.

## هفتاد و هفتمین زادروز دکتر مهدی قالیبافیان برگزار شد

قالیبافیان پس از مهندس عبدالحسین خلیلی از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۸۶ سرپرستی آزمایشگاه مصالح ساختمانی را بر عهده داشته و علاوه بر آن در سال ۱۳۸۱ موسس انستیتو مصالح ساختمانی دانشکده فنی بوده است.

پس از پایان مراسم فوق، جلسه هفتگی هیات مدیره کانون در محل آزمایشگاه برگزار شد.

هفتاد و هفتمین زادروز دکتر مهدی قالیبافیان در آزمایشگاه مصالح ساختمانی دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم که روز یکشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۹۱ برگزار شد، فرزندان دکتر قالیبافیان، دوستان وی و تعدادی از دانشجویان حضور داشتند. در ابتدا دکتر محمد شکرچی زاده گفت: «بهتر است نکوداشت بزرگان، شادمانه در روز تولد آنها انجام شود و نه در سالروز مرگ آنها». مهندس علی اصغر جلال زاده فرد (راه و ساختمان ۴۲)، مهندس محمد عطار دیان (راه و ساختمان ۳۸)، دکتر مهدی چینی (عمران ۸۰)، امیر ناصر بانکی و مهندس بهنام کیانی (عمران ۹۱) در این مراسم به بیان خاطراتی از دکتر قالیبافیان پرداختند و نقش این استاد را در تاریخ مهندسی دانشکده فنی توصیف کردند. دکتر





برگزاری نمایشگاه عکس

## ترحم نه! شتاب به انسانیت...

کمک‌های نقدی جمع‌آوری شده در این دانشگاه‌ها تحت عنوان "جامعه دانشگاهی ایران" با همکاری موسسه خیریه امام سجاده (ع) به دست زلزله‌زدگان خواهد رسید. همچنین شعار این نمایشگاه: «ترحم نه! شتاب به انسانیت...» بود. این نمایشگاه در دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه شهید بهشتی نیز برگزار شد.

جانباختگان و آسیب‌دیدگان زلزله آذربایجان برگزار شد. عکس‌های موجود در این نمایشگاه از طریق موسسه خیریه امام سجاده (ع) در شهرستان اهر تهیه شده بود و تاکنون این نمایشگاه در دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه تربیت معلم آذربایجان، دانشگاه آزاد اهر و دانشگاه تهران برگزار شده است.

شنبه ۲۹ مهر ماه ۱۳۹۱ نمایشگاه عکسی با همکاری کانون مهندسين فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران در خصوص زلزله آذربایجان در مقابل دانشکده فنی برگزار شد. این نمایشگاه که تا ۳ آبان ماه ادامه داشت، با هدف تعمیق باورهای انسانی، تلاش در جهت سازمان‌دهی کمک‌های جامعه دانشگاهی و گرامیداشت یاد و خاطره

## برگزاری انتخابات انجمن فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی در اونتاریو (کانادا)

لیست اعضای جدید در این دوره به شرح ذیل است:

- ۱- مهندس کامبیز افشاری (معدن ۵۱)
- ۲- مهندس بهروز اعلایی
- ۳- مهندس افشین آزاد منش (برق ۵۸)
- ۴- مهندس بهراد دهقان
- ۵- مهندس همایون رشیدپور (برق ۵۸)

دکتر حبیب شفایی (معدن ۳۵) و دکتر شکیب شاکری نیز به عنوان بازرس در این دوره انتخاب شدند. همچنین مهندس سارا امینایی و دکتر مرجان فیضیان از مدیران دوره قبل، برای سال ۲۰۱۳-۲۰۱۲ نیز مجدداً انتخاب شدند. در پایان جلسه انتخابات، فارغ‌التحصیلان فنی از مهندس کامبیز افشاری و خانواده وی به خاطر زحمات و فعالیت‌های خود در انجمن فارغ‌التحصیلان فنی تقدیر کردند.

انتخابات انجمن فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی در اونتاریو (کانادا) در روز ۳ نوامبر ۲۰۱۲ هم‌زمان با ۱۳ آبان ۱۳۹۱ برگزار شد. این برنامه با تجدید دیدار اعضا آغاز شد. دکتر حمیده پاریزی ضمن خوشامدگویی به حضار، خلاصه فعالیت‌های سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱ را به میهمانان ارائه داد. سپس مهندس سارا امینایی جزئیات فعالیت‌های سال گذشته را ارائه داد.

سپس تراز مالی سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱ توسط دکتر شکیب شاکری گزارش شد. براساس گزارش و ارائه تراز مالی سال گذشته و فعالیت‌های انجام شده، نیاز به بودجه بیشتر برای انجمن مطرح بود. همچنین پیشنهادهایی در این خصوص ارائه شد اعم از: افزایش حق عضویت و کمک‌های مادی به انجمن تا برای فعالیت‌های مختلف بتوانند منبع قابل ملاحظه‌ای در دست داشته باشند.

در این انتخابات ۵ نفر به عنوان اعضای هیات مدیره انتخاب شدند. ۳ نفر به عنوان اعضای اصلی و ۲ نفر به عنوان علی‌البدل انتخاب شدند:



## سفر اعضای کانون به باداب سورت و شهیرزاد



تعداد ۳۴ نفر از اعضای کانون و همراهانشان به مناطق کیاسر و شهیرزاد سفر کردند. این سفر دو روزه، پنجشنبه و جمعه ۱۳ و ۱۴ مهرماه ۱۳۹۱ توسط کمیته بازدید برگزار شد و همسفران از غار دربند (بین سنگسر و شهیرزاد)، چشمه‌های شگفت‌انگیز باداب سورت (منطقه کیاسر)، جنگل‌های کیاسر و نیز دریاچه سد شهید رجایی (منطقه سلیمان تنگه) بازدید کردند و در دریاچه سد نیز به قایق‌سواری پرداختند. اعضا پنجشنبه شب را در هتل اسرم شهر ساری اقامت داشتند. سرپرستی این برنامه به عهده مهندس رضا یوسفی (عمران ۱۳۷۷) بود. غار دربند در دامنه‌های جنوبی بخش میانی رشته کوه البرز در ارتفاعات دربند، در کمرش کوه لهر، در قسمت شمالی مرکز شهرستان مهدی شهر (سنگسر) در شمال سمنان جای گرفته است. این غار یکی از بزرگترین غارهای آهکی

ایران به شمار می‌رود که در گذشته محل سکونت انسان بوده است. این غار به علت عملکرد شدید نیروهای زمین‌ساختی منطقه و نیز پدیده «انحلال توسط آبهای نفوذی» شکل گرفته است. کارشناسان، عمر این غار آهکی را ۱۴۰ میلیون سال تخمین زده‌اند. در سال ۱۳۹۰ باستان‌شناسان تعدادی سکه تاریخی در این غار کشف کردند. با کشف این آثار، غار دربند در پروسه ثبت در آثار ملی ایران قرار گرفته است. مجموعه زیبا و دیدنی چشمه‌های آب معدنی باداب سورت که از شاهکارهای شگفت‌انگیز طبیعت و یکی از زیباترین چشمه‌های جهان به شمار می‌رود، در جنوب شرقی شهر ساری و در ارتفاع ۱۸۴۰ متری از سطح دریا در محدوده روستای اُرسُت واقع شده است. این اثر زیبا و دیدنی حدود سه هکتار را در بر می‌گیرد. یکی از این چشمه‌ها که چشمه اصلی است، دارای آبی بسیار شور بوده و برای اهداف درمانی نیز استفاده می‌شود.

## بازدید از کارخانه تولید لوله و پوشش سلفچگان

تولید لوله و پوشش سلفچگان برگزار شد و متخصصان کارخانه به سوالات مطرح شده از جانب شرکت‌کنندگان در برنامه پاسخ گفتند. این برنامه به دعوت مهندس محمد شریف‌زاده بوشهری (معدن ۳۹) و با حمایت مالی وی برگزار شد و سرپرستی آن به عهده مهندس مهدی یار هوپخت (متالورژی ۸۶) بود.

حاضرین با فعالیت‌های کارخانه یاد شده برگزار شد. سپس اعضا از سالن‌های پوشش‌دهی لوله بازدید به عمل آوردند و از نزدیک فرآیندهای مختلف پوشش‌دهی لوله‌های مورد استفاده در صنایع نفت و گاز را از نظر گذراندند. در پایان این برنامه نیز جلسه پرسش و پاسخ با حضور برخی از اعضای هیأت مدیره شرکت

در اولین پنجشنبه آبان ماه ۱۳۹۱ جمعی از اعضای کانون در برنامه بازدید از کارخانه تولید لوله و پوشش سلفچگان شرکت کردند. این برنامه در ساعت ۶:۳۰ صبح روز پنجشنبه ۴ آبان ماه، از مقابل دانشکده فنی (امیرآباد شمالی) آغاز شد. در ابتدای این بازدید جلسه‌ای به منظور آشنایی

## سفر به استان کرمانشاه

در برنامه‌ای که کمیته بازدید از ۲۲ تا ۲۴ شهریور ماه ۱۳۹۱ ترتیب داده بود ۱۸ نفر از اعضای کانون و همراهانشان از استان کرمانشاه و جاذبه‌های تاریخی و طبیعی آن بازدید کردند. این برنامه در اولین



ساعت روز چهارشنبه ۲۲ شهریور ماه آغاز شد و گروه پس از عبور از شهرهای ساوه و همدان برای صرف صبحانه و بازدید از معبد آناهیتا در کنگاور توقفی ۲ ساعته داشتند. در ادامه مسیر به سمت کرمانشاه، از مجموعه تاریخی بیستون واقع در ۳۸ کیلومتری شمال شرق این شهر و سپس از مجموعه طاق بستان بازدید به عمل آمد. روز دوم این سفر به بازدید از غار قوری قلعه (یکی از آثار طبیعی ملی ایران)، سراب روانسر، پاوه و بازارچه مرزی جواهرود اختصاص داشت. روز سوم و پایانی این برنامه نیز به خرید سوغات کرمانشاه (شیرینی‌های معروف این شهر) و بازگشت گروه به سمت تهران سپری شد.

برنامه در ساعت ۲۳ روز جمعه ۲۴ شهریور ماه در همان نقطه آغازین به پایان رسید. سرپرستی این برنامه به عهده مهندس مهدی یار هوپخت (متالورژی ۸۶) با کمک مهندس منامدنی (معدن ۸۱) بود.



## سفری به روستای کویری مصر



کمیتة بازدید در آبان ماه سال ۱۳۹۱ سفری تفریحی به مقصد کویر مرکزی ایران و روستای کویری فرحزاد برگزار کرد. در این سفر ۳ روزه که از ۱۰ تا ۱۳ آبان ماه برگزار شد، ۳۵ نفر از اعضای کانون و همراهانشان شرکت داشتند. این برنامه با حرکت از تهران به مقصد روستای فرحزاد آغاز شد و پس از عبور از شهرهای قم، کاشان، اردستان، نایین، انارک و خور به روستای کویری فرحزاد رسیدند. این روستا تنها ۲ خانوار دارد که به دامداری مشغولند. روز اول برنامه به استراحت مختصر گروه و سپس بازدید از دریاچه نمک در غروب همان روز اختصاص داشت. پس از آن، طبق وعده از پیش مشخص شده، شرکت کنندگان در برنامه به تماشای اجرای موسیقی سنتی توسط گروه ارفع توحیدی در زیر آسمان پرستاره کویری نشستند. روز دوم این سفر، با عزیمت به سمت روستاهای گرمه و بیاضه، بازدید از چشمه گرمه و قلعه بیاضه، چشمه جوشان در دل کویر، بازدید از قلعه‌های متعلق به دوره ساسانیان و پیاده‌روی در کویر مرکزی سپری شد. در روز آخر در مسیر حرکت به سمت تهران، گروه، توقفی چندساعته در کنار آبشاری واقع در ۱۵ کیلومتری شهر جندق داشت. این آبشار در نتیجه اختلاف ارتفاع ایجاد شده و در مسیر آب خروجی از یک قنات به وجود آمده است. سرپرستی این برنامه بر عهده مهندس رضا یوسفی (عمران ۷۷) و مهندس مهدی یار هوبخت (متالورژی ۸۶) بود.

## یک روز به یاد ماندنی در تنگه واشی

تنگه واشی، تنگه ایست که مابین کوه‌ها قرار گرفته و دسترسی به دشت میان کوه‌ها از طریق تنگه‌ای باریک و بلند امکان‌پذیر است. دسترسی به منطقه از طریق جاده فیروزکوه است. در گذر از اولین تنگه سنگ‌نگاره‌های دوره قاجار دیده می‌شود که نقوش برجسته‌ای از ماجرای شکار در این منطقه است. برنامه با حضور ۴۰ نفر از اعضای کانون و خانواده‌هایشان به سرپرستی دیبا مختاباد (متالورژی ۸۸) برگزار شد. اعضا حدود ساعت ۸ صبح از شهر خارج شدند و با دو توقف در مسیر جاده فیروزکوه، نهایتاً ساعت ۱۱:۳۰ به تنگه واشی رسیدند. طبیعت نیز به زیبایی و با آب سرد و گوارا از آنها استقبال کرد و با گذشتن از تنگه اول به محل استراحتی در سایه درختان رسیدند تا خستگی روزهای هفته را در آنجا از تن به در کنند. ساعت ۱۴ گروه تصمیم گرفت به سمت آبشار حرکت کند. گروهی رفتند و برخی نیز ماندند تا کمی استراحت کنند. در ساعت ۱۶ گروهی که به سمت آبشار رفته بودند، بازگشتند و به همراه بقیه چای نوشیدند. سپس گروه آماده بازگشت شد. این سفر یک روزه با بازگشت گروه در ساعت ۲۲ به مقابل در دانشکده فنی به پایان رسید. در این سفر جا دارد از مهندسان، حسین حداد کلور (عمران ۷۹) و نیما تقوایی (متالورژی ۸۶) تشکر کنیم که الطافشان از ابتدای سفر اعضا را همراهی کرد.



## اعضای کانون به قزوین، پایتخت صفویه سفر کردند

شهر قزوین (به پارسی میانه: کاسپین) یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای ایران و مرکز استان قزوین است. مساحت آن ۵ هزار و ۶۹۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن برابر سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۶۰۵ هزار



و ۳۳۸ تن است. ۲۵ تن از اعضای کانون به اتفاق همراهانشان از این شهر تاریخی که در زمان شاه طهماسب صفوی، پس از تبریز پایتخت ایران شد، بازدید کردند.

این برنامه که در روز جمعه، ۱۰ آذرماه ۱۳۹۱ برگزار شد، شامل بازدید از عمارت چهلستون (از کاخ‌های صفویه)، خیابان سپه (اولین خیابان ایران)، مسجد جامع قزوین (از کهن‌ترین مساجد ایران)، حمام قجری، آرامگاه حمداالله مستوفی (فیلسوف، مورخ و شاعر قرن هشتم)، خانه امینی‌ها (از خانه‌های زیبا و اعیانی قزوین)، آب‌انبار سردار (بزرگ‌ترین آب‌انبار تک‌گنبدی ایران) و سردر عالی قاپو بود. شرکت کنندگان در این برنامه، روز پاییزی مسرت‌بخشی را گذرانند.

سرپرستی این برنامه به عهده مهندس مدنی (معدن ۸۱) و دستیاری مهندس هوبخت (متالورژی ۸۶) بود.



## صعودی پاییزی به قله پلنگ چال

گروه ۸ نفره‌ای از اعضای کانون صبح روز جمعه ۵ آبان ماه ۱۳۹۱ از میدان در که راهی قله پلنگ چال شدند. بعد از یک ساعت و نیم حرکت، گروه جهت صرف صبحانه مدتی توقف داشت و در این حین چهار نفر دیگر از اعضا به گروه ملحق شدند. در ادامه مسیر باران نرمی شروع به باریدن کرد و پس از ۴۵ دقیقه حرکت، گروه در ادامه مسیر به سمت پناهگاه، توقف کوتاهی داشت. سرانجام در ساعت ۹:۲۰ به پناهگاه رسیدند و بعد از ۲۵ دقیقه استراحت با وجود نامناسب بودن تجهیزات برخی افراد، همگی راهی مسیر قله شدند. به علت شیب تند و هوای ناآرام اعضایی که تجهیزات لازم را به همراه نداشتند به پناهگاه بازگشتند و مابقی افراد مسیر قله را پیموده و با شروع باران، طوفان و زمین پوشیده از برف، استراحت‌ها لغو شده و با سرعت اندکی در ساعت ۱:۴۵ بعد از ظهر موفق به صعود قله پلنگ چال شدند. بعد از ۱۰ دقیقه حضور در قله و گرفتن عکس یادگاری به سمت پایین حرکت کردند و در نزدیکی چشمه در مسیر اصلی صعود به صرف ناهار پرداختند و به مسیر ادامه داده و حدود یک ساعت بعد از غروب آفتاب در میدان در که، اولین صعود یکی از اعضای گروه به قله را جشن گرفتند.



## کوهنوردان کانون به دماوند صعود کردند

کمیته کوهنوردی در اولین جلسه مرداد ماه خود به دلیل استقبال اعضا از برنامه‌های کوهنوردی، تصمیم به ارتقا سطح افراد شرکت کننده در برنامه‌های آتی کمیته گرفت. به همین منظور برگزاری کارآموزی کوه سنگ در هفته آخر ماه رمضان به تقویم برنامه‌های تابستانی کمیته افزوده شد. کوهنوردان کانون بعد از اجرای برنامه توجال که جهت آمادگی گروه برای صعود به قله دماوند تدارک دیده شده بود، در ۵ و ۶ مرداد ماه ۱۳۹۱، ۱۷ نفر از اعضا به سمت پلور حرکت کردند و در ساعت ۱۱ برای صعود به قله دماوند آماده شدند. گروه پس از رسیدن به پناهگاه سیمرغ و شب‌مانی در پناهگاه، سحرگاه روز جمعه به سمت قله حرکت کردند و ۱۱ نفر از اعضای تیم توانستند به قله صعود کنند که ۹ نفر از آنها برای بار اول موفق به این صعود می‌شدند. اعضا در ساعت‌های پایانی روز جمعه آماده بازگشت به تهران شدند.

این برنامه به سرپرستی مهندس مسعودی و همراهی کوهنوردی برگزار شد.



## قله توچال، راهی برای فتح دماوند

کمیته کوهنوردی کانون ۲۹ و ۳۰ تیر ماه ۱۳۹۱ سومین برنامه از تقویم تابستانی خود را برگزار کرد. این برنامه با حضور ۸ نفر از اعضای کمیته کوهنوردی به سرپرستی مهندس محمد مهدوی (برق ۸۶) برگزار شد. در ساعت ۱۵:۳۰ اعضا حرکت خود را به سمت قله توچال شروع کرده و در حدود ساعت ۲۰ به پناهگاه امیری رسیدند و شب را در پناهگاه گذراندند. در این برنامه که جهت آمادگی گروه برای صعود به قله دماوند تدارک دیده شده بود، کوهنوردان کانون در ساعت ۹ صبح موفق به فتح قله شدند و پس از کمی استراحت با تله کابین مسیر را برگشتند.



## کوهنوردان کانون به قله دوخواهرون صعود کردند

کمیته کوهنوردی کانون بعد از برگزاری دوره‌های کارآموزی کوهنوردی و انجام برنامه پلنگ چال جهت آمادگی گروه، سرانجام در ۲۲ و ۲۳ تیر ماه سال ۱۳۹۱، تعداد ۱۴ نفر از اعضای کانون برای صعود به قله دوخواهرون آماده شدند. در این برنامه که از طریق مسیر روستای یالرود انجام شد، تنها دو نفر از کوهنوردان موفق به صعود به قله چپکرو و دوخواهرون غربی شدند.



در مسیر حرکت به دلیل کاهش فشار در روز اول و اجرای کارآموزی شب‌مانی، باصلاحیدید سرپرست برنامه، گروه مسیر جدیدی را تجربه کرد. این برنامه به سرپرستی مهندس البرز صمدی برگزار شد.

## برنامه‌ریزی در پناهگاه شروین

۶ نفر از اعضا گروه ورزش‌های کوهستانی جمعه ۲۸ مهر ماه ۱۳۹۱ به پناهگاه شروین صعود کردند. این برنامه جهت آشنایی بیشتر اعضای تیم غارنوردی کانون با یکدیگر، آمادگی جسمانی گروه و همچنین برنامه‌ریزی برای برنامه‌های آتی برگزار شد. برنامه ساعت ۸ صبح روز جمعه از میدان سربند شروع شد و پس از عبور از بندپخچال، ساعت ۱۱ افراد تیم به پناهگاه شروین رسیدند. پس از صرف ناهار، جلسه برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری برنامه‌های آتی تیم غارنوردی در پناهگاه شروین انجام شد و در ساعت ۱۷ برنامه در میدان سربند خاتمه یافت. سرپرستی این برنامه بر عهده مهندس محسن وطن‌پرست بود.





## دهمین همایش روز ملی بتن برگزار شد

دهمین همایش روز ملی بتن با محوریت "ارتقا کیفیت فرآورده‌های بتنی" امسال نیز همچون سال‌های گذشته ۱۵ و ۱۶ مهر ماه در سالن همایش‌های بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

چهارمین کنفرانس ملی بتن نیز به نام دکتر مهدی قالیبافیان در روز ۱۵ مهر ماه برپا شد. از بخش‌های اصلی همایش روز بتن تجلیل از شخصیت برجسته بتن سال بود که امسال این عنوان به دکتر داود مستوفی‌نژاد (راه و ساختمان ۵۷) عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی اصفهان تعلق یافت. از دیگر بخش‌های اصلی این همایش معرفی طرح‌های برتر بتنی سال بود که امسال هیات داوران از میان طرح‌های ارایه شده سه طرح برتر را در ۳ زیر گروه مختلف به شرح زیر معرفی کردند:

● **عنوان پروژه:** طرح سد و نیروگاه سیمره  
شرکت توسعه و منابع آب و نیروی ایران، کارفرمای پروژه  
شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس، طراح پروژه  
شرکت پرلیت، اجراکننده پروژه  
● **عنوان پروژه:** طرح، تدارک و ساخت پل تقاطع جانبازان (عظیمیه) شهر کرج  
شهرداری کرج - معاونت فنی و عمرانی، کارفرمای پروژه  
مهندسین مشاور رهاب، طراح پروژه  
شرکت مهندسین مشاور سازیان، مشاور کارفرمای پروژه

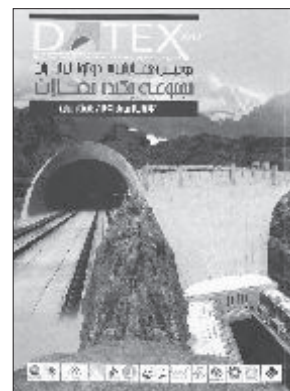
کارگاه آموزشی برای علاقمندان برگزار شد.  
بر اساس این گزارش، سخنرانی‌های علمی، معرفی برترین پروژه‌های بتنی و مجریان آنها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، نمایشگاه تخصصی، اعطای جوایز مسابقات دانشجویی روز بتن از برنامه‌های اصلی همایش روز بتن بوده است. همچنین به برگزیدگان مسابقه پوستر و پایان‌نامه برتر دانشجویی در سطح کارشناسی ارشد (جایزه دکتر مهدی قالیبافیان) جوایزی اهدا شده است. این همایش در نهایت با گرفتن عکس یادگاری دست جمعی هیات برگزارکننده و شرکت‌کنندگان پایان پذیرفت.

شرکت ارشد سازه توس، اجراکننده پروژه  
شرکت هنزا، اجراکننده همکار پروژه  
● **عنوان پروژه:** طراحی و اجرای سازه بتنی پروژه اصفهان سیتی سنتر  
شرکت پرستیژلند ایران، کارفرمای پروژه  
شرکت دقیق، پیمانکار طرح و اجرای پروژه  
مهندسین مشاور کرانه به کرانه پارس، مشاور طراح سازه پروژه  
به نمایندگان طرح‌های برتر بتنی سال ۹۱، تندیس ویژه و لوح یادبود اعطا شد.  
همزمان با برگزاری همایش، چهار

## برگزاری دومین همایش و نمایشگاه سد و تونل ایران

این همایش با حضور مجید نامجو وزیر نیرو، مازیار حسینی معاون فنی عمرانی شهرداری تهران و مدیران و مسئولان اجرایی، نهادهای فعال در زمینه سد و تونل، استادان، پژوهشگران، مهندسان و دانشجویان برگزار شد.

بر اساس سخنان مهندس آیدین ختلان، عضو هیات مدیره کانون و دبیر اجرایی این همایش، ایده برگزاری نمایشگاه سد و تونل ایران، در اوایل دهه هشتاد شمسی مطرح شد و در نهایت اواخر دهه هشتاد شکل اجرایی به خود گرفت. استقبال خوب دست‌اندرکاران بخش‌های سد و تونل در برگزاری اولین دوره همایش و طبق نظر سنجی‌های انجام شده بیش از ۹۲ درصد از حاضران، ضمن مفید بودن، خواستار برگزاری منظم و پیاپی آن بودند.  
در اواخر سال ۱۳۹۰ و ابتدای سال



دومین همایش سد و تونل ایران از ۲۴ تا ۲۶ مهر ماه در تالار علامه امینی واقع در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برگزار شد.

کانون در کنار ۱۱ انجمن حرفه‌ای و تخصصی دیگر در برگزاری این همایش همکاری داشت. همچنین مهندس اسماعیل مسگرپور طوسی، رییس هیات مدیره کانون نیز به نمایندگی از کانون در شورای سیاستگذاری این همایش حضور داشت.

به راه‌های بهبود فضای کسب و کار، ارتقای دانش فنی و جایگاه محیط زیست در اجرای طرح‌های سد و تونل پرداخته خواهد شد. همچنین معاون وزیر نیرو افزود: با تشکیل کمیته علمی متشکل از ۴۵ نفر از استادان صاحب‌نظر و فراخوان مقالات، ۳۵۰ مقاله به دبیرخانه این همایش رسید که ۱۵۶ مقاله مورد تایید قرار گرفت. وی تصریح کرد: ۴۹ درصد مقالات در بخش تونل و ۲۴ درصد در بخش سد و بقیه در مباحث عمومی است. تعدادی از مقالات به شکل شفاهی و تعدادی نیز به شکل پوستر ارایه خواهد شد. دبیر همایش سد و تونل ایران گفت: در این همایش ۷ کارگاه آموزشی برگزار می‌شود و طرح‌هایی از جمله تونل نیایش - صدر، خط ۷ متروی تهران، تونل توحید و رسالت به عنوان طرح‌های برجسته و مهم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۱۳۹۱ امور اجرایی دومین دوره همایش سد و تونل آغاز شد. این همایش با دریافت نزدیک به ۳۵۰ چکیده مقاله و نمایشگاهی با مساحت بیش از ۳ هزار متر مربع و با حضور شخصیت‌های برجسته و مرتبط در نشست‌های همایش برگزار شد.  
دکتر رسول زرگرپور، دبیر دومین همایش سد و تونل ایران، اظهار داشت: سد و تونل دو بخش مهم از صنعت کشور است که هم عوامل بسیاری در احداث آن مشارکت دارند و هم منافع فراوانی برای بهره‌برداران دارد. زرگرپور تصریح کرد: گردهمایی مدیران و کارشناسان، تعامل بخش‌های دولتی و خصوصی، بررسی و تبادل نظر میان دست‌اندرکاران احداث سد و تونل، ثبت تجارب و دستیابی به راهکارهای اجرایی در این زمینه از اهداف این همایش است. وی عنوان کرد: در این همایش همچنین

## «»»» دانشکده

چهارشنبه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۹۱ مراسم افتتاحیه کتابخانه بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی در پردیس ۲ (امیرآباد) دانشکده فنی دانشگاه تهران با حضور رییس و معاونان و اساتید دانشکده فنی، جمعی از خیرین مدرسه‌ساز از سراسر کشور، جمعی از اعضای هیات مدیره کانون مهندسين فارغ التحصيل دانشکده فنی و بنیاد حامیان دانشکده و بانی این امر خیر کاظم قلم‌چی (ورودی سال ۱۳۵۲) برگزار شد. این روز به عنوان روزی به یادماندنی در تاریخ دانشکده فنی ثبت گردید.

دانشکده  
فنی



## در مراسمی در دانشکده فنی برگزار شد افتتاح کتابخانه بنیاد قلم چی

دانشگاه تهران که یک بنیاد عام‌المنفعه است که کمک‌های حامیان از طریق این موسسه به دانشکده می‌رسد.

وی در آخر اظهار امیدواری کرد که با همکاری دانشکده، بنیاد و کانون مهندسين، بتوانند در ارتقا سطح آموزشی کشور قدم‌های مثبتی بردارند.

در ادامه برنامه، فیلمی جهت آشنایی بیشتر با دانشکده فنی، آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌ها نمایش داده شد. در این فیلم از مهندس بازرگان، دکتر لطفی‌زاده، مهندس اصفیا، دکتر حسابی، دکتر چمران، دکتر رضا نام برده شد که جزو افتخارات دانشکده و کشور هستند.

همچنین در این فیلم پردیس شماره ۲ در امیرآباد، پردیس شماره ۳ در رضوان شهر و دانشکده فنی فومن که به همت مهندس موسوی رهیما احداث شده است، نیز معرفی شد.

در قسمت دیگر برنامه، حضار پای سخنان کاظم قلم‌چی نشستند تا با نحوه ساخت کتابخانه بیشتر آشنا شوند.

وی سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: «جرقه ساخت این کتابخانه در برنامه‌ای که برای دانشجویان ممتاز کانون قلم‌چی تدارک دیده شده بود، زده شد. ما در آن جلسه در خدمت استادان دانشکده فنی بودیم. در آن زمان دکتر جبه‌دار مارالانی (برق ۴۲) ریاست دانشکده مهندسی برق را بر عهده داشتند. دکتر جبه‌دار به طرح توسعه دانشکده برق، مکانیک و کتابخانه اشاره کرد که من در آن زمان به هزینه کتابخانه اشاره کردم که حدود یک میلیارد تومان هزینه در بر داشت. پیشنهاد دکتر

می‌توانند از قسمت‌های مدیریت کتابخانه، قرائت خانه، جستجوی کتاب استفاده کنند. در سال ۸۸ عملاً قرارداد ساخت این مجموعه منعقد شد و فعالیت‌ها برای ساخت کتابخانه شروع شد و در سال ۹۱ به بهره‌برداری رسید. بنیاد قلم‌چی علاوه بر ساخت کتابخانه در قسمت تجهیزات نیز با دانشکده همکاری‌هایی داشته و قول مساعدت در سال‌های آینده را نیز به ما داده‌اند و براساس تصمیم‌گیری‌های انجام شده فاز ۲ این کتابخانه نیز در سال ۹۲ به بهره‌برداری خواهد رسید.»

وی در ادامه سخنان خود به پروژه‌های دیگر دانشکده از جمله، طرح ساخت دانشکده مهندسی شیمی در ضلع جنوبی کوی دانشگاه و پروژه ساخت دانشکده مهندسی مکانیک در پردیس ۲ و طرح توسعه دانشکده مهندسی عمران در ضلع غربی خیابان ۱۶ آذر اشاره کرد و گفت اگر دانشکده منتظر اعتبارات دولتی باشد، این پروژه‌ها به نتیجه نخواهد رسید. وی از تمام خیرین درخواست کرد تا بار دیگر در ساخت این پروژه‌ها دانشکده را همیاری کنند تا تمام این اهداف به ثمر نشینند.

دکتر کمره‌ای ضمن سپاس از بانی دانشکده فنی فومن (مهندس عباس موسوی رهیما شیمی ۴۱) از دو نهاد دیگر به عنوان پشتیبان دانشکده فنی نام برد، اول کانون مهندسين فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران که یکی از بهترین انجمن‌های فارغ‌التحصیلی کشور است و علاوه بر کمک به دانشکده، زمینه‌های کاری را برای تمام دانشجویانی که بعد از فراغت از تحصیل جویای کار هستند، فراهم می‌آورد و دوم بنیاد حامیان دانشکده فنی

برنامه ساعت ۱۰ صبح با قرائت آیاتی از قرآن مجید و سرود ملی رسمیت یافت. آغازگر برنامه محمدرضا تقی‌دخت، رییس روابط عمومی دانشکده فنی بود. وی ضمن خیر مقدم به حضار و قدردانی از بانی این امر، از دکتر محمود کمره‌ای (برق ۵۸)، رییس دانشکده فنی دانشگاه تهران دعوت به سخنرانی کرد.

دکتر کمره‌ای در ابتدای سخنان خود با ابراز خشنودی از این که بار دیگر دانشکده فنی می‌تواند در آغاز سال تحصیلی خدمتگزار دانشجویان باشد و سهمی در تربیت نسل جوان کشور داشته باشد، گفت: «قدیمی‌ترین و اولین دانشگاه کشور، دانشگاه تهران است و دانشکده فنی به عنوان مهد مهندسی کشور شناخته شده است. بر اساس آخرین آمار در سال‌های اخیر دانشکده فنی دارای ۸ دانشکده، ۳ گروه آموزشی، ۳۰۰ عضو هیات علمی، ۳ سایت و ۲ دانشکده در شمال کشور است. همچنین تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل دانشکده فنی که جزو بهترین دانشجویان در سطح کشور هستند، در مهرماه امسال بالغ بر ۱۰ هزار و ۵۰۰ نفر بود. دانشجویان ورودی سال تحصیلی جدید در مقاطع مختلف نیز هزار و ۷۵۹ نفر هستند که از این بین ۸۰۴ نفر دانشجو کارشناسی وارد دانشکده می‌شوند که قطعا بر این تعداد افزوده خواهد شد.»

وی همچنین در ادامه سخنان خود به فضای دانشکده و چگونگی بهره‌برداری کتابخانه بنیاد قلم‌چی اشاره کرد و افزود: «کتابخانه بنیاد قلم‌چی نزدیک به ۶ هزار متر مربع وسعت دارد که فاز اول کتابخانه افتتاح شده است. دانشجویان





جبهه‌دار برای ساخت این کتابخانه را پذیرفتیم. دکتر دولتشاهی (راه و ساختمان ۵۶)، معاون اداری و مالی دانشکده نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. در آن زمان مسیر برای ساخت کتابخانه هموار نبود و با حضور دکتر دولتشاهی، ما توانستیم سریع‌تر عمل کنیم. علاوه بر دکتر دولتشاهی دکتر کمره‌ای نیز در این مسیر ما را یاری کردند. در آن زمان دکتر نیلی که سمت ریاست دانشکده را داشتند جای خود را به دکتر کمره‌ای دادند و مانگران ادامه مسیر بودیم که جادار در همین جاز دکتر کمره‌ای تشکر کنیم که در این راه ما را همیاری کردند. اما چرا کتابخانه، چرا دانشگاه تهران، چرا فنی و چرا قلم‌چی؟»

وی افزود: «ایران کشوری است که به لحاظ علمی، هنری و ورزشی در حال پیشرفت است. از کارهای ورزشی و هنری، فیلم ساخته شده

و اطلاع‌رسانی‌های ارزنده‌ای می‌شود. ولی در زمینه‌های علمی نمودی ندارد. نیاز به کتابخانه و نیاز به ساخت مدرسه از نیازهای اساسی کشور است. دانشجویان ما در زمینه‌های تکنولوژی در حال پیشرفت هستند و همچنین علاقه شخصی خودم برای ساخت کتابخانه مرا در این زمینه مصمم‌تر کرد. اما چرا دانشگاه تهران و چرا فنی؟ دانشگاه تهران به دلیل اینکه اولین دانشگاه کشور است و دانشکده فنی به دلیل اینکه من خودم فنی هستم و علاقه‌ای که به فنی داشته‌ام مرا به این سمت کشاند. علاوه بر آن مطمئن بودم که در دانشکده فنی با مدیریتی که دارد، این راه ادامه خواهد یافت و کتابخانه مدیریت می‌شود. در آخر به دلیل اینکه این راه در بنیاد قلم‌چی نیز ادامه پیدا کند از این مسیر وارد شدیم.»

بخش پایانی برنامه به سخنان دکتر حافظی، رئیس جامعه خیرین مدرسه‌ساز اختصاص داشت. وی در سخنانش با اشاره به پشتکار و تلاش مدیران گفت: «اگر این تلاش‌ها نباشد کار ما نتیجه‌ای نخواهد داشت. زیرا ما سازنده هستیم و مدیران و دانشجویان هستند که آن را به بهره‌برداری می‌رسانند.» وی در ادامه سخنانش افزود: «توصیه من به دانش‌آموزان عزیز این است که در راه علم تلاش کنند چون آینده کشور بر دوش آنهاست و صمیمانه از کاظم قلم‌چی تشکر می‌کنم.»

در خاتمه این مراسم دکتر کمره‌ای با اهدای تابلوی نفیسی از دانشکده فنی به رسم یادبود از کاظم قلم‌چی قدردانی کرد. همچنین تقدیر ویژه‌ای از مدیر پروژه، بخش طراحی و عوامل اجرایی به عمل آمد و تمامی مهمانان به بازدید از کتابخانه رفتند.

## از آرزوی تحصیل در فنی تا ساخت کتابخانه

کاظم قلم‌چی دانشجوی دانشکده فنی است. وی در سال ۱۳۵۲ در رشته مهندسی معدن تحصیل خود را آغاز کرد. هر چند به دلایلی مجبور شد تحصیلات خود را نیمه‌کاره رها کند. ساعتی را پای سخنان او نشستیم تا از فنی و خاطرات و انگیزه‌اش برای ساخت کتابخانه دانشکده فنی دانشگاه تهران بگویید.

وی ابتدا سوال می‌کند، چرا کتابخانه دانشکده فنی دانشگاه تهران؟ این خود سه بخش است. چرا کتابخانه؟ چرا دانشکده فنی؟ چرا دانشگاه تهران؟

قلم‌چی می‌گوید: «اصلی‌ترین موضوع، کتابخانه است. من اول به شرایط درس خواندن خودم اشاره کنم و انگیزه‌ام برای این که به کتابخانه فکر کنم. من از سال چهارم دبستان، هم کار می‌کردم و هم درس می‌خواندم. سه سال آخر دبیرستان، روزها کار می‌کردم و شب‌ها درس می‌خواندم. در این سه سال آخر، کتابخانه برای من یک مامن و پناهگاه برای درس خواندن بود. در دبیرستان جم قلهک درس می‌خواندم.

ساعت ۴ کارم تمام می‌شد و ساعت ۵ کلاس شروع می‌شد. من حدود ساعت ۴ و ربع به قلهک می‌رسیدم. کتابخانه‌ای در آن حوالی بود که تا زمان شروع کلاس آنجا می‌رفتم و کتاب می‌خواندم. بسیاری از مواقع هم به کتابخانه‌ای در سید خندان مراجعه می‌کردم. کتابخانه برای کسانی که در خانه و کنار خانواده فضای بزرگی در اختیار ندارند که آرامش داشته باشند و بتوانند راحت درس بخوانند، این امکان را فراهم می‌کند. به این دلیل کتابخانه برای من اولویت داشت.»



واقف بنیاد قلم‌چی توضیح می‌دهد: «علاوه بر آن کتابخانه دانشگاهی اولویت بیشتری داشت. چرا؟ تجربه‌های بسیاری در ساخت کتابخانه داشتیم. در مراکز مختلف کتابخانه ساخته‌ایم. مثلاً در دو دبیرستان که ساخته‌ام، کتابخانه هم احداث کرده‌ام که یک در آن توی مدرسه است و در دیگر خارج از مدرسه. هدف من این بود که کتابخانه ساعات کار مدرسه به دانش‌آموزان سرویس بدهد و زمان دیگر به مردم محل. منتها چون کتابخانه کار مشترکی بین چند نهاد و وزارتخانه است. از جمله، مدرسه،

شهرداری، وزارت ارشاد و نهاد کتابخانه‌ها، برقراری تفاهم بین این مراکز دشوار بود. در این موارد عملاً دیدیم که چندان موفق نیست. کتابخانه‌های دیگری هم در مراکز دیگر درست کردیم و عملاً دیدیم که هدفی را که دنبال می‌کنیم به سادگی تامین نمی‌شود.

اما دو تجربه که در ساخت کتابخانه دانشگاهی دارم، نشان داد این کتابخانه‌ها موفق‌ترند. اولین تجربه کتابخانه دانشگاه تفرش بود و دومی کتابخانه دانشکده فنی دانشگاه تهران. این کتابخانه‌ها بلافاصله بعد از ساخت با استقبال زیاد دانشجویان همراه شد. ریاست و مسئولان دانشگاهی هم حمایت خوبی کردند و دیدیم که از کتابخانه خیلی زود به طور کامل استفاده می‌شود. بنابراین یکی از جاهایی که کتابخانه می‌تواند موثر باشد و حداکثر بهره‌برداری از آن انجام شود، کتابخانه دانشگاهی است. چرا که کتابخانه دانشگاهی زودتر به بار می‌نشیند. از طرفی کتابخانه هم می‌تواند به افرادی که امکانات مالی زیادی ندارند، کمک کند و هم قدم

موثری در راه گسترش علم و دانش باشد.»

وی با تاکید بر تاثیر کتابخانه بر روی گسترش علم و دانش می‌گوید: «گاهی تاثیر کتابخانه از کلاس هم بیشتر است. به ویژه در دنیای امروز که موضوع یادگیری به تدریج فردی و شخصی می‌شود. یعنی فردیت آموزش روز به روز با گسترش امکانات تکنولوژیک و استفاده از کامپیوتر و اینترنت بیشتر می‌شود. خودآموزی روز به روز نقش بیشتری دارد. من به همین دلیل روی کتابخانه تاکید ویژه‌ای



دارم.»

قلمچی به این نکته اشاره می‌کند که فعالیت کتابخانه، مدرسه و دانشگاه همه مرتبط با آموزش هستند و از آنجا که وی بنیاد قلمچی را برای گسترش دانش و آموزش وقف عام کرده است، ساخت کتابخانه نیز در همین راستاست.

وی می‌افزاید: «من اعتقاد دارم که بسیاری از اشخاص اگر در زمان مناسب امکانات در اختیارشان قرار گیرند، می‌توانند رشد کنند. یعنی در دوره جوانی و نوجوانی، من در بنیاد هم بیشتر بر دوره دبیرستان تاکید داشتم. زمانی که بچه‌هایی پناه‌تر هستند. در این دوره، اگر کسی مشکل مالی داشته باشد، پسر باشد مجبور است کار کند مثل خودم. معمولاً پدر و مادرها از عهده مخارج بچه کوچک‌تر برمی‌آیند. وام‌های دانشجویی هم به طریقی نیاز بچه‌ها را تامین می‌کند. به همین دلیل در اهداف بنیاد قلمچی ساخت مکان آموزشی مثل کتابخانه و مدرسه و بورسیه کردن دانش‌آموزان منظور شد.» قلمچی در پاسخ به این سوال که چرا دانشکده فنی؟ می‌گوید: «چون من خودم در این دانشکده درس خواندم و همیشه علاقه داشتم برای این دانشکده کاری انجام دهم. این آرزوی من بود. سال ۸۷ کار آغاز شد. خود دانشکده، کار ساخت را بر عهده گرفت. هزینه آن نیز ۲ میلیارد تومان شد. برای تجهیز آن هم چیزی بیشتر از ۲۰۰ میلیون تومان پرداخت کردیم.»

قلمچی می‌گوید: «اما چرا دانشگاه تهران؟ بالاخره دانشگاه تهران، دانشگاه مادر است و نقش محوری، کلیدی و تعیین‌کننده دارد.»

وی با اشاره به سیر اداری ساخت کتابخانه می‌گوید: «در ساخت مدارس، جامعه خیرین مدرسه‌ساز بسیاری از کارهای اداری را تسهیل کرده است. ولی در خیرین دانشگاهی هنوز در این زمینه تجربه کم است و باید این مسیرها را با آزمون و خطا طی کنیم. زمانی که این کار را شروع کردیم تا مذاکرات تمام شد و به عقد قرارداد رسید، خیلی طول کشید. در

این زمان دکتر نیلی، رییس دانشکده بود و دکتر دولتشاهی، معاون مالی و اداری وقت دانشکده نقش بسیار پررنگی در عقد قرارداد داشت.»

وی اضافه می‌کند: «روزی که رفتیم کار را در مراسم دانشکده شروع کنیم، رییس دانشکده عوض شده بود. پای این تفاهم‌نامه را هم دکتر نیلی و هم دکتر کمره‌ای امضا کردند. من کمی نگران شدم.

چون یکی از فاکتورهای مهم کار ما، مسئولان هستند. چون وقتی مسئولان پیگیر هستند، کار بهتر پیش می‌رود. پول شاید ۱۰ درصد بهره را داشته باشد، کار اصلی را مسئولانی انجام می‌دهند که از آن استفاده می‌کنند. دکتر کمره‌ای هم بسیار همکاری داشت. در حال حاضر، این کتابخانه به عنوان کتابخانه مرکزی دانشکده فنی در نظر گرفته شده است. من لازم است از دکتر کمره‌ای، دکتر دولتشاهی و دکتر قلی‌پور معاون مالی و اداری دانشکده و مهندس بهزادی مجری طرح که بسیار کمک کردند، تشکر کنم. هر چند این پروژه کمی طول کشید. اما پایان آن خیلی خوب بود. تا چند ماه پیش که اطلاع داشتم خیلی خوب از کتابخانه استفاده می‌شود.»

قلمچی با یادآوری خاطرات سال‌های ورود به دانشکده می‌گوید: «سال ۵۲ که من کنکور دادم آرزوی خیلی از بچه‌ها این بود که وارد دانشکده فنی بشوند. همه شاگردان ممتاز به این دانشکده می‌آمدند. ورود به فنی برای من که شبانه درس می‌خواندم، یک رویا بود. البته در سال ۵۲ بین دانش‌آموزان شبانه، رتبه یک را داشتم اما فکر نمی‌کردم با بچه‌هایی که در مدارس روزانه و پولی درس می‌خواندند، بتوانم رقابت کنم. آن موقع می‌توانستیم ۱۰ انتخاب داشته باشیم. من اولین انتخابم پایین‌ترین رشته دانشکده فنی بود. یعنی مهندسی معدن. آرزویم این بود که وارد فنی شوم هر چند پایین‌ترین رشته باشد. دومین رشته، ساختمان علم و صنعت بود. چون ساختمان را دوست داشتم. اینقدر هم مطمئن بودم که قبول

نمی‌شوم که روزنامه را نگرشتم. چون دو سال زودتر به مدرسه رفته بودم، گذاشته بودم که سال بعد شرکت کنم. بچه‌ها آمدند جلوی خانه و گفتند که قبول شدم، آن هم شاگرد اول رشته معدن. یعنی اگر رشته دیگری هم انتخاب می‌کردم، قبول می‌شدم. بهترین خاطره من، ورود به دانشکده فنی بود. نکته جالب این است که بسیاری از بچه‌هایی که در دانشگاه‌های خوب قبول می‌شوند، بچه‌های روستاها و مناطق محروم هستند.»

وی در خصوص انگیزه‌اش برای وقف بنیاد قلمچی می‌گوید: «شاید چیزی نزدیک دو سال با خودم کلنجار می‌رفتم. این یک تصمیم ناگهانی نیست. خودم را به خوبی نمی‌شناختم. فکر می‌کردم وقتی بنیاد را وقف عام کردم، چکار می‌کنم. اما نمی‌دانید، دیدن بچه‌هایی که در روستاها درس خوانده‌اند و وارد دانشگاه‌های معتبر شده‌اند، چقدر باعث شادی و خوشحالی است. از طرفی در این صورت خیال آدم بابت بعد از مرگ هم راحت‌تر است. چون دوست دارم این کار ادامه پیدا کند. دیگر نگران به ارث رسیدن این بنیاد هم نیستم. بعد هم این که اگر شخص بتواند کاری انجام دهد که دیگران هم منتفع شوند، بسیار عالی است. این احساس به ویژه در زمان حیات با هیچ لذتی قابل معاوضه نیست.»

وی ادامه می‌دهد: «البته بعد از این کار، خیلی حرف‌ها زده شد. مثلاً گفتند، این کار را کرده که مالیات ندهد یا مجبور شده است. از ۱۵ شهریور ۸۴ تا کنون، مجموعاً از عواید این بنیاد، ۳۱ مدرسه و کتابخانه ساخته شده است. از این کار راضی هستم. بعد از آن هم نه تنها پشیمان نشدم بلکه امیدوارم بتوانم بیشتر خدمت کنم. علاوه بر این فرهنگ وقف در جامعه ما ریشه دار است.»

قلمچی تاکید می‌کند: «من امیدوارم کار این کتابخانه ادامه پیدا کند و به بهترین شکل از آن استفاده شود. چون فقط ساختمان فایده ندارد. از مسئولان بسیار متشکرم. اگر می‌شد کتابخانه شبانه‌روزی شود، بسیار خوب می‌شد.»



## گفت‌وگو

کمیته انتشارات به دنبال میزگردهای بررسی عملکرد ۲۰ ساله قانون، این بار نشستی با اعضای پیشکسوت قانون برگزار کرد. در این میزگرد نیز مانند میزگرد قبلی روند فعالیت‌های قانون از ابتدای تاسیس تا کنون مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. همچنین بخشی از گفت‌وگوها به بررسی دو دیدگاه در خصوص فعالیت‌های قانون اختصاص داشت. دیدگاهی با رویکرد کلومحوری و دیدگاهی با رویکرد تاثیرگذاری در سیاست‌های کلان مهندسی کشور. این میزگرد در دوفت برگزار شد. جلسه اول در تاریخ سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ در دفتر قانون و جلسه دوم در تاریخ پنج‌شنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۱ در هتل ارم تهران. به دلیل طرح تکراری برخی از نکات در دو جلسه، بخشی از مطالب دو میزگرد خلاصه شده است. حاصل این میزگرد در پی می‌آید.



## میزگرد بررسی عملکرد کانون برگزار شد

# مروری به ۲۰ سال تلاش با حضور پیشکسوتان

اعضای شرکت کننده در میزگرد اول به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از: دکتر مرتضی امینی (معدن ۴۲)، دکتر مرتضی زاهدی (راه و ساختمان ۴۴)، مهندس حبیب‌الله ظهوری (راه و ساختمان ۴۵)، دکتر اورنگ فرزانه (راه و ساختمان ۵۴)، مهندس علی اکبر معین‌فر (راه و ساختمان ۳۰)، مهندس عبدالمجید وکیل (معدن ۴۰) و مهندس ناصر یزدانی (راه و ساختمان ۳۸). در ابتدای جلسه دکتر فرزانه به عنوان سرپرست کمیته انتشارات در سخنانی کوتاه، اهداف این میزگرد را برای حاضران تشریح کرد. دکتر فرزانه در ابتدا به تدوین کتاب بیستمین سال کانون و بررسی تاریخچه کانون در روند تدوین کتاب اشاره کرده و گفت: در جریان بررسی تاریخچه به بعضی از کارها در کانون برخوردیم که متأسفانه پس از گذشت مدت‌ها نیمه‌کاره رها شده است. از جمله ماجرایی زمین پونک که بارها در شورا مطرح شده است. این مساله نشان می‌دهد، باید مشکلی وجود داشته باشد که مثلاً تصمیم‌درستی در مورد زمین در دوره‌های متعدد گرفته نشده است. از جمله مشکلات می‌توان به موارد دیگری هم اشاره کرد. مثلاً در سال ۳۸ تمام فعالیت‌های کانون مانند کوهنوردی و خبرنگاری و مسافرت‌ها تعطیل شد. اما شورای عالی هیچ عکس‌العملی نسبت به این قضیه نشان نداد و سوال نکرد که چرا این فعالیت‌ها تعطیل شده است. انگار که نوعی اینرسی در کانون حاکم شده باشد. با این توصیف فکر کردیم الان زمان خوبی است که در خبرنگاری از اعضا نظرخواهی کرده و گذشته را مرور کنیم. در این ۲۰ ساله بعضی‌ها با حسن‌نیت و بدون چشم‌داشت آمده‌اند، صدها و برخی هزاران ساعت در کانون وقت گذاشته‌اند. با کمال صداقت کار کرده‌اند و این NGO/اصیل را سرپا نگه داشته‌اند. ما باید قدر دان این زحمات باشیم. اما این دلیل نمی‌شود که ۲۰ سال گذشته را بررسی نکنیم. باید ببینیم، آیا می‌توانستیم بهتر از این عمل کنیم یا خیر؟ در این راستا ۳ میزگرد پیش‌بینی کردیم. یکی با پیشکسوتان، یکی با افراد میانسال و یکی با جوان‌ترها. اول با نسل دوم جلسه داشتیم که در شماره‌های قبل منتشر شد. بعد از آن مزاحم شما سروران شدیم. دکتر جبه‌دار و دکتر اردکانیان امروز سمینار داشتند و نتوانستند شرکت کنند. مهندس کنیریایی نیز که عضو شورای سیاستگذاری کمیته است، کاری برایشان پیش آمد. بنابراین در خدمت شما بزرگواران هستیم.





**■ بیگلر خانی -** آقای دکتر توضیحات مفصل را فرمودند که میزگرد قرار است به بررسی عملکرد ۲۰ ساله، بررسی نکات مثبت و منفی بپردازد. در ابتدا شاید بهتر باشد برگردیم به سال‌های نخست، بفرمایید کانون با چه اهداف و دیدگاه اولیه‌ای شکل گرفت و فکر می‌کنید در این ۲۰ سال چقدر به این اهداف نزدیک شده است؟

**■ مهندس معین فر:** آرمان ما در ابتدا جمع کردن فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی و تشکیل یک NGO با توجه به شرایط آن زمان کشور بود. در این شرایط واقعا مشکل است که NGO ای تشکیل شده و بتواند دوام بیاورد و کار کند. با توجه به شرایط موجود و مشکلاتی که وجود دارد، به نظر من بزرگترین موفقیت ما این بود که

مجله جنرال ژئوتکنیک را می‌بینم که یک سری اخبار در صفحه آخر قرار گرفته و تمام یافته‌های جدید علمی و مسایل جدید در صفحات اول معرفی می‌شود. مجله قبلی کانون اصلا به این شکل نبود. البته الان مجله کمی بهتر شده است. اصلا مقالات علمی وجود نداشت. فقط یک سری عکس از دخترها و پسرها که با هم کوه رفته‌اند، می‌گذاشتند. به نظر من این مجله سطح دانشکده فنی را معرفی نمی‌کند. وزن کانون دانشکده فنی را ندارد. به ویژه در مقایسه با NGO های خارج از کشور ضعیف است. ما باید کار کنیم و مقاله بدهیم تا مجله برای دانشجوی فنی قابل خواندن باشد. اخبار هم می‌تواند برود صفحات آخر و مجله بار علمی داشته باشد.

انتقاد دیگرم در مورد شورای عالی است. همیشه

**■ مهندس معین فر:** آرمان ما در ابتدا جمع کردن فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی و تشکیل یک NGO با توجه به شرایط آن زمان کشور بود. به نظر من بزرگترین موفقیت ما این بود که با وجود طیف‌های مختلف و سلیقه‌های مختلف از نظر سیاسی، اجتماعی و سایر دیدگاه‌ها، این جمع به ثمر رسید و موفقیت آمیز بود. شاهکار جریان در این بوده که در کشوری که اصلا سابقه نداشته است، چنین جمع چندین هزار نفره‌ای را جمع کنند.

با وجود طیف‌های مختلف و سلیقه‌های مختلف از نظر سیاسی، اجتماعی و سایر دیدگاه‌ها، این جمع به ثمر رسید و موفقیت آمیز بود. بالاخره این جمع فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی که هدفشان فقط پیشرفت و پشتیبانی از دانشکده فنی بود، به نتیجه رسید و هدف اولیه برآورده شد. به نظر من شاهکار جریان در این بوده که در کشوری که اصلا سابقه نداشته است، چنین جمع چندین هزار نفره‌ای را جمع کنند و کارهای مشترکی را انجام دهند.

**■ بیگلر خانی:** عملکرد ۲۰ ساله کانون را فارغ از این نکته مثبت که پایداری آن است، چگونه ارزیابی می‌کنید؟ فراز و فرودهای آن را چگونه می‌بینید؟

**■ مهندس معین فر:** قدر مسلم به تمام آن چیزهایی که می‌خواستیم، نتوانسته‌ایم برسیم. اما به طور کلی یک وزنه مثبت می‌بینم. البته مشکلاتی از نظر زمین پونک یا نکات دیگر وجود دارد. مشکلات دیگری داشتیم. مقداری کم‌کاری هم شده است. اما به طور کلی همین که نهادهای غیرانتفاعی توانسته به این شکل موفق شود، جای شکرگزاری دارد.

**■ دکتر امینی:** اجازه بدهید، من سخنانم را با دو انتقاد آغاز کنم. اول انتقاد به مجله. من این مجله را به عنوان مجله کانون نمی‌پسندم. مثلا

**■ مهندس معین فر:** به هر حال شما عضو کانون هستید و اطلاعیه برای شما هم می‌آید. می‌دانید، در زمان مقرر آمده‌اید یا خیر؟ این تقصیر عضو کانون است که حتی یادش نمی‌آید به موقع آمده است یا خیر؟ اما اگر حقی از او ضایع شده و نیامده اعتراض کند، باز ایراد به او وارد است که چرا نیامده اعتراض کند. این که می‌فرمایید چرا این انتخاب شد و این یکی نشد؟ این تقصیر کیست؟ تقصیر اعضا است که نیامده‌اند، رای بدهند.

**■ دکتر امینی:** وقتی روسا هستند، طبیعتا دست دومی‌ها جایی ندارند. من دو کلمه می‌گویم و دیگر حرف نمی‌زنم. من احساس می‌کنم در کانون مونوپولیسیم در دو سطح وجود دارد. یکی در سطح بالا یعنی شورای عالی و دوم در سطح داخلی. اگر مونوپولیسیم در کانون حل شود، مشکلات حل می‌شود و گرنه خیر.

**■ دکتر فرزانه:** به هر حال هدف از این جلسه، طرح افکار و ایده‌های اعضا است. عقاید متفاوتند و یکی از کارهای رسانه انعکاس افکار مختلف است.

**■ مهندس یزدانی:** از این که اجازه دادید من هم صحبت کنم متشکرم. در ابتدای کار آنقدر در کانون قحط‌الرجال بود که من دو کمیته را مدیریت می‌کردم. رییس کمیته ارتباطات بودم و به آقای مهندس جعفری هم در اداره کمیته انتشارات کمک می‌کردم. ما امروز می‌خواهیم از مجله صحبت کنیم؟

**■ دکتر فرزانه:** خیر از کانون!

**■ مهندس یزدانی:** از ابتدا فنی‌ها آنقدر عرق داشته‌اند که حتی بعد از سال‌ها هر وقت در کاری به یکی از هم‌دانشکده‌ای‌های خود برمی‌خورند، سعی می‌کنند کارش را سریع تر



دکتر اورنگ فرزانه

**■ دکتر امینی:** من این را قبول ندارم. چون من یک بار اسمم را برای شورای عالی دادم، گفتند وقت گذشته است و دیگر قابل قبول نیست. یک بار هم اسم آقای ایرانمنش را دادیم که دفعه اول اصلا انتخاب نشد و دفعه دوم عضو علی‌البدل شد.

**■ مهندس معین فر:** اجازه بدهید! شما نیامدید، اعتراض کنید. اگر می‌آمدید و می‌گفتید حقان زایل شده است، کمیته‌ای تشکیل می‌شد و به موضوع رسیدگی می‌کرد. آیا شما دیر ثبت‌نام کردید یا خیر؟

**■ دکتر امینی:** به یاد ندارم.



استادان نگران مسایل مالی هستند، چگونه می‌توانند با خیال آسوده سطح علمی و پژوهش را بالا ببرند. در یک مقاله می‌خواندم که سطح اقتصاد یک کشور ۱۲ درصد بالا رفته است. چرا که سطح آموزش و پرورش و دانشگاه‌های آن ۱۲ درصد بالا رفته.

ما توجه نمی‌کنیم. کسانی هم که به دانشکده فنی می‌آمدند به خاطر جو خاص این دانشکده درس می‌خواندند و سطح آن از تمام دانشکده‌ها بالاتر بود. چون آن زمان حساسیت داشتیم. حالا می‌گویند که سطح شریف از فنی بالاتر است. در حالی که از این دانشکده از سال ۱۳۱۷ مهندس فارغ‌التحصیل شده است. آمار داریم، ۶۴ درصد کارهای عمرانی کشور توسط فارغ‌التحصیلان فنی انجام شده است.

از سوی دیگر اغلب فارغ‌التحصیلان فنی پولدار هستند. مثلاً آقای قلم‌چی در یک قلم یک میلیارد برای کتابخانه دانشکده فنی کمک کرد. این کار را هم برای ریا انجام نداد. باید در گردهمایی‌ها کاری کنیم این جمع شدن‌ها کار و فعالیت ایجاد کند. یادم است در سال‌های قبل من مرتباً به این گردهمایی‌ها می‌آمدم، یک بار آمدم و هیچ آشنایی ندیدم. بنابراین دیگر نیامدم. مساله دیگر تامین مسکن برای مهندسان است. به همین دلیل کار تعاونی مسکن را شروع کردیم. زمین اولین پروژه را هم خودم خریدم. ۴۰ هزار متر از بهترین زمین‌های مهرشهر را خریدیم. بعد یک عده گفتند که قسمت تجاری را نمی‌خواهیم و فقط قسمت مسکونی باقی بماند.

**■ مهندس وکیل:** بنده سال‌ها با کانون همکاری داشته و مدتی کمیته معدن را تصدی می‌کردم، مدتی نیز عضو شورای عالی بودم. در آن زمان خودم داوطلب بودم. وقت و علاقه داشتم و کار انجام می‌دادم. فرمایش دکتر امینی که می‌فرماید مونوپولیس در کانون وجود دارد. باید گفت، کسی این کار را می‌کند که منافع مستقیم یا غیرمستقیمی داشته باشد. من فکر می‌کنم این اشتیاق به خدمت است. اشتیاق به یک کار اجتماعی حرفه‌ای. به نظر من مونوپولیس نیست. مثلاً فردا مهندس مهنا بگوید نمی‌آیم یا دکتر فرزانه یا دکتر زاهدی، چه اتفاقی می‌افتد. به نظر من اگر مونوپولیس می‌هم هست، مونوپولیس خدمت است. در مورد خبرنامه البته اگر مسایل علمی خواندنی باشد خوب است. مثلاً من سابقه کارهای کشف معدن سرچشمه را در قالب یک گزارش نوشتم. اینها بسیار خوب است که همه بدانند اعضای کانون منشأ چه خدماتی بوده‌اند و نیازهای فنی کشور را انجام می‌دهند.

در مورد بقیه کارها زمین پونک یا کارهای تفریحی، باید ببینید اگر شخصی بهتر می‌تواند انجام دهد، خوب آغاز کند و انجام دهد. غیر از این

به وجود آمدن آن انجمن هم همین بود. در این انجمن حتی بخشی از نظام فنی اجرایی را به ما سپردند.

کانون خودش را از سیاست کنار کشید، اما حق این بود که در کارهای صنفی شرکت می‌کرد. ما باید خودمان می‌رفتیم و وارد این مجامع می‌شدیم. البته باید پذیرفت که کانون مدتی در نظام مهندسی به عنوان ناظر حضور داشت. متأسفانه به غیر از هم‌دانشکده‌ای بودن ما انگیزه‌ای در کانون ایجاد نکرده‌ایم.

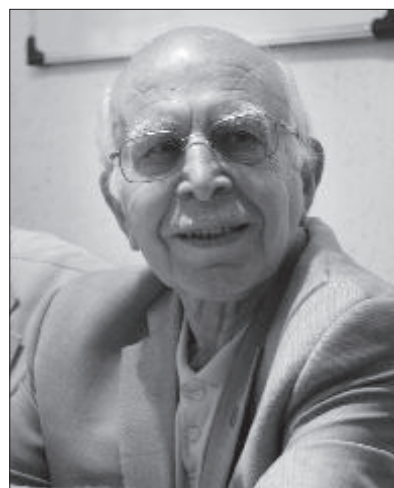
نکته دیگر این که ممکن است برخی از اعضای شورای عالی در جلسات این شورا حضور کمتری داشته باشند، اما نام آنها در شورای عالی یک وزنه است. من یادم است که آن موقع گزارشاتی در باره سفرهای اعضا به شورا می‌آمد که مثلاً یک گروه به نیروگاه نکارفته‌اند و صبح به آن‌ها املت داده‌اند. به نظر من پتانسیل این جمع بسیار بیشتر از طرح این مسایل است. دستور کاری باید وارد شورا شود که شان کانون را بالا ببرد. این دستور کارها باید در کمیته‌ها مطرح شوند، منتها آن سوژه‌هایی که باید مطرح می‌شد، نشد. شاید آقایان بیشتر دلشان می‌خواست همان مسایل سفر مطرح شود. البته تنها چیزی که یادم است این که یک بار آقای دکتر نژادحسینیان تعداد زیادی کامپیوتر به دانشکده اهدا کردند.

**■ مهندس ظهیری:** شما اهداف اولیه کانون را به خاطر دارید؟ یکی از آنها که بسیار هم پررنگ بود، این بود که کانون کمک کند تا سطح علمی دانشکده فنی بلکه کل کشور بالا برود. بچه‌های فنی حساسیت خاصی درباره فارغ‌التحصیلان این دانشکده دارند. من یادم است آن زمان که می‌خواستیم کسی را استخدام کنیم، می‌گفتم شخص باید یا فارغ‌التحصیل فنی تهران باشد یا تبریز. بچه‌های فنی تا می‌فهمیدند که طرفشان فنی است، خیلی صمیمی می‌شدند.

من یک بار در شورای عالی گفتم، در حالی که



مهندس عبدالمجید وکیل



مهندس ناصر یزدانی



مهندس علی اکبر معین فر

انجام دهند. چون از ابتدا فنی‌ها نظم و انضباط خاصی داشتند. کلاس‌ها را تعطیل نمی‌کردند. دانشجویان دانشکده حقوق سال به سال یکدیگر را نمی‌دیدند. درس می‌خواندند و در آخر امتحان می‌دادند. اما ما حتی در زمان تعطیلات هم در دانشکده بودیم. بنابراین تشکیل این کانون کار خوبی بود. من بارها در شورای عالی و جلسات کمیته‌ها گفته‌ام، باید برای دور هم جمع شدن در کانون، یک انگیزه‌ای وجود داشته باشد. یک نکته دیگر را هم باید در نظر داشت. از درون همین کانون، انجمن مدیران فنی و اجرایی را تشکیل دادیم. گفتیم ۲۰۰ نفر از مدیران بیایند. اما برخلاف کانون که قرار بود در سیاست دخالت نکنیم، در این انجمن مسایل صنفی را دنبال کردیم.

در کانون نیز در جلسه‌ای با حضور افرادی مثل مهندس بهرام غفاری طرح کردیم که بالاخره دانشکده فنی به عنوان دانشگاه مادر باید نقش ویژه‌ای در نظام مهندسی داشته باشد. اما هر قدر مطرح کردیم، گفتند ما می‌خواهیم کانون مهندسين ایران را تشکیل دهیم. اگر در این حوزه‌ها وارد شویم، مشکل پیدا می‌کنیم. علت



است، کمک کانون به اجتماعات خارج از خود است. اجتماعاتی مانند نظام مهندسی. ما در این زمینه فعالیت زیادی نکرده ایم. من چندین بار هم گفته ام که مطمئن هم نیستیم بتوانیم در این جهت حرکت چندانی بکنیم. البته به دلیل جو خاص کشور خوشحالم که در این زمینه وارد نشده ایم. یادم است زمانی که مهندس مظاهری وزیر اقتصاد بود و من دبیر کانون، نامه ای به من نوشت که می خواهم نظر کانون را در مورد مسایلی بدانم. من نتوانستم سازوکاری برای این کار پیدا کنم. بر فرض چند نفر را هم جمع کنم، این نظر کدام بخش از مهندسان فنی است. مکانیسمی برای این کار نداشتیم. نمی توانیم هم داشته باشیم. چون اختلاف سلیقه بسیار است. تنها کاری که می توانیم بکنیم، این است که به عنوان یک مجموعه تحصیل کرده در سیاست های اتخاذی کشور تاثیر بگذاریم. مثلاً یک راه

برای دانشجویان؛ یا اگر دانشکده نیاز به چند مدیر برای سخنرانی و انتقال تجربیات داشته رفته ایم. همچنین کمک های سالیانه نهاد حامیان دانشکده فنی.

این بخش مهم ترین کار کانون بود. یعنی پایه گذاری بنیاد حامیان دانشکده فنی. چون عده بسیاری علاقمندند که کمک کنند و دلشان می خواهد بدانند این کمک کجا رفته است. خوشبختانه بنیاد الان مورد اعتماد مردم قرار گرفته است. در طول چند سال گذشته هم بسیار کار کرده است و خوب هم کمک کرده. ما کمک های تنگاتنگی به دانشکده کردیم. حتی اگر قرار بوده کانون صدایش را بلند کند و به دانشکده هشدار بدهد، این کار انجام شده است. چندین سال است که هر ساله با مسئولان دانشکده جلساتی داریم و کمک کرده و هشدار داده ایم. بنابراین کاری که لازم بوده در قبال دانشکده انجام شده است. پس در جهت اساسنامه حرکت کرده ایم. البته هر کاری کنیم کم کرده ایم. نکته سوم که در اساسنامه لحاظ شده

موارد من دیگر عرضی ندارم.

■ **دکتر زاهدی:** من به مناسبت بیستمین سال مصاحبه داشتیم و حرف هایم را زده ام و الان بیشتر تکرار می کنم. از نظر من یک جامعه فارغ التحصیلی حول محور یک دانشکده شکل می گیرد. نه وابستگی سیاسی دارد نه صنفی و نه چیز دیگر. فقط حول دانشکده. برای این که مواظبتش باشد تا سطح آن پایین نیاید. این نکته در اساسنامه هم آمده است که فارغ التحصیلان را دور هم جمع کنید. به دو نیت اصلی و یک نیت فرعی. نیت اصلی دور هم جمع شدن است. این جمع شدن چه سودی دارد؟ بستگی به خود اعضا دارد که می تواند مثلاً کار یا هر چیز دیگر باشد. اما حداقل از هم مطلع می شوند و اگر کمکی به لحاظ فنی لازم داشتند، می دانند به کجا باید مراجعه کنند. مثلاً من مساله ای در مورد زلزله دارم، بالاخره دو نفر را در کانون به من معرفی می کنند. من بسیاری از هم کلاسی هایم را بعد از چند سال در گردهمایی های کانون دیدم. کانون باید فارغ التحصیلان را جمع کند و اگر توانست برای آنان امکانات رفاهی ایجاد کند، چه بهتر. از نظر من در ۲۰ سال گذشته کانون موفق بوده است. اگر هم کسی حرفی داشته باشد، من حاضرم به عنوان یک عضو شورای عالی و دبیر دو دوره کاملاً جواب بدهم.

هدف دوم اساسنامه کمک به دانشکده فنی است که من فکر می کنم تا آنجا که در توان کانون و کشش دانشکده بوده است، این هدف به بهترین نحو انجام شده است. از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد. ارایه کارآموزی تابستانی



باشد، بسیار خوب می‌شود.

■ **دکتر زاهدی:** یک مساله بحث ترافیک هست. ولی اصل قضیه این است که کشور جوی دارد که مردم حال و حوصله این برنامه‌ها را ندارند. تقصیر کانون نیست.

■ **مهندس ظهیری:** چیزی که سال‌ها در دل من است و می‌خواهم اینجا بگویم این نکته است. متأسفانه مهندسان مشاور ما فقط دنبال گرفتن صورت وضعیت و پرداخت پول کارمندان هستند. چه کسانی کار می‌کنند؟ دانشجویان کارشناسی‌ارشد و سال اول دکترا. کسانی که در رده‌های ما هستند به خاطر بازنشستگی وقت بیشتر و تجربه بیشتری دارند. می‌توانید فراخوانی بدهید و از متخصصانی که در رده سنی ما هستند استفاده کنید. ما توان کار نداریم، اما تجربه‌ای داریم که دانشجویان دکترا ندارند.

■ **دکتر امینی:** با تصویری که آقای زاهدی دادند پس هیچ نارسایی نیست. در حالی که نامه شما حکایت از بررسی وضعیت موجود داشت. یعنی این که مشکلی وجود دارد.

است و اعضا بسیار کم در گردهمایی‌ها و انتخابات کانون شرکت می‌کنند.

■ **دکتر زاهدی:** چند روز قبل برای انتخاب مهندس برجسته جلسه داشتیم، سال‌ها را مرور کردیم تا رسیدم به فارغ‌التحصیلان سال ۵۶. به این سال که رسید دکتر فرجی دانا گفت ماجرا را تمام کنید و بروید سال ۷۰. گفت در این فاصله فارغ‌التحصیلان اصلاً با هم در تماس نیستند. چون تلاطم فکری در این دوره بسیار زیاد بوده است. از این گذشته اگر گردهمایی‌ها در جای دیگری باشد که در محدوده طرح نیست، اعضا بیشتر شرکت می‌کنند.

■ **مهندس معین‌فر:** این جلسات اگر توام با شام

همین بحث در مورد دریاچه ارومیه است. به نظر من این تنها کاری است که به ذهنم می‌رسد. از نظر بنده کانون در کارها موفق بوده است. البته مشکل مالی داریم. چون با این حق عضویت و بودجه هزینه‌های کانون تامین نمی‌شود. من خودم از آنهایی هستم که فکر می‌کنم نباید کمک بگیریم، اما کم کم به این نتیجه می‌رسیم که راه‌حلی غیر از این نیست. البته مشکلات اداره کردن کانون را هم داریم. اما اینها مسایل داخلی است. همین که کانون با توجه به این تب و تاب‌ها توانسته خود را اداره کند، بسیار خوب است.

■ **بیگلرخانی:** البته یک انتقاد به کانون وارد است. در طی سال‌ها، اقبال اعضا به کانون کم شده



## جلسه دوم میزگرد پیشکسوتان

منظور آشنایی با کارهای اجرایی از راه تامین کارآموزی‌های مفید و سازنده در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، دفاتر فنی و موسسات مهندسی. - برقراری تماس علمی با کانون‌ها و دانشگاه‌های مهندسی در داخل و خارج از کشور. - اعطای جوایز، کمک هزینه تحصیلی و نظایر آن به دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان ممتاز.

\* بررسی و ارزیابی طرح‌های عمرانی و مهندسی و پیشنهاد طرح‌های ضروری و زیربنایی بر پایه نیازهای جامعه و مبادله نظرها و تجربیات با کانون‌های مشابه و ارایه رهنمودهای علمی و عملی در زمینه‌های مختلف در جهت رشد و شکوفایی اقتصاد و صنعت کشور. \* اعتلای سطح علمی و فنی دانشکده فنی و اعضای

اعضای شرکت‌کننده در میزگرد دوم که در تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۹۱ در هتل ارم تهران برگزار شد، به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از: دکتر مرتضی امینی (معدن ۴۲)، دکتر مرتضی زاهدی (راه و ساختمان ۴۴)، مهندس حبیب‌الله ظهوری (راه و ساختمان ۴۵)، مهندس علیرضا عالم‌زاده (عمران ۶۳)، مهندس مصطفی کتیرایی (راه و ساختمان ۳۰).

**مهندس یزدانی:** از درون همین کانون، انجمن مدیران فنی و اجرایی را تشکیل دادیم. گفتیم ۲۰۰ نفر از مدیران بیایند. در این انجمن حتی بخشی از نظام فنی اجرایی را به ما سپردند.

\* حمایت معنوی و مادی از مخترعین و پژوهشگران و کمک به ارایه دست‌آوردهای علمی و فنی آنان. \* گردآوری اطلاعات مربوط به نیروی کار مورد نیاز سازمان‌های فنی و ارایه آن به نیروی فنی آماده به کار.

\* کوشش برای تشکیل و تقویت نظام مهندسی کشور و توسعه استانداردها، ضوابط، مقررات و

کانون از طریق: - ارتباط و همکاری مستمر با دانشکده فنی و انتقال نتایج تجربیات و مطالعات نیازهای فنی و اقتصادی کشور. - همکاری مستمر با دانشکده فنی در جهت ایجاد برنامه‌های ویژه برای دانشجویان و اعضا به منظور ارایه طرح‌ها و روش‌های نوین علمی و اجرایی با استفاده از کلیه امکانات ارتباطی، گردهمایی، نمایش فیلم، انتشارات، سخنرانی و غیره. - ایجاد تسهیلات برای دانشجویان به

**مهندس عالم‌زاده:** ابتدا خدمت بزرگواران (من که کوچک این جمع هستم) توضیح بدهم که در کمیته انتشارات به عنوان رسانه مطرح شد که ما بعد از گذشت ۲۰ سال از عمر کانون، عملکرد گذشته کانون را ارزیابی کنیم. این دومین میزگردی است که در خدمت شما هستیم. من اهداف کانون را که در اساسنامه آمده خدمتتان می‌خوانم و بعد نقطه نظرات دو جناح کاملاً متفاوت، البته کسی هم می‌تواند در میانه باشد. بعد وارد بحث شویم. اهداف کانون در اساسنامه به این شکل نوشته شده است:

\* بهره‌گیری از نیروی متشکل فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی دانشگاه تهران و همکاری و همیاری با سایر سازمان‌ها و کانون‌های مشابه به منظور ارایه خدمات علمی، فنی، فرهنگی، رفاهی و ورزشی.



که عضو ما هستند، اما هرگز از در کانون تو نیامده‌اند، گفت و گو کرده‌ام. دیدگاه عضو ما که فقط عضو است بسیار با کسانی که داخل کانون هستند، متفاوت

سینما یا بازدید می‌رویم و رسالت کانون در همین است. جشن و تجلیل و گردهمایی و این چیزها. گروه دوم در آن سمت ماجرا معتقدند که کانون باید

معیارهای فنی و علمی آن از طریق همکاری با کلیه کانون‌های مشابه و مراکز علمی. \* ایجاد تاسیسات و امکانات رفاهی (فرهنگی - هنری - آموزشی و غیره) برای اعضای کانون و خانواده آنها.

**مهندس وکیل: من فکر می‌کنم، فعالیت در کانون، اشتیاق به خدمت است. اشتیاق به یک کار اجتماعی حرفه‌ای. به نظر من مونوپولیسیم نیست. اگر مونوپولیسیم هم هست، مونوپولیسیم خدمت است. بسیار خوب است که همه بدانند اعضای کانون منشأ چه خدماتی بوده‌اند و نیازهای فنی کشور را انجام می‌دهند.**

\* جلب همکاری سایر سازمان‌ها و کانون‌های مشابه برای تشکیل کانون مهندسين ايران.

حدود ۲۰ سال پیش یعنی سال ۶۸-۶۹ گروه کار چنین اساسنامه‌ای را تهیه کردند و به تصویب هم رسید و ملاک عمل بود و بر اساس آن هم حرکت شد. همانطور که ملاحظه می‌کنید الان و در موقعیت فعلی می‌شود گفت کانون به اکثر این اهداف نرسیده و به آنها نزدیک هم نشده است. دودیدگاه داریم. یکی این که این اهداف در آن روزها هم بلندپروازانه بود و الان هم کماکان بلندپروازانه هست و اصلاً موضوعیت ما چیز دیگری هست و باید به سمت دیگری حرکت کنیم و این اساسنامه باید تعویض شود. گروهی هم معتقدند نه تنها آن موقع بلندپروازانه نبوده، بلکه این اهداف کف و حداقلی است و ما باید به سمت بالاتر از آن حرکت کنیم.

یک گروه از یک سمت کانون را در قالب یک کلپ می‌بینند. می‌گویند کانون یک کلپ است. جایی که ما هم دانشکده‌ای سابق خود را می‌بینیم. با هم به

است. آنها مثلاً نمی‌دانند که حتی می‌توانند از در کانون داخل شوند. یعنی برایشان عجیب غریب است که اصلاً چه کمکی می‌توانم بکنم. روزی که من برگه عضویت را پر کردم در انتهایش از من خواسته بودند که آیا می‌توانی در این زمینه فعالیت کنی. من هم نوشتم، بله! هیچوقت هم هیچکس سراغ من نیامد که از من بخواهد کمک کنم. پس نیازی به وجود من نیست. تصویری که از کانون می‌بینم این است که برای گردهمایی‌ها از من دعوت می‌شود. خبرنامه برایم ارسال می‌شود. سالی یک بار جشن است و همین. آنهایی که در کانون هستند طور دیگری می‌بینند که چون شما در داخل هستید، لازم نیست

در سیاست‌گذاری‌های کلان مهندسی تاثیر گذار باشد. بسیاری از سازمان‌های کشور، نظر مهندسان دانشکده فنی را می‌خواهند، نیاز دارند، اما ما باز خورد و عکس العمل مناسب نداشتیم و اگر ما به این سمت برویم حتماً آورده‌ای خواهیم داشت که بتوانیم به اهدافمان برسیم.

امروز ما اینجا هستیم که هم شکل و محتوای عملکرد بیست ساله کانون را بررسی کنیم و هم این که اگر پیشنهادی برای آیندگان هست ارائه دهیم. آیاراهی که می‌رویم را ادامه دهیم؟ یا اگر قرار است متفاوت شویم با چه راهکاری و چگونه باشد؟ این نکته را هم اضافه کنم من با بسیاری از کسانی





توضیح بدهم. فقط اگر لطف شود، در همین محدوده صحبت شود و بحث‌های دیگر را برای جلسات دیگر بگذاریم.

### ■ مهندس ظهوری: آن اهدافی که خواندید به

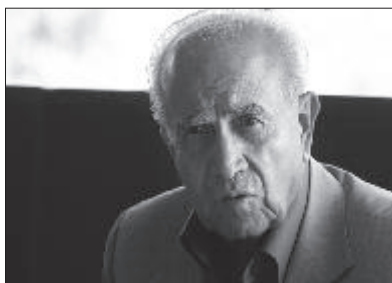
جرات می‌توانم بگویم هیچکدام از این اهداف در این ۲۰ ساله انجام نشده است. یک بند کوچک در مورد مسایل رفاهی و تفریحی دارد. در این ارتباط تعاونی مسکن را به وجود آوردیم.

می‌دانید اعتبار دانشکده فنی که همه ما از آن فارغ التحصیل شده‌ایم، به چیست؟ به ساختمان یا آزمایشگاه‌های آن است؟ خیر! اعتبار هر جایی آدم‌های آن هستند. کسانی که آن را می‌چرخانند. دانشکده فنی بین سال‌های ۳۵ تا ۴۵ اعتبار بسیار بالایی داشت. اعتبار دانشکده فنی استادان آن بودند. مهندس ریاضی، مهندس جفرودی، مهندس بهنیا، هر کدام یک وزنه و شخصیتی بودند. فکر کنم این حساسیت الان هم بین بچه‌های فنی باشد.

در شورای عالی، در آن زمان حدود ۷-۸ تا وزیر وقت مملکت عضو شورای عالی بودند. اولین چیزی که در همان جلسات اولیه مطرح کردم، این بود که باید دانشکده فنی اعتبار و ارزش قبلی خود را به دست بیاورد و این اعتبار روی اساتید است. آن موقع آقای بهنیا، آقای جفرودی و بقیه وضع مالیشان خوب بود. اما در حال حاضر شما دو تا استاد به من نشان دهید که وضع مالی آنان از متوسط بالاتر باشد. همه مجبورند کار کنند. وقتی کار کنند دیگر دنبال مسایل علمی روز نیستند. اگر موفقیتی هم هست، بچه‌های ما خودشان اهل مطالعه و تحقیق هستند. پس من عرایضم را به اینجا می‌رسانم و تمام می‌کنم که کانون در اهداش و وظیفه دارد، به وضع علمی دانشکده فنی رسیدگی کند و ما که کنار گود هستیم چکار می‌توانیم بکنیم. باید اساتیدمان فقط استاد باشند و کارشان فقط تدریس باشد نه کار دیگر. البته استثنا هم هست. من یک نکته را هم اضافه کنم. صحبت‌های ما بیشتر روی کانون خودمان است. اگر کانون اعتبار درست و حسابی نداشته باشد، آدم‌های سنگین و وزینی در آن نباشند، خود من زیاد در آنجا نیستم. اعتبار کانون، اعتبار دانشکده فنی است. اگر دانشکده فنی اعتبارش را از دست بدهد، این کانون فقط جایی می‌شود برای گردهمایی که یک عده چهارشنبه آخرام دور هم جمع شویم و همدیگر را ببینیم. خوب، خود این هم خیلی خوب است که دیدارها تازه شود. از شما پرسیدم، چند نفر در کانون حقوق می‌گیرند؟ فرمودید الان به علت وضعیت بدی که دارد، ۳ نفر بیشتر نیستند. هیات مدیره هم حقوق نمی‌گیرد.

### ■ مهندس عالم‌زاده: هیات مدیره هیچ وقت

در طول ۲۰ سال حقوق نگرفته. طبق اساسنامه نمی‌تواند، پول بگیرد.



مهندس مصطفی کتیرایی



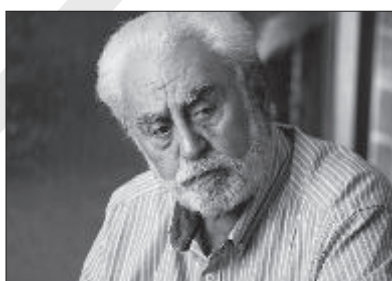
مهندس علیرضا عالم‌زاده



دکتر مرتضی امینی



دکتر مرتضی زاهدی



مهندس حبیب‌الله ظهوری

### ■ مهندس ظهوری: اتفاقاً می‌خواهم بگویم، ما

در آن زمان چه ظلمی کردیم که مردانی مثل دکتر زاهدی را آوردیم و دبیر کردیم. من فکر می‌کردم باید حقوق و مزایایی داده شود. الان فهمیدم که نه هیچ چیز داده نمی‌شود. ببینید اینها چقدر کمرو هستند.

چون عاشق هستند و اهل ریا و تظاهر نیستند. با این همه کار، ایشان ۴ سال وقتشان را گذاشتند. الان هم اگر می‌خواهیم کانون دوباره حالت وزینی پیدا کند، باید یک عده از همین بزرگواران بیایند یک عده جوان‌هایی که تازه از دانشکده بیرون آمده‌اند، می‌آیند. اولاً نمی‌توانند وقت بگذارند. شاید به علت این که نامی داشته باشند و جایی از آن بهره‌برداری بکنند، می‌آیند. اگر ما اعتقاد داریم که هیات مدیره کانون باعث اعتبار کانون می‌شود، باید از یک عده آدم‌های بزرگ در خواست کنیم، بیایند. منتها باید به وضعیت زندگی آنان برسیم. با این که خیلی گرفتار بودند، باز آمده‌اند. چه توقعی داریم که از یک طرف بگویم باید هیات مدیره قوی باشد و از طرفی هیچ چیزی به آنها نرسد. درست است، می‌گوییم هیات مدیره کانون حقوق نمی‌گیرند. باید افرادی بیایند که اولاً وقت کافی داشته باشند و دوماً نیاز به پول نداشته باشند و کانون را هم دوست داشته باشند. در ضمن برای تشکیل هیات مدیره و برای اینکه به این اهداف برسیم یک نظر خواهی بکنیم و یک اتاق فکر از عده‌ای که علاقمند هستند، درست کنیم. من مطمئنم کسانی هستند که هم وقت دارند و هم نیاز مالی ندارند، می‌آیند و چند ساعت در هفته وقت می‌گذارند و چکیده کارشان را می‌دهند به کانون.

### ■ مهندس عالم‌زاده: من یک توضیح بدهم. به

این نکته توجه کنیم که این که آدم‌هایی را بیاوریم که به ارتقا دانشکده و کانون علاقمند باشند و برای آن تلاش کنند، یک بحث است. این که دیدگاه‌های مختلفی که درباره اهداف کانون وجود دارد، یک بحث دیگر است. مثلاً ممکن است که کسی اصلاً معتقد باشد، کانون نباید وارد مسایل کلان مهندسی کشور شود، چون نمی‌توان در مورد این مسایل در کانون به اجماع رسید و نظری را به عنوان نظر کانون به دستگاه مربوطه اعلام کرد. یا اصلاً وارد این مقوله شدن از دید بسیاری از اعضای کانون درست نیست. چون معتقدند همین جا که هستیم خوب است و نباید بالاتر برویم و سقف را بشکنیم. این توصیه‌های شما کاملاً قابل قبول است. با توجه به این که در گذشته اتفاقاتی افتاده است، الان یک راهنمایی بفرمایید که اصلاً آن راه گذشته درست بوده یا نه؟ و بهتر است به چه شکل ادامه دهیم؟

### ■ دکتر امینی: دو تا نکته هست که می‌خواستم

بگویم. البته برای این که مثل مهندس ظهوری متهم به خارج از موضوع صحبت کردن نشوم، تأکید می‌کنم که ما آمده‌ایم اینجا برای مجله و برای کانون حرف بزنیم. به نظر من کانون تا به حال هیچ کاری نکرده است. به نظر من کانون بسیار ضعیف عمل کرده و اصلاً در حد دانشکده فنی که دانشکده‌ای بسیار افتخار آفرین بوده، نتوانسته است عمل کند. اشاره کردید به اهداف؛ به نظر من این شرح وظیفه



شرکت‌های بزرگ می‌فروخت. من آقای مهندس امامی را کنار این آقا گذاشتم و با استفاده از اطلاعات ایشان نقشه قنات‌های تهران را کشیدیم. نقشه‌ای که برای قنات‌ها کشیدیم حتی از نقشه سازمان آب دقیق‌تر و کامل‌تر بود. اما این مرد ۴ سال بعد

کرد تا چاپ شود و وزن مجله بالا برود. من خبرنامه را که ورق می‌زنم چهار تا عکس جشن و بازدید می‌بینم. یعنی چند تا مقاله علمی ندارد. مجله‌ای که من گاهی در آن مقاله می‌نویسم، سنگین‌تر از این مجله است. مجله کانون تبدیل شده است به یک

برای کانون کم است. کانونی که در خارج از کشور وجود داشت، خیلی از این فراتر بود. کانون دانشکده بود و در سطح یک NGO قوی با کارها بر خورد می‌کرد و حتی به عنوان یک ناظر و شاهد به کارها کمک می‌کرد. کارهایی که پیمانکار از انجام آن عاجز می‌ماند. مثلاً یک معضلی که پادم است. یک سد ژنسیا بود که یک لند اسلایت روی آن ریزش می‌کرد. اینها دلواپس بودند که برای سد مشکلی پیش نیاید. این را به یک مشاور دادند. بعد برای تایید نهایی که ببینند کار درست است یا خیر؟ داده بودند به دانشگاه بودو. یعنی این یک فیلتر عالی. من فکر می‌کنم کانون دانشکده فنی در این سطح باید عمل کند. یعنی مجموعه‌ای باشد که با اساتید معتبر و استخوان‌دار اعلام کنند که با کانون همکاری می‌کنند. این اعلان را هم کتبی داشته باشیم. به گونه‌ای که خودش را به خاطر دانشکده مسئول بداند و اگر دولت یا موسسه‌ای کاری را

**دکتر زاهدی:** یک جامعه فارغ التحصیلی حول محور یک دانشکده شکل می‌گیرد. نه وابستگی سیاسی دارد نه صنفی و نه چیز دیگر. فقط حول دانشکده. برای این که مواظبش باشد تا سطح آن پایین نیاید. از نظر من در ۲۰ سال گذشته کانون موفق بوده است. هدف دوم اساسنامه کمک به دانشکده فنی است که من فکر می‌کنم تا آنجا که در توان کانون و کشش دانشکده بوده است، این هدف به بهترین نحو انجام شده است.

مرد، چرا باید این جور باشد؟ مثلاً در بسیاری از شرکت‌ها، داستان‌های بسیاری داشته‌ایم که باید در این مجله‌ها منعکس شود. مثلاً در شرکت کیسون در سد سیاه‌پیشه داستان‌های بسیاری داشتیم که باید در این مجلات منعکس شود.

اولاً این که کانون تاکنون بسیار ضعیف عمل کرده. دوم این که مجله وزین نیست. در سطح علمی وزین نیست. مقالات خوب و علمی ندارد.

من الان به اندازه کافی وقت دارم و می‌توانم کاملاً در خدمت کانون باشم. احساسم این است که باید کانون را به جایی برسانیم که یک مشاور عالی و یک بازوی فنی عالی برای کارهای بزرگ عمرانی کشور باشد. نه این که امور اجرایی انجام دهد. به او یک کیس را بدهند و بگویند تو نظرت را بده. من این را وظیفه کانون می‌دانم و فکر می‌کنم اگر در این سطح پیش برویم، کانون مطرح می‌شود. الان باور می‌کنید در بعضی جاها که می‌گویم کانون دانشکده فنی خیلی‌ها کانون را نمی‌شناسند. ما نه معرفی شدیم و نه این وزنی که باید داریم. حتی هم‌تراز با دانشکده فنی نیستیم. البته دانشکده فنی ضعیف شده است.

زمان ریاضی دانشکده فنی، دانشکده فنی بود. کانون وقتی می‌گوید من وابسته به دانشکده فنی هستم و اعضايم فارغ التحصیلان فنی هستند، باید به اندازه او هم باشد. به نظر من این اساسنامه برای کانون کم است. از این هم باید بالاتر باشد. یعنی ایده دوم.

■ **مهندس عالم‌زاده:** آقای دکتر یک مورد خبرنامه را بگویم. با توجه به این که رشته‌های مختلفی در کانون هستند. عملاً انتشار خبرهای خاص که با یک رشته خاص ارتباط دارد، ممکن است رشته‌های دیگر را علاقمند نکند که این مقاله را تا انتها بخوانند.

■ **دکتر امینی:** خب دفعه بعد مقاله آنها را می‌گذاریم.

■ **مهندس عالم‌زاده:** این مقالات می‌تواند در مجله‌های صنفی مختلف منتشر شود. اما می‌توان

خبرنامه. اگر خبرنامه است که همان دو صفحه‌ای که هر ماه می‌فرستید کافیه. به نظر من باید بار علمی داشته باشد. باید به این اعضای دست‌اندر کار بگوییم،



شما اگر در کارت معضل داشتی، یک خروجی داشته باش و به طور منظم در مجله منتشر شود. اگر مجله وزین و سنگین باشد، موقعیت کانون هم بالا می‌رود. به نظر من همانطور که آقای عالم‌زاده گفت، کسی که از بیرون می‌آید نمی‌داند، بیاید تو یا نیاید. جلسه قبل هم گفتم، کمی مخالفت شد. کانون بسته شده است. یک باکسی شده است که یک عده خاصی در آن هستند. همیشه هم همان افراد هستند. اینها باشند اما در کنار اینها اجازه بدهیم یک عده جوان بیایند. مگر اینها چند وقت دیگر می‌مانند؟ یک عده به خارج از کشور می‌روند. عده‌ای هم بالاخره مرحوم می‌شوند. چون چیزی طبیعی است. آیا باید این طوری باشد؟

من زمانی که طرح مترو را مطالعه می‌کردم، با آقای ماندگاری آشنا شدم که تمام دانشنامه قنات‌های تهران را در حافظه خود داشت و به هیچکس هم انتقال نمی‌داد. چون اینها را به عنوان فاضلاب به

محول کرد، انجام دهد. به نظر من حتی ۱۰ درصد آن شرح وظایف که خواندید اجرا نشده است. حالا بحث رفاهی و گردش و تفریحی که آقای ظهوری فرمودند اجرا شده، بله تا حدودی. اما این وزن کانون نیست. به نظر من وزن کانون دانشکده فنی خیلی بالاتر از این باید باشد. باید ما خودمان را به گونه‌ای معرفی کنیم که با یک اعلان و موجودیتی به دولت و موسسات بزرگ مثل شرکت کیسون یا پرلیت اگر در موردی با کارفرما مشکل داشتند، به عنوان اکسپرت‌تایز (دوری) به کانون مراجعه کنند. به این معنا که در سطح یک NGO قوی و یک تشکیلات قوی عمل کند. این را حتی می‌توان در خبرنامه انتشار داد. خبرنامه ما بسیار ضعیف است. من در خبرنامه‌مان مطالب علمی نمی‌بینم. الان روسای شرکت‌های بزرگ بیشتر بچه‌های فنی هستند. آیا اینها در کارشان اشکال نداشتند؟ این اشکال را چگونه رفع کردند؟ این را می‌توان به عنوان یک مطالعه موردی مطرح



مسایلی را که به مهندسی عمومی مربوط می شود، منتشر کرد. ولی اگر کسی یک مقاله تخصصی بفرستد، چاپش منعی ندارد. آن مهندسی که شما می گویند در کارگاه با مشکلات مختلف مواجه می شود باید بخواهد که مقاله اش چاپ شود و برای ما بفرستد.

■ **دکتر امینی:** اجازه بدهید! من یک سخنرانی در مورد این که در زلزله تهران چه باید کرد در تالار ابن سینا داشتم. سه روز بعد دو تا روزنامه از کرج به من زنگ زدند که خلاصه ای از این مقاله را برای آنان بنویسم. یعنی از آدم می خواهند. باید بخواهیم. تلفن بزیم و فشار آوریم.

■ **مهندس عالم زاده:** ببینید آقای دکتر الان شما می فرمایید که چرا این اعضای که هستند، فضا را بسته اند. اما هیچ کس به اعضای ما نگفته که باید به همین افراد رای بدهید. یعنی این محدودیت و عدم دموکراسی وجود ندارد. شمارش آرا هم بسیار دقیق است.

■ **دکتر امینی:** اما مونوپولیسیم کرده اند.

■ **مهندس عالم زاده:** می توانید بگویید که تعداد اعضای بسیار کمی می آیند رای بدهند. مثلاً نفر آخر برای کمتر از ۱۰۰ رای وارد شورای عالی شد. ما توی همین خبرنامه با یکی از بزرگان کانون که مصاحبه داشتیم که هیچ وقت هم در گرداندگی کانون نقش نداشته است. من از او سوال می کردم که به نظر شما رویکرد به عملکرد کانون چگونه بوده است. می گفت حتماً همانی بوده که اعضا می خواستند.

تشکیلاتی مشخصی برای این منظور نداریم. فرض کنید چنین تویی افتاد در زمین هیات مدیره کانون؛ خود این یک معضل است و این را به کی می خواهد بگوید؟ چه جوری می خواهد به این نیاز پاسخ بدهد؟ در نتیجه خود را پنهان می کند. عملاً پاسخی داده نمی شود. این چیزی است که در طول تاریخ کانون اتفاق افتاده است. برای این منظور باید ساختار تشکیلاتی مناسب داشته باشیم. اگر می خواهیم کاری بکنیم باید بیاییم، همکاری کنیم. نمی شود انتظار داشت شورای عالی که ماهی یک بار جلسه دارد یا هیات مدیره به تنهایی بتواند به این نقطه برسد.

■ **دکتر امینی:** کی باید بشود؟ بالاخره یک زمانی باید اتفاق بیافتد.

■ **مهندس عالم زاده:** ما برای همین اینجا جمع شده ایم. من یادآوری می کنم در زمان دکتر زاهدی، کانون کمیته های تخصصی و صنفی داشت. رشته های مختلف مهندسی و کمیته هایی مانند پیمانکاران. اما بعد از مدتی احساس کردند نقشی که اینجا بازی می کنند به اندازه وقتی که می گذارند نیست. در نتیجه کمیته ها تعطیل شدند. همین الان هم صحبت هست که می خواهیم کمیته تشکیل دهیم. آدم ها را بیآوریم و بگوییم می خواهیم چکار کنیم؟

■ **مهندس کتیرایی:** عرض خاصی ندارم و البته شاید صلاحیت هم نداشته باشم. سال ۷۲ یا ۷۳ بود که عضو شورای عالی شدم. پیشنهاد کردند بیایید در انتخابات شرکت کنید و من هم شرکت کردم. اما در سازمان ها و NGO های دیگر عضو

**مهندس ظهوری:** به جرات می توانم بگویم هیچکدام از اهداف اساسنامه در این ۲۰ ساله اصلاً محقق نشده است. فقط یک بند کوچک در مورد مسایل رفاهی و تفریحی. اهداف کانون باید بلند پروازانه باشد. دانشکده فنی باید بزرگ فکر کند. کانون که وابسته به آن هست نیز باید بزرگ باشد.

بودم. مثلاً سازمان نظام مهندسی ساختمان تهران. همه این سازمان ها مشکلات مشابه هم دارند. باید برای اعضای کانون انگیزه فراهم کرد. بسیاری از این ۷ هزار عضوی که داریم، حق عضویت نمی دهند. باید ببینند که کانون چه دردی از دردهایشان را دوا می کند که بیایند و شرکت کنند. تا نبایند هم رونق پیدا نمی کند. وقتی بیایند مشارکت کنند، می توان از نیروی آنها استفاده کرد. پروژه ها را برای بررسی آورد. وقتی ما در مجمع عمومی نوبت دوم شرکت کردیم، من دیدم جمعیتی کمتر از اعضای شورا یعنی ۲۵ نفر شرکت کرده اند و جلسه ای به نام مجمع عمومی ۷ هزار نفر تشکیل شده است که باید ۳ هزار و خورده ای

باشند تا رسمیت پیدا کند. منتها چون نوبت دوم بود با هر تعدادی رسمیت یافت. طبق اساسنامه با هر تعدادی قابل قبول است. اما در عین حال می بینیم، اعضا در جشن سالیانه شدیداً استقبال می کنند. اینها علاقمند هستند که می آیند. رمز این کار را باید کشف کنیم.

چرا یک جاهایی می آیند یک جاهایی نه؟ آیا می شود یک شیوه ای را به کار ببندیم که بیایند؟ تا نیایند که نمی شود از نیروی آنان استفاده کرد. حالا من نمی دانم. فرض کنید این مجله ای که منتشر می کنیم. این مجله در حد خودش مفید است. اما نویسندگان دیگری که این را می خوانند و صلاحیت اظهار نظر دارند، آیا ما باید اینها را دعوت کنیم یا خودشان باید به ما مقاله بدهند؟ اینها را باید گردانندگان تعیین کنند. یک نکته دیگر؛ ۱۴ سال پیش ما یک زمین به قیمت دولتی از وزارت شهرسازی خریدیم. تا حالا نتوانستیم آن را بسازیم. اطلاع دارم تشکلهای دیگر همین کار ما را کرده اند و الان هم دایر است. نمی دانم چطور؟ من در همان مجمع هم اینها را گفتم. اگر ما می توانستیم برای بیکاری فارغ التحصیلان کاری بکنیم. اگر این امزاده معجزه های می کرد و می توانست برای اینها کاری پیدا کند، اینها جذب می شدند. باید تا ساختمانمان هم تا از دستمان نرفته، کاری برایش بکنیم. بیمه هم آن طور. اگر انگیزه باشد از این ۷ هزار نفر بالاخره ۳ هزار نفر می آیند.

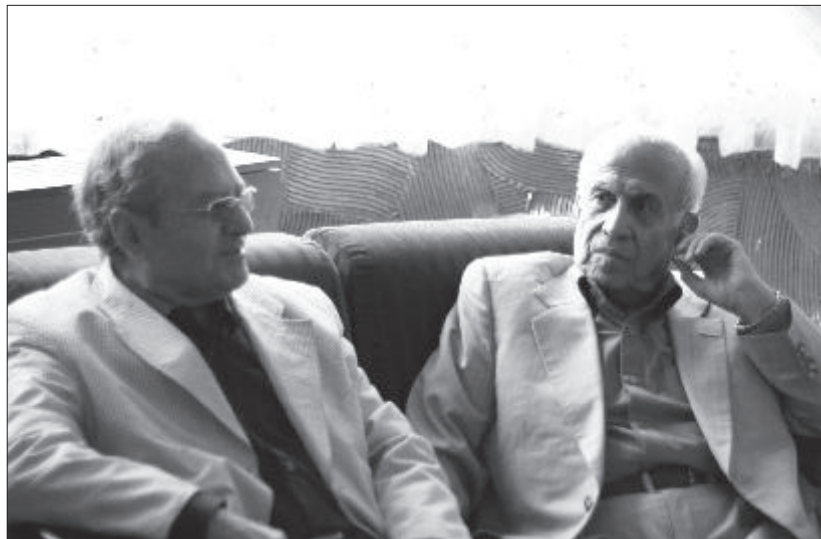
وضعیت مالی هم با این همه کمک مالی به حدی رسیده که از پس همین پرسنل محدود برنیامده ایم و تعدادی را مرخص کرده ایم. به نظر می رسد اینها علایم ورشکستگی است. حالا می شود زیاد حرف زد، اما راهکار عملی خاصی به نظر نمی رسد. اما تنها چیزی که مشابه آن در موسسات مشابه اتفاق افتاده، انگیزه و مطالبی برای جذب اعضا است. ما حتی برای هزینه روزمره نتوانستیم کاری بکنیم که حداقل افراد را مرخص نکنیم. من استدعا دارم دوستان اگر راهکار عملی دارند، عنوان کنند.

■ **مهندس عالم زاده:** من درباره سخنان مهندس کتیرایی توضیح بدهم. درآمد کانون در اساسنامه از گرفتن حق عضویت دیده شده و به درستی هم دیده شده (تذکر مهندس کتیرایی: و هدایا) تا تمام اعضا در گرداندن کانون شرکت داشته باشند و در مجمع عمومی هم بیایند و پاسخ بخواهند، اما متأسفانه به آن شکل عمل نمی شود. طبق آخرین اطلاعاتی که در همان جلسه مجمع دریافت کردیم، حدود یک دهم هزینه های کانون از طریق حق عضویت تامین می شود و الباقی از چیزی که به عنوان هدیه و وام بدون برگشت از اعضا می گیریم، تامین می شود. در واقع اعضای ما لطف می کنند و به کانون کمک می کنند. اما اگر یک روز لطفشان شامل حال کانون نشود یا کانون بخواهد عملکردی داشته باشد که



این کانون حول یک محور تشکیل شده است و آن هم دانشکده است. ما اساساً مشترکاتمان این است که از یک مدرسه، یک دانشکده، فارغ التحصیل شده ایم. به این مدرسه و دانشکده هم علاقمندیم. علاقمند هم هستیم که در جهت رشد و اعتلای این دانشکده بکوشیم. والسلام. کاری که باید انجام دهیم. اول این که؛ خودمان باید دور هم جمع شویم. کانون این کار را کرده است. الان جناب عالی راجع به هر عضوی اطلاعاتی بخواهید، کافی است به کانون زنگ بزنید. دو ساعت بعد تمام اطلاعات لازم را در اختیار تان می گذارند.

یک کمی بیشتر برویم می گویم من به یک متخصص ژئوتکنیک نیاز دارم که در این زمینه کار داشته باشد. به من معرفی کن. دیتای این خدمات هم در حال آماده سازی است تا این خدمات نیز ارایه شود. مادوستان را دور هم جمع کردیم. بسیار بسیار خوب است. بعد هم یک سری برنامه های تفریحی و غیره که بیشتر به درد سالخوردگان می خورد، گذاشتیم. بعد یک سری جلسات قرار است، برگزار شود که اعضا بتوانند بیایند و بروند و با هم صحبت کنند. پلت فورم



اینها هم آماده شده است. این که دوستان نیامده اند و استقبال نکرده اند، ارتباطی به اداره کنندگان کانون ندارد. دوستان استقبال نمی کنند. همین که الان می گویند در مجمع عمومی کمتر از ۲۵ نفر شرکت کرده اند. ما چکار می توانیم بکنیم. هی بگویم کانون ضعف دارد. ما چرا مقاله علمی منتشر نکرده ایم. ما دور هم جمع شده ایم. اگر می بینید جوان ها نمی آیند. برای این است که احساس نکرده اند که کانون جای خوبی است و به آن احتیاج دارند. پیرمردها و میانسالان این احساس را کرده اند که وقتی مراجعه می کنند، پلت فورم خوبی برای آشنایی ها خواهد شد. برای کارهایی که می توانند با هم انجام دهند و کمک های فکری که می توانند به هم بدهند و غیره. این وظیفه اول کانون. وظیفه دوم کانون این است که به دانشکده کمک

داشته ام، چه اندازه درست بوده است و چه اندازه غلط و چقدر اشتباه کرده است. من با دوستان اصلاً موافق نیستم. من معتقدم که کانون کار خودش را خوب انجام داده است و موفق بوده است. جناب عالی از اساسنامه شروع کردید که بسیار هم خوب کاری کردید. بله کانون همه آنچه را که در اساسنامه آمده است، اجرایی نکرده است. شاید ۲۰ درصد یا ۳۰ درصد اجرا شده و بقیه اجرا نشده است. دلیلش هم این است که اساساً این اساسنامه بلند پروزانه است.

در هیچ کجای دنیا کانون های فارغ التحصیلی در امور جاری مملکت دخالت ندارند. اگر موردی هست بفرمایید. شما ۵ دانشگاه را بگذارید جلوی من که کانون فارغ التحصیلی آنها این کار را می کند. نشان من بدهید. نیست. من ادعا می کنم و جناب عالی هم برای این که به من ثابت کنید بیايد و چند نمونه جلوی من بگذارید. آن دانشگاهی که نام بردید که شهرداری، دولت، حسن یا حسین به آن مراجعه کرده اند. به دانشگاه مراجعه کرده اند نه به کانون. شما این را اشتباه می کنید. هیچ وقت به کانون مراجعه

با منافع افراد خاصی که کمک می کنند، در تضاد باشد ممکن است این کمک ها ادامه پیدا نکند یا مسیر کانون را به سمتی ببرند که مورد علاقه کسانی است که کمک می کنند. آن وقت استقلال کانون از دست می رود. مضافاً بر این که ما از این افراد کمک می گیریم نباید این کمک برای پرداخت حقوق پرسنل باشد. بلکه کمک برای برگزاری جشن است. در حالی که مخارج جاری کانون هم از این کمک ها تامین می شود و این صورت خوشی ندارد.

آقای مهندس به مساله زمین اشاره کردند که بعد از گذشت این همه مدت یعنی بیش از ۱۴ سال، هنوز نتوانستیم این ساختمان را بسازیم. در حالی که اگر یک آدم عادی مالک این زمین بود و می رفت از شهرداری مجوز بگیرد و ساختمان را بسازد، موفق می شد. من ۳ دوره منشی شورا بودم و این موارد را می نوشتم. می دیدم که دچار چه روزمرگی شده ایم. به خصوص در جریان زمین و گردش مالی. در بقیه جنبه ها هم نگاه کنیم همینطور است. مثلاً در مورد بیمه که آقای مهندس کتیرایی اشاره کردند، نتوانستیم خودمان را خوب اداره کنیم. بعد در قالب کلپ هم می خواستیم پیش برویم، باز هم نتوانستیم باز خورد مناسبی برای اعضا داشته باشیم. نتوانستیم برویم جایی را برای اعضا بسازیم که روز جمعه بخواهند بروند استخر یا گردش و تفریح، جایی برود که حداقل ۴ تا از هم دانشکده های خود را ببینند. علاوه بر این در این محیط ها وقتی اعضا دور هم جمعند، ممکن است نکته ای پیش آید که برای کانون هم موثر باشد. همانطور که آقای مهندس اشاره کردند، نیاز به ایجاد انگیزه هست. در حالی که این انگیزه الان وجود ندارد.

■ دکتر امینی: مقدار دقیق زمین چقدر است؟

■ مهندس کتیرایی: هزار و ۳۰۰ متر.

■ دکتر امینی: نمی توانیم نصفش را بفروشیم و با نصف آن بقیه را بسازیم؟

■ مهندس کتیرایی: باید ابتدا آن را بسازیم. اگر بسازیم می توانیم از آن استفاده کنیم.

■ مهندس عالمزاده: زمین هنوز سند ندارد و باید حتماً ساخته شود. این می توانست انگیزه فراهم کند. این قضیه مرغ و تخم مرغ است. از طرفی می گویند اعضا بیایند تا انگیزه فراهم شود و عده ای نیز می گویند اول انگیزه فراهم شود تا اعضا بیایند. حالا آقای دکتر زاهدی ما را راهنمایی خواهند کرد.

■ دکتر زاهدی: همیشه به نظر من خوب است که انسان نظرات را بشنود و پیش خود فکر کند که این کاری که در طول ۲۰ سال گذشته من در آن دخالت



خبرنامه کانون مهندسين فارغ التحصيل دانشگاه تهران • سال بيست و دوم • شماره ۱۵۴-۱۵۲ • پائيز ۱۳۹۱

آن مطرح می‌شد، که اکثراً هم می‌شود. باز هم مکانیسمی نداشتیم که این را پیاده کنیم. از طرف اعضا نمایندگی نداشتیم که به لحاظ سیاسی حرفی مطرح کنیم. مثلاً اگر امروز کسی درباره مترو از من سوالی بکند و بگویم چرا پروژه متوقف است؟ بگویند این مسایل سیاسی دارد، من دیگر نمی‌توانم پش بروم. ولی فقط می‌توانم بگویم مترو در جنوب شهر مشکلاتی دارد. مشکلات تکنیکی دارد. مشکلاتش را هم این جور می‌شود برطرف کرد. از آقای دکتر امینی و دیگران هم کمک بگیرم که بیايید و مشکلات را ارزیابی کرده و رفع کنند. اما می‌خواهم بگویم حتی مکانیسم آن را هم نداریم.

بخش دیگر وظایف کانون، نسبت به جامعه است. که در اساسنامه خیلی پررنگ نشان داده شده است. فعالیت‌ها حول این است که ما روی طرح‌های کشور اظهار نظر کنیم. فلان و فلان و فلان... این کار نه وظیفه ماست و نه کسی از ما می‌خواهد. خیلی راحت برایتان بگویم. تمام تشکیلات مملکت برای خودش سازمان‌هایی دارد که همه این کارها را انجام

۸۰ درصد کارمان را انجام می‌دهیم. می‌تواند بهتر از این هم باشد. من اصلاً حرفی ندارم. آیندگان می‌آیند و این را بهتر می‌کنند.

گفتند کلاس بازآموزی بگذارید، گذاشتیم، استقبال نشد. گفتند کلاس مسایل نویی که مطرح می‌شود، بگذارید، گذاشتیم. بعد از یک مدت که استقبال نشد، گذاشته‌ایم کنار. گفتند، گروه تخصصی راه بیاندازید. خود من در مورد کمیته‌های تخصصی مانده بودم که الان گروه X را که دعوت می‌کنم به اینها بگویم چی از شما می‌خواهم؟ اصلاً یک دردسر برای من بود. اصلاً شب‌ها خوابش را می‌دیدم. این هفته آقایان را دعوت کردم، به آنها بگویم از شما چی می‌خواهم. جوابی نداشتیم. اگر مملکت، مملکتی بود که به من مراجعه می‌شد، می‌گفتند در این زمینه‌ها به من کمک بده، شاید راه‌حلی پیدا می‌شد. متأسفانه چنین چیزی نبود.

آقای دکتر امینی! هیچ وقت هم هیچ کس به ما مراجعه نکرد. تازه اگر مراجعه می‌کردند، بحث‌ها به جایی می‌کشید که احتمالاً مسایل سیاسی در

بدهد. هر گونه کمکی که می‌توانسته‌ایم به دانشکده بدهیم، داده‌ایم. هم کمک فکری و هم کمک تکنیکی. ممکن است خیلی خوب نبوده باشد. اما این کار را با دانشکده انجام داده‌ایم. هر گونه کمکی. گفته بیا برای من کارآموزی تهیه کن، گفته‌ایم چشم. گفته بیا از مدیران شرکت‌ها به من لکچر بدهند، گفته‌ایم چشم. گفته برای کاربایی دانشجویان راهنمایی بکن، گفته‌ایم چشم. هر چه دانشکده خواسته یا خودمان به عقلمان رسیده است و توانسته‌ایم در اختیار دانشکده بگذاریم، گذاشته‌ایم. از نظر مالی هم خوشبختانه در طول چند سال گذشته بنیاد حامیان فنی را دایر کردیم که به نظر من در جهت کمک به دانشکده فوق‌العاده اساسی است. این چیزی بود که در زمان خودم، حدود ۱۰-۱۵ سال قبل می‌خواستیم پیاده کنیم و نتوانستیم. عقلم هم نمی‌رسید که باید چکار کنیم. شاید هم زود بود. کسی نمی‌آمد بنیاد را تشکیل بدهد. خوشبختانه الان بنیاد هم تشکیل شده است. بنابراین ما وظیفه‌مان را نسبت به اعضای خودمان انجام می‌دهیم. نه صددرصد خوب، اما ۷۰٪



**دکتر امینی:** به نظر من کانون تا به حال هیچ کاری نکرده است. به نظر من کانون بسیار ضعیف عمل کرده و اصلا در حد دانشکده فنی که دانشکده‌ای بسیار افتخار آفرین بوده، نتوانسته است عمل کند. این شرح وظیفه برای کانون کم است.

ماجرادر دو جهت مخالف وجود دارد. فقط برای این که تکمیل کنم توجه جمع را به نکاتی جلب می‌کنم. بسیاری از نکاتی را که دکتر گفتند تحت عنوان خدماتی که کانون ارائه می‌دهد، چیزهایی که ما می‌بینیم با آن عضو که در خارج از کانون است متفاوت است.

همین‌ها که آقای دکتر می‌فرمایند که اگر کسی بتواند هم دانشکده‌ای خود را پیدا کند و یا در زمینه ژئوتکنیک مشکلی داشت از طریق کانون به هم‌دانشکده‌ای خود وصل شود، بسیار خوب است. اما این خدمات الان وجود ندارد. اگرچه به وجود آوردن آن زیاد هم سخت نیست.

وقتی وارد سایت کانون شوید و مثلاً می‌خواهید دنبال دکتر زاهدی بگردید، نام و نام خانوادگی را می‌زنید، رشته و مقطع را می‌پرسد، می‌زند. می‌آید: مرتضی زاهدی، راه و ساختمان، کارشناسی ارشد. این تمام مشخصاتی است که سایت کانون از اعضا به شما می‌دهد. هیچکدام از اعضای دبیر خانه هم حق ندارد، اطلاعات بیشتری به شما بدهند. آقای دکتر شما چون از اعضای شورای عالی هستید، می‌توانید این اطلاعات را بگیرید. اما عضو معمولی ما حق ندارد به این اطلاعات دست پیدا کند. به دلیل این که یک زمانی گفته بودند، وزیر هم عضو ما هست و نمی‌شود آدرس خانه‌اش را به کسی داد. البته صحبت‌هایی هم شده است. چرا که در این دوره زمانه دادن ایمیل افراد به دیگران که اشکالی ندارد.

اگر بتوانیم بانک اطلاعاتمان را کامل کنیم که تخصص افراد را بتوانیم انعکاس دهیم یا اصلاً یک برگه دیگری به افراد بدهیم پسر کنند که در چه زمینه‌هایی تخصص دارند و می‌توان به شما دسترسی داشت، به این شکل می‌توان به ارتباط و اتصال بین اعضا که از اهداف اولیه بوده است، دست پیدا کرد.

این کلاس‌های آموزشی که ما موفق نشدیم. به خاطر این است که مادر کانون تاجر خوبی نیستیم. همین کلاس‌های آموزشی هنوز که هنوز است بورس دارد و بسیاری از این ماجرا سود می‌برند و منتفع می‌شوند. کسانی هم در این کلاس‌ها تدریس می‌کنند، حتی برخی از آنان از گردانندگان کانون هستند. یعنی اینها می‌روند جایی دیگر و چه بسا حق تدریس هم نمی‌گیرند. اما آن طرف سود خوب می‌برد. اما ما این کار را در کانون می‌کنیم و سود نمی‌بریم و نفعی برایمان ندارد. چون اینها می‌روند مشتریان خود را شکار می‌کنند. مثل ما

بیانیه‌هایی منتشر کنیم که برای تصمیم‌گیران مملکت راهنما باشد. این تنها چیزی است که به ذهن من می‌رسد که کانون می‌تواند انجام دهد. مگر این که کسی از بیرون مراجعه کند.

یک روزی ما یک مشکلاتی داشتیم، چند نفر در کانون دعوایشان شده بود، آمدند کانون حکمیت کند. خود مهندس کتیرایی هم حضور داشتند. مراجعه کردند به ما و ما هم کمک کردیم و کار را انجام دادیم. اما از ما خواستند. باید یک چیزی از ما بخواهند تا ما هم دنبال آن برویم.

در قسمت اول ما موفق بوده‌ایم. در قسمت دوم هم موفق بوده‌ایم. البته همه اینها را نسبی می‌گویم. در همه کانون‌های فارغ التحصیلی کشور هم فکر کنیم، کانون فنی نمره یک هست. همین هفته پیش ۴۰ سالگی دانشگاه شریف را جشن گرفته بودند. همه به من می‌گفتند که البته کانون ما مثل کانون شما نیست. همه این را اعتراف دارند. به عنوان یک وزنه‌ای به کانون ما نگاه می‌کنند. به نظر من موفق بوده است. البته ما مشکلاتی داریم. اعضا استقبالشان کم شده است. باید اینها را حل کنیم. اما از این که تیشه بزنییم به ریشه همه چیز که از اول غلط بوده و راه را اشتباه رفتید و فلان و فلان، درست مثل همه کارهایی است که در کشور انجام می‌شود.

یک روز در شورای عالی گفتند که ما مشکل مالی داریم و پول نداریم. قرار شد یک گروه تشکیل دهیم که این مشکل را چگونه حل کنیم. الان کمیته‌ای تشکیل شده و آمده کل سازمان را زیر سوال می‌برد که سیستم فلان است و فلان. من گم شدم. اصلاً نمی‌دانم این مسایل چه ارتباطی به سوال اولیه دارد. ولی خوب منتظرم ببینم بالاخره پس از ۶ ماه که این گروه کار می‌کند، چه نتیجه‌ای می‌گیرد. وقتی یک سوال اینجوری مطرح می‌شود، به ریشه همه چیز نزنیم.

اتفاقاً خوب شروع کردید، که اساسنامه این را می‌گوید. سوال کنید که چرا نشده این ۶۰ درصد انجام شود. این بلندپروازانه است. نه رسالتی برای انجامش داریم و نه می‌توانیم انجام دهیم و نه خواهیم توانست. من امروز می‌گویم. ما اگر دور همین دو محور اصلی متمرکز شویم خیلی موفق خواهیم بود. قسمتی هم به محور سوم برسیم بسیار بسیار موفق خواهیم بود.

■ **مهندس عالم‌زاده:** صحبتی که آقای دکتر کرد، بسیار خوب بود. چون بحث را تکمیل کرد. دو سوی



می‌دهند. روی همین سد بسیاری از مشاوران مطالعه می‌کنند. بعد بفرستند کانون که تو نظر بده؟ اصلاً چنین چیزی نیست. مگر این که مسالهای پیش آید و ببینند کانون پتانسیل این را دارد که به اینها کمک بدهد و مراجعه کنند. در آن صورت مطمئن باشید، می‌آیند. همان طور که در انجمن بتن می‌بینیم. الان هر کسی در کشور در مورد بتن مشکل پیدا می‌کند، به انجمن بتن مراجعه می‌کند. ما هم می‌رویم برایشان حل می‌کنیم. چون می‌بینند یک سری مسایل هست که انجمن می‌تواند برایشان حل کند. اگر ببینند پتانسیلی وجود دارد و مشکلی پیش آید، مراجعه می‌کنند. نه این که ما خودمان بروم و راجع به آن اظهار نظر کنیم.

من معتقدم کانون می‌تواند روی بسیاری از این طرح‌ها تاثیر گذار باشد. مکانیسم آن را هم باید پیدا کنیم. من پیدا نکردم. تنها راه‌حلی که به ذهنم می‌رسد، این است که ما می‌توانیم میزگردهایی داشته باشیم. بخشی از این خبرنامه را هم بگذاریم در اختیار این میزگردها. به کمک این میزگردها گهگاه



بتواند به یکی دو نفر کلیدی هیات مدیره برسد و بگوید نمی‌خواهم مفت و مجانی بیایی یا این که بیايند در نشریه نظر خواهی کنند. بيايند چه اعضایی هستند که هم آدم‌های خوش فکری باشند و وقت کافی داشته باشند و بخواهند بدون پول به کانون بيايند.

وقتی اينها آمدند، کمیته‌ای اينها را بررسی کند. اگر افراد مناسبی بودند، اعضای شورای عالی و هیات مدیره از اينها انتخاب شوند. در حالی که اعضای شورای عالی همان‌هایی هستند که از ۲۰ سال قبل بودند و الان هم هستند. تعدادی از آنان را می‌شناسم. همه را هم دوست دارم. زمانی که من آنجا بودم، عده‌ای که در کانون‌های دیگر بودند یا در شرکت‌های دیگر بودند، می‌آمدند و از من می‌پرسیدند، مهندس ظهوری چطور می‌توانیم وارد هیات مدیره این کانون و عضو این کانون بشویم. چون برخی تخصصشان فقط این است که عضو هیات مدیره و عضو شورای عالی شوند.

برای رسیدن به این اهداف نگوییم که بلندپروازانه است. من ذهنم اینقدر می‌رسد که بگویم کم است یا زیاد است. باید یک گروهی بیايد و راهکارهای رسیدن به این اهدافی که نوشتیم را ارزیابی کند که

بگذاریم. وقتی به این نقطه نظرات توجه شود ما رسالت خودمان را انجام داده‌ایم. به شرط آن که به آن بپردازیم و از این روزمرگی فاصله بگیریم. حالا با توجه به این که این نقطه نظرات اولیه طرح شد، پیشنهاد می‌کنم یک بار دیگر جمع حرکت را آغاز کند.

■ **مهندس ظهوری:** مواردی که دکتر زاهدی گفتند که بلندپروازانه است. من قبول ندارم باید بلندپروازانه باشد. دانشکده فنی باید بزرگ فکر کند. دانشکده فنی چیزی است که ما روی آن حساسیت داریم. کانون که وابسته به آن هست نیز باید بزرگ باشد. من بگویم به چه دلیل دیگر به هیات مدیره نیامدم. یک دوره یک عده جوان به هیات مدیره می‌آمدند که بیشتر هم وقت داشتند. آنان در انتخابات لیست‌هایی هم تهیه می‌کردند. جوان‌ها می‌دانستند که بروند و به کی رای بدهند. وقتی دیدم این طور است دیگر نیامدم. چطور انتظار داریم یک عده آدم بزرگ وقت بگذارند و به کانون بيايند بدون هیچ دستمزدی. اگر هم بيايند شاید فقط هفته‌ای یکی دو ساعت. پس باید کاری کرد که وضعیت مالی کانون درست شود و

نیستند که منتظر بمانیم که ۳۰ نفر بگویند ما می‌خواهیم برایمان کلاس بگذارید. طرف روزی ۳۰ ایمیل و اس‌ام‌اس می‌گیرد. شرکت‌هایی هستند که مثلاً رفته‌اند جلوی نظام مهندسی هر که رفته آنجا، ایمیل و تلفن او را گرفته‌اند و اینجوری ارتباط برقرار می‌کنند.

بحثی که راجع به کمیته داوری کردند. بسیار نکته خوبی است. یعنی نقطه‌ای که کانون می‌تواند به راحتی بسیاری از مشکلات اعضا را حل کند. مخصوصاً در این وضعیت دادگستری که روند رسیدگی به شکایات طولانی است. یعنی اگر ما یک اعلان کلان کنیم که چیزی به عنوان کمیته داوری داریم که می‌تواند اختلافات شما را بررسی کند و رای بدهد، قاعدتاً خیلی مشتری داریم و این مشتری هم حتماً هزینه را پرداخت خواهد کرد. اگر فکر کند اینجا بهتر به مشکلش رسیدگی می‌شود. اما چه می‌کنیم؛ منتظر می‌شویم که کسی مراجعه کند. بعد کانون می‌رود تشکیلات آن را پیدا می‌کند. کمیته داوری آیین‌نامه دارد. مشخص و معلوم است. بعد می‌گوید من آمادگی دارم. مشکل بررسی می‌شود. بعد کمیته داوری فراموش می‌شود.

در حالی که ما باید آن را تبلیغ کنیم. ما الان از سایت کانون به عنوان خبرنامه استفاده می‌کنیم. در حالی که تبلیغ کمیته داوری می‌تواند در سایت کانون قرار گیرد و جلب توجه کند که اینجا مرکزی هست که می‌تواند به تو پاسخ دهد. به جای این که بروی دادگستری مملکت و پیش یک قاضی که تخصص این رشته را هم ندارد. ما میزگرد دریاچه ارومیه، مترو، سد لار و اینها را برگزار کرده‌ایم.

■ **دکتر زاهدی:** بله اما خروجی نداشته است. اينها باید هدف‌دار جلو بروند. یعنی اگر میزگرد در ارتباط با مثلاً دریاچه ارومیه تشکیل دادید، آیا حرفی دارید بنزد؟ یا مثلاً این حرفی است که مجله فلان یا فلان سازمان گفته است. آیا حرف جدیدی برای گفتن دارید؟ اگر دارید جمع‌بندی کنید و به عنوان یک اعلاتیه بدهید بیرون که مثلاً نظر کانون این است که دریاچه در وضعیت فلاکت‌بار فعلی بهتر است که این طور شود.

■ **مهندس عالم‌زاده:** فکر نکنم بتوان به این هم رسید. چند سال قبل درباره سد لار در کانون میزگرد گذاشتیم. اما بعد از مدتی که پیش رفت همه گفتند مسایل سیاسی می‌شود و نمی‌توان ادامه داد. اگر این ترس‌ها را کنار بگذاریم. مثلاً درباره دریاچه ارومیه دیدگاه‌های مختلفی هست. همین که این دیدگاه‌ها را جمع‌بندی کنیم و کلاسه کنیم و چارچوب برایش تعریف کنیم و برای اعضا بفرستیم و نتیجه‌گیری را به عهده خود آنان یا کسانی که قرار است برای آن تصمیم بگیرند،





تاجر خوبی نبوده‌ایم و منافع خودمان را خوب نشناخته‌ایم. آنجایی هم که امکانش را داریم، مثلاً اگر یک فرد عادی هم که در خانه‌اش نشسته و خانه کانون را داشته باشد، می‌تواند این را بسازد. ۵۵ درصد من و ۴۵ درصد تو. یک خانه نو و یک طبقه را هم اجاره بگیری. ما این کار را هم نمی‌کنیم. زمینمان را هم که دولت به ما داده است، می‌گذاریم صادره کند. یعنی اگر از این جمع یک ماحصلی بیرون بیاید، اولینش این است که آقای مهندس ظهوری شما که امکانات داری آیا می‌توانی بیایی خانه امیرآباد را با همان شرایط استارت بزنی؟ از همین جا کاری می‌کنیم که چرخ بچرخد. همان مطلبی که در اساسنامه آمده است که ما باید یک جای رفاهی تهیه کنیم و خیلی جاها از این روش استفاده کرده‌اند. ما زمین را داریم. امکان را هم داریم. عضومان به جای این که برود جای دیگری استخر بیاید اینجا. سودی هم اگر قرار است برسد به کانون برسد.

■ **مهندس ظهوری:** مهندس کتیرایی، این پیشنهاد را مطرح کرده‌اید؟

■ **مهندس کتیرایی:** بله پیشنهاد داده‌ام.

■ **مهندس ظهوری:** هیات مدیره تا قدر تمند نباشد، نمی‌تواند این کارها را انجام دهد.

■ **مهندس عالم‌زاده:** آقای مهندس بهتر است، من یک تصویر به شما بدهم که شاید به ادامه بحث کمک کند. هیات مدیره ما دچار روزمرگی است. مسایل روزمره و جاری کانون ابعاد و اندازه‌های زیادی دارد، هر چند ریز است. در بحث مدیریتی ما ۸۰ درصد توانمان را روی ۲۰ درصد امور می‌گذاریم.

■ **مهندس ظهوری:** ما باید یک گروه درست کنیم نه خیلی جوان و نه خیلی مسن؛ باید بگوییم این گروه بروند و از این همه صاحبان صنایع که در ایران هستند. کسانی هستند که لب‌تر کنند ۵ تا ۱۰ این ساختمان‌ها را می‌سازند. اینها توی این جلسات نمی‌آیند. اما وجود دارند. گروهی را تعیین کنید که گروه با اعتباری باشند.

■ **دکتر زاهدی:** این تصویر که دارید از این می‌دهید. مثل این است که گروهی که در کانون نشسته‌اند. این فکرها را نکرده‌اند و این اقدامات را انجام نداده‌اند و الان رسیده‌ایم اینجا و در آن مانده‌ایم. همه این حرف‌ها که عنوان می‌کنید، گفته شده و دنبالش رفته‌ایم. یک جایی به مشکل برخورد کردیم. مشکل اداری، مشکل قانونی، فکر نکنید اینها را ندیدیم. چرا دیده‌ایم. اگر الان آقای مهندس

■ **مهندس کتیرایی:** دو تا مساله اینجا مطرح شد یکی مساله زمین کانون که گفتیم ۱۴-۱۵ سال است ساخته نشده. دوستان همه می‌دانند که مشکل ما در رابطه با شهرداری تهران بود. زمین را با یک قراردادی گرفتیم و تعهد کردیم در یک مدت معینی برای کانون بسازیم که اولاً نیایم اینجا برای یک جلسه. ثانیاً سالن داشته باشیم. در زمان آقای آخوندی واگذار شد. موقع اجرا به این مشکل برخورد که گفتند کاربری اینجا مسکونی است و اگر بخواهید اداری بسازید باید متر مربعی اینقدر پرداخت کنید. بعد هم جلوی ما را گرفتند و یک مسیری طولانی طی شد و الان هم متوقف است. بیم این هم هست که زمین را از ما بگیرند. زمینی که چند میلیارد قیمت دارد.

■ **مهندس ظهوری:** هیچ کاری روی آن انجام نشده است؟

■ **مهندس کتیرایی:** یک کارهای جزئی انجام شده است. عین این داستان برای کانون کارشناسان رسمی دادگستری وقتی من رییس کانون بودم اتفاق افتاد. زمینی از سازمان زمین شهری گرفتیم حدود هزار متر مربع، در خیابان ظفر و بعد هم یک قرارداد با وزارت مسکن منعقد کردیم که اینجا را بسازیم و بعد سند مالکیت بگیریم و استفاده کنیم. عین این ایراد را می‌توانست شهرداری آنجا هم علم کند. اما نشد. در نتیجه نه تنها ساختمان را ساختیم از افراد هم وام گرفتیم. البته بقیه را دیگر من انجام نداده‌ام. سال ۶۸ دیگر در انتخابات شرکت نکردم. ساختمان ۱۰ طبقه‌ای در خیابان ظفر است. هر کدام از اتاق‌ها را هم به افراد واگذار کردیم که دفترش کرده‌اند. درآمد خوبی هم دارند. شهرداری مانع از آن نشد که آنجا را بسازیم. اما اینجا را متوقف کردند.

یک پیشنهاد دیگر شده بود. که دفتر مرکزی ما در خیابان امیرآباد یک خانه کلنگی ۲۴۰-۵۰ متری است. می‌توانیم بدون احتیاج به پرداخت ریالی پول این را تخریب و نوسازی کنیم. آورده ما می‌شود زمین و آورده آقا می‌شود ساخت. ۵۵ درصد سهم ما و ۴۵ درصد سهم آن طرف. ظرف یک سال و نیم دو سال می‌توانیم ۷۰۰ متر بنا آنجا بسازیم. بعد هم ۴۵ درصد شریک را می‌دهیم و بقیه را تصاحب می‌کنیم. هم دفترمان را در آنجا می‌گذاریم و هم استفاده‌های دیگری از آن می‌کنیم. کاربری البته مسکونی است، اما می‌توان برای مشاغل معینی که قانون اجازه می‌دهد، استفاده شود. این کار پرسودی است بدون این که نیاز به سرمایه داشته باشد. هیچکس هم به فکر نیست.

■ **مهندس عالم‌زاده:** الان این مطلب از جمع آمد بیرون که عملکردمان نشان می‌دهد که ما

چیست. اگر بزرگ است کوچک شود. اگر کوچک است بزرگ شود و راهکارهای آن را هم بیابند. از این گروه ۷ هزار نفری بخواهند. بگویند ما در این ۲۰ سال تا اینجا آمده‌ایم. بیایید ارزیابی کنید و ببینیم می‌توانیم به این اهداف برسیم یا نه.

این که به ما ارتباط ندارد، من قبول ندارم. در بین این ۷ هزار فارغ‌التحصیل استنادانی هستند که الان کار نمی‌کنند. بازنشسته شده‌اند. ولی پر از تجربه و دانش روز هستند. هنوز برخی با وجود بازنشستگی در مجلات بزرگ دنیا یا دانشگاه‌های بزرگ دنیا تحقیق می‌کنند. یک فراخوان بدهید. من قول می‌دهم می‌آیند. بگویید از تمام کسانی که وقت دارند و در سدسازی، راه‌سازی، پل‌سازی، چاه‌های نفتی و غیره تخصص دارند، می‌خواهیم شورای مشاورینی از مشاورین ارزنده در هر رشته درست کنند.

یک عده حاضرند بیایند و رایگان هم می‌آیند و مشتاق هم هستند که بیایند. یک نظرخواهی درباره مطالب مختلف بشود. بهترین روش این است که نشریه شما این نظرخواهی را انجام دهد. و آن گروه برای تغییر اساسنامه و یا روش رسیدن به اهداف هم تشکیل شود.





بگویند که این به لحاظ قانونی هیچ مشکلی ندارد. آن موقع اگر دستان را بالا کنیم که ایها الناس بیایید ما می خواهیم این را بسازیم، آن موقع افراد زیادی می آیند. هنوز به آن نقطه نرسیده است. فکر نکنید که این کارها انجام نشده است. اما مسایل اداری دارد. فکر می کنید ما چند بار وزیر دیده ایم و دست به دامان رییس دانشگاه شده ایم که برای وزیر نامه بنویسد. همه هم کمک کرده اند.

**■ دکتر امینی:** به نظر من این اهداف برای کانون حتی کم است. چون نتوانسته اید آن را پیاده کنید مجبورید بگویید این زیاد است. من موافق این حرف نیستیم. شما می فرمایید این حرف ها چیست که می زنید. ما آمده ایم اینجا که حرف بزنیم. من

قدم بردارد. ما الان داریم تاتی تاتی راه می رویم. از زمانی که من به کانون آمده ام و فعالیت کرده ام در شورای نویسندگان بودم، کانون بسیار ضعیف عمل کرده است. هر چه می خواهید بگویید، من آنم که رستم بود پهلوان. در حالی که باید قوی تر از این عمل می کردیم.

**■ مهندس ظهوری:** من باید یک جمله معترضه هم اینجا بگویم. خودخواهی ما زیاد است. من چون حضور زیادی در کانون داشتم، آقای دکتر زاهدی هیچ اجباری نداشته است. درست است من خودم، همه عملکرد کانون را قبول ندارم. اما بی انصافی هم نباید بکنیم. یک نفر با آن همه کار و گرفتاری، چندین سال دبیر باشد و بعد به اندازه ای

**مهندس کتیرایی:** باید برای اعضای کانون انگیزه فراهم کرد. بسیاری از این ۷ هزار عضوی که داریم، حق عضویت نمی دهند. باید ببینند که کانون چه دردی از دردهایشان را دوا می کند که بیایند و شرکت کنند. تا نیایند هم رونق پیدا نمی کند. اما در عین حال می بینیم، اعضا در جشن سالانه شیدا استقبال می کنند. رمز این کار را باید کشف کنیم. چرا یک جاهایی می آیند یک جاهایی نه؟

هم جسارت نمی کنم به شما بگویم این حرف ها چیست که می زنید؟ شما اشاره می کنید این حرف ها چیست که می زنید؟ ما جمع شده ایم حرف بزنیم و تصمیم بگیریم.

من باز هم می گویم که کانون ضعیف عمل کرده است. با همه شاهکاری که کرده باز هم ضعیف بوده است. کانون در سطح دانشکده فنی نیست. صدر صدا برای آقای ظهوری موافقم که این شورای عالی مشاورین تشکیل شود. عده زیادی هستند که عرق دارند به کانون کمک کنند. چشم داشتی هم ندارند. همین موضوعی را که برای زمین گفتید اگر به برخی از اعضای کانون که تعصب شدیدی هم روی کانون و دانشکده دارد، بگویید برای ما ساختمان را بساز، پولش را بعد بگیر، می کند.

بنابر این ما عملاً خودمان را خوب معرفی نکرده ایم. شما باید یا از طریق مجله یا پیام نامه یا سایت، کانون را بیشتر از این معرفی کنید. آنهایی که مدیر بودند و زحمت کشیدند، اما زحمتشان کافی نبوده است. من احساس می کنم با این بی تفاوتی که آقای دکتر دارند که نه نمی شود، این می رساند که کسانی که مدیر بودند حساسیت نشان نداده اند. این طور که باید و شاید نرفتند. یا تعصب نداشتند. شاید تعصب داشته اند اما درست انجام وظیف نکرده اند.

نکاتی که دکتر شمرد که این کارها را کردیم، من که در کانون هستم از آن خبر نداشتم. پس چطور باید آنهایی که بیرون هستند، خبردار شوند. من شخصاً موافقم، این اساسنامه به قوت خود باقی بماند. شاید هم بعداً هیات مدیره تصمیم بگیرد که این اساسنامه کم است. کانون باید بیشتر از این

که وقت داشته آمده کار کرده، حالا چیزی هم بدهکار باشد.

**■ دکتر امینی:** من هم نگفتم کاری انجام نداده است.

**■ مهندس ظهوری:** نباید کسانی عضو هیات مدیره شوند که وقت نداشته باشند. باید تمام وقت باشد. کسی که علاقمند باشد.

**■ مهندس عالم زاده:** این را هم عنوان کنم. این جوری نیست که فکر کنید همه اعضای ما بی اطلاعند. خیلی از این اطلاعات را اعضای ما دارند. مساله زمین هر جلسه توی شورای عالی به عنوان یک مشکل مطرح می شود و از اعضای شورای عالی می خواهند که نظرشان را بدهند. اگر کسی پیشنهادی داشت، حتماً ارایه می کرد. این نیست که اطلاع رسانی درست نشده. ما سازمان تشکیلاتی درست نداشتیم که اگر عضوی می خواست کمک کند بتواند در آن ساختار انجام دهد. این که می فرمایید، شورای مشاوران. همین الان هم اگر بتوانیم شورای عالی ما کاملاً دموکراتیک است. اعضا می آیند و رای می دهند.

**■ دکتر امینی:** شورای عالی سیاسی است. ولی شورای مشاوران، از اعضای علاقمند شورای مشورتی درست کنید.

**■ مهندس عالم زاده:** این شورا آیا با انتخابات

تعیین شود؟ آیا کسی دعوت کند؟

**■ دکتر امینی:** با دعوت باشد.

**■ مهندس عالم زاده:** هر که دعوت شد، بیاید؟

**■ دکتر امینی:** بله!

**■ مهندس عالم زاده:** توسط چه کسی و با چه شکلی می توان افرادی را که می آیند، تصفیه کرد و افراد دارای صلاحیت را انتخاب کرد؟

**■ دکتر امینی:** ما الان همه همدیگر را می شناسیم. می توانیم افرادی را که می آیند غربال کنیم و بگوییم که شما در کمیته ضعیف تر و شما در کمیته قوی تر قرار بگیرید.

**■ مهندس عالم زاده:** کی چنین تصمیمی بگیرد؟

**■ دکتر امینی:** خودمان! می شود یک هیاتی برای این کار درست شود. آقای مهندس ما بالاخره اگر بخواهیم تکان بدهیم، یک نفر مثل آقای زاهدی کم است. هر چقدر هم زحمت بکشد کم است. باید ۵ نفر مثل دکتر زاهدی باشند. باید یک اطلاعیه بدهیم و دعوت کنیم از اعضا که یک شورا داشته باشیم.

**■ مهندس عالم زاده:** به نظر من خیلی سخت است که این پیشنهاد عملی شود.

**■ بیگلر خانی:** با این حساب باز هم نیاز به یک هیات دیگر هست برای غربال آنها و سازو کار تشکیل این هیات هم مشخص نیست. باز یک تشکیلات دیگر باید آن هیات را انتخاب کند. شاید بهتر باشد یک راهکار عملی تری ارایه شود.

**■ دکتر امینی:** نه! الان دیگر ما همه همدیگر را می شناسیم و از توانمندی های هم اطلاع داریم. می دانیم، هر کس بخواهد از بیرون هم بیاید می شناسیمش. اگر هم شناسیم روشی برای شناختن داریم. مثلاً هر شرکتی بیاید آنقدر در آن شرکت ها ارتباط داریم که بفهمیم چند مرده حلاج است. اگر به درد خورد که استفاده می کنیم و اگر به درد نخورد محترمانه رد می کنیم.

**■ دکتر زاهدی:** پیشنهادی دارم آقای دکتر. شما که اینقدر با حرارت درباره کانون صحبت می کنید، وظیفه ای را در کانون به عهده بگیرید.

**■ دکتر امینی:** قبلاً گرفته ام.



**دکتر زاهدی:** نمی گویم قبلاً نگرفته‌اید. مجدداً بگیرید.

**دکتر امینی:** لازم نیست دستور بدهید. من آمده‌ام که باشم.

**دکتر زاهدی:** نه دستور نیست. اگر خدمتتان گفتم که نشان بدهید. شما عنوان کردید کانون فارغ التحصیلان در فلان کشور روی فلان پروژه نظر داده‌اند. گفتم من فکر نمی‌کنم. اگر موسسه‌ای هم از دانشگاه کمک خواسته از دانشگاه خواسته نه از کانون آن. اگر از کانون دانشگاه خواسته‌اند، این را به بنده نشان دهید که سر مشق ما شود.

آن بحث بسته شد. الان هم دارم به جناب عالی پیشنهاد می‌کنم در له صحبت‌های جناب عالی، شما بیا بید مسئولیت یک سری میز گرد را در زمینه کار ژئوتکنیک مترو سازی، کاری که تخصص خودتان است، بر عهده بگیرید. مسایلی که فکر می‌کنید در مملکت معضل است و می‌تواند حل شود موضوع این میزگردها قرار دهید و آن را بررسی کنید.

**دکتر امینی:** شما پیشنهادی می‌کنید که یک تیم‌ورک درست کرد.

**دکتر زاهدی:** بله!

**دکتر امینی:** نه من مشتاق نیستم. من نمی‌خواهم در این تیم‌ورک باشم. من می‌خواهم بالاتر از این باشم. من وقت دارم. علاقمند هم هستم. چند ماه قبل وقت نداشتم. دارم کتاب می‌نویسم، وقت دارم. آمادگی دارم در کانون کار کنم. من اگر بیایم می‌دانم چکار کنم. لازم نیست بگویید چه کنم.

**دکتر زاهدی:** مشاورین را به وجود آورید دیگر.

**دکتر امینی:** :بله مشاورین بیایند. تیم‌ورک بیایند. نه این که من بیایم زیر گروه کار کنم. برعکس می‌خواهم بالاتر کار کنم.

**مهندس عالم‌زاده:** الان سیاست‌گذاری کانون در شورای عالی انجام می‌شود.

**دکتر امینی:** آن چیزی است که خروجی نداشته است.

**مهندس عالم‌زاده:** اعضای ما این شورای عالی را انتخاب کرده‌اند. حالا اعضای ما رویکردشان چه بوده بماند. شورای عالی فردا به ما می‌گوید من موافق نیستم، شورای مشاوران تشکیل شود. شما چه می‌کنید؟

**دکتر امینی:** حالا که نگفته است.

**مهندس ظهوری:** قصاص قبل از واقعه می‌کنید؟

**مهندس عالم‌زاده:** نه بلند فکر می‌کنم. این صحبت شما را به کدام سمتی برد. قاعدتا اگر به پیشنهادی که می‌کنید اعتقاد دارید، این است که من روند گردش اداری کانون را به سمتی ببرم که با شورای مشاوران موافقت کنند. مثلاً یکی این است که ما انتخابات شورای عالی داریم. برخلاف سال‌های قبل که لیست می‌دادند. لیستی هم در کار نیست. تعدادی که رای می‌دهند خیلی کم هستند.

**مهندس ظهوری:** یک برنامه بگذاریم، کسانی که نظراتی مانند حقیر با بقیه دارند، هر چند ماه یک بار بروند در شورای عالی بنشینند و نظرات خود را بگویند. که این تغییرات را بدهید. اگر این مسایلی که گفتم در حد شورای عالی است که باید حتماً شورا تصمیم بگیرد. و گر نه شما در مجله‌تان بنویسید کسی گوش نمی‌کند. چون نظر، نظر شورای عالی است. جوری باشد که هر دفعه علاقمندان به عنوان میهمان وقت داشته باشند تا نظرات خود را ارایه دهند.

**دکتر امینی:** من چیز دیگری می‌خواهم بگویم. این شورای مشاوران را درست کنیم. اگر شورای عالی مخالفت کرد. می‌رویم می‌نشینیم حرف می‌زنیم. اگر بتوانیم بقبولانیم که فبها، اگر نه هیچ. از الان نگوئیم که ممکن است شورای عالی مخالفت کند.

**مهندس عالم‌زاده:** بالاخره یک مجوزی لازم دارد.

**مهندس ظهوری:** بله شورای عالی باید بپذیرد.

**بیگلر خانی:** نکته‌ای که آقای مهندس فرمودند. یکی از دموکراتیک‌ترین روندهاست. یعنی از همین الان برنامه‌ریزی کنید. خودتان و دوستانی که می‌شناسید که همفکران هستند. داوطلب عضویت شورای عالی شوند و یک سری از اعضا بیایند رای دهند و فعالیت شود. با این شکل، ترکیب هم عوض می‌شود.

**دکتر امینی:** لیست را که نگاه می‌کنم، همیشه همان افراد هستند.

**مهندس عالم‌زاده:** ما یک آیین‌نامه انتخابات داریم.

**دکتر امینی:** من نوشتم اما ترتیب اثر نداند.

**بیگلر خانی:** دیرتر از موعد بوده است.

**مهندس عالم‌زاده:** کسی که انتخابات را اداره می‌کند، دکتر نعمت‌الهی است که در صحت کار ایشان کسی شک نکرده است. اگر هم کسی شک دارد، می‌تواند اعتراض کند.

**مهندس ظهوری:** هیچ وقت این طوری پارتی بازی نمی‌شود.

**مهندس عالم‌زاده:** بله! یک سری افراد اعلام کاندیداتوری می‌کنند. حالا یا خودشان می‌آیند یا دعوتشان می‌کنند. این می‌شود لیست آدم‌هایی که داوطلب می‌شوند. یک سری آدم‌ها هم باید از اعضای خودمان بیاوریم که رای بدهند. متأسفانه تعداد اعضای که رای می‌دهند و انتخاب می‌کنند، کم و قلیل است. حق انتخابشان هم محدود است. مثلاً در این آدم‌ها نگاه می‌کنند. با تغییر کوچکی همان گروه انتخاب می‌شوند. آقای دکتر به این روند اعتراض دارند. نه می‌شود از آدمی که دوباره کاندیدا می‌شود انتقاد کرد و نه از آدمی که رای می‌دهد. باید به این عضومان که توی خانه‌اش نشسته است و رای نمی‌دهد و بعد می‌گوید کانون برای ما چکار کرده، انتقاد کرد.

**مهندس ظهوری:** باید حق عضویت را هم بدهد.

**مهندس عالم‌زاده:** از همان ۷۰۰ نفر هم همه رای نمی‌دهند. قبلاً در شورای عالی بحث بود که سخت است شخص بیاید اینجا و رای بدهد. گفتیم الکترونیک می‌کنیم که از خانه رای دهند. اما باز رای نمی‌دهند. این خوب نیست. شاید باید همان فراهم کردن انگیزه را در نظر گرفت. یعنی شخص بگوید دکمه را که می‌زند و کسی را انتخاب می‌کند، آن شخص انتخاب شده، کاری برایش می‌کند. همین که دکتر امینی می‌گوید که هیچ کاری انجام نشده است یا دکتر زاهدی می‌گوید کار انجام شده است اما خوب معرفی نشده است. خیلی از اعضای ما حتی نمی‌دانند که ساختار دبیرخانه و کانون به چه شکل است و چه کارهایی در کانون انجام می‌شود.

**دکتر امینی:** بله ۶۰ درصد حرف‌های ایشان برای من جدید بود و اصلاً نمی‌دانستم که این کارها انجام شده است. اطلاع‌رسانی نشده است.

**مهندس ظهوری:** ما هم تنبلی کردیم. ماهنامه را نخواندیم. به نظرم همه حرف‌های لازم را گفتیم.

**مهندس عالم‌زاده:** از بزرگواران به خاطر وقتی که گذاشتند متشکرم.



## گفت و گویی کوتاه با دکتر حمید میر فندرسک: یکی از بهترین خاطرات من خرید خانه کانون بود

دکتر حمید میر فندرسک، ورودی سال ۱۳۶۳ در رشته مهندسی عمران، در دوره اول و دوم کانون، عضو شورای عالی بوده است. وی در حال حاضر در استرالیا استاد دانشگاه گریفیث Griffith و متخصص کنترل سیل است. دکتر میر فندرسک تابستان امسال، برای تجدید دیدار به ایران سفر کرده بود. در این فاصله فرصتی دست داد تا در گردهمایی فصلی دانش آموختگان مهندسی عمران ورودی سال ۱۳۶۳ با وی به گفت و گو بنشینیم.

خبرنامه کانون مهندسين فارغ التحصيل دانشگاه فني تهران • سال بيست و دوم • شماره ۱۵۴ • پائيز ۱۳۹۱

زیادی در سالن آمفی تئاتر بزرگ دانشکده فنی حاضر شدند. همه کسانی که گروه کار پیشنهاد داده بودند، انتخاب شدند. خانم روحانی روستا هم به عنوان یکی از اعضای شورای عالی در دوره اول انتخاب شد. ۲ سال اول در شورای عالی شاهد تبلور برخی اختلاف سلیقه‌ها بودیم. رقابت در انتخابات دوره دوم خیلی شدید بود. رقابتی بین دو گروه که در گروه اول اکثریت با استادان دانشگاه بود و در گروه دوم، مدیران شرکت‌های مهندسی خصوصی به ویژه پیمانکاران. در دوره دوم گروه دانشگاهیان رای آوردند. ۲۵ نفر

صهبا، مهندس جعفری، دکتر شریف‌آبادی، مهندس مالکی و مهندس امین‌وزیری تشکیل شد. بعداً مهندس هورفر نیز به این گروه اضافه شد. قرار شد اساسنامه کانون تدوین شود. همان اساسنامه نوشته شد و با کمی تغییر در حال حاضر مبنای کار کانون است. «پس از تدوین و تکمیل اساسنامه، آگهی برگزاری مجمع موسس در روزنامه انتشار یافت. اعضای گروه کار و تعداد دیگری از فارغ‌التحصیلان برای شورای عالی خود را کاندیدا کرده بودند. آن روز جمعیت فوق‌العاده

دکتر میر فندرسک سال‌های ابتدایی تشکیل کانون را به خاطر می‌آورد. زمانی که مقدمات تشکیل کانون فراهم آمد. وی می‌گوید: «دکتر فرزانه و دکتر شریف‌آبادی در دانشکده فنی با هم همکار بودند. در آن سال‌ها ورودی‌های سال ۴۹ جلساتی داشتند. تا این که در یکی از جلسات تصمیم گرفته شد از دانش آموختگان سال‌های دیگر نیز دعوت به عمل آید. در نهایت جلسه گروه کار در هتل لاله برگزار شد. از هر دوره یک یا دو نفر انتخاب و گروه کار ۸ نفره متشکل از دکتر فرزانه، مهندس مقدس‌زاده، مهندس ظهوری، مهندس



جوان شورای عالی به حساب می آمد. هر چند به خاطر این که دیرتر وارد دانشکده فنی شده بود، از هم دوره ای های خود کمی مسن تر بود.

وی می گوید: «در دوره اول می خواستند، قانونی را تصویب کنند که جوانان نتوانند عضو شورای عالی شوند. همچنین قرار بود، برای عضویت کانون شرایط بگذارند. من مخالفت کردم. دکتر فرزانه هم در این مورد از من پشتیبانی کرد. دکتر بانکی با تمام انرژی تلاش کرد تا این شرایط گذاشته نشود. در جلسات آخر دوره اول که رای گیری شد، حتی دکتر بانکی به من اجازه داد، یک بار دیگر حرف بزنم. دکتر قالیبافیان و دکتر فرزانه موافق نظرات من بودند.»

دکتر میرفندرسک در پایان پیشنهاد می دهد: «کانون بهتر است، در خصوص ساختمان دانشکده فنی و دانشگاه تهران یک تحقیق انجام دهد. چرا که این ساختمان ها جزو میراث فرهنگی کشور هستند. چون بسیاری از وقایع تاریخی در این دانشگاه اتفاق افتاده است. شاید خوب باشد در مجله کانون هر بار یکی از این وقایع چاپ شود. مثل تحسن روحانیون در مسجد دانشگاه تهران. شاید بهتر باشد یک کتاب در این زمینه نوشته شود.»

دکتر میرفندرسک، روزهایی را که اعضای کانون در تب و تاب جمع آوری پول برای خرید خانه کانون بودند به خوبی به یاد می آورد. «یکی از بهترین خاطرات من جمع آوری پول برای خرید خانه کانون بود. یاد می آید، مهندس انصاری (مدیر عامل شرکت کیسون) برای این منظور بیش از ۱۰۰ هزار تومان کمک کرد.»

وی همچنین خاطره ای را از حضور مرحوم مهندس مولوی در کانون نقل می کند: «مهندس مولوی در اولین انتخابات کانون دعوت نشده بود. به همین دلیل به مهندس هورفر گله کرد. همان جا اسمش در لیست اضافه شد و در انتخابات رای آورد. مهندس هورفر در اداره جلسه مجمع اول شاهکار زد. در گروه کار قرار شد، مهندس هورفر مهندس ظهوری سخنرانی کنند. مهندس هورفر از سخنرانی مهندس ظهوری دل خوشی نداشت. اما مهندس ظهوری را بیشتر تشویق کردند. مهندس هورفر تصور می کرد، که دبیر می شود. اما دکتر فرزانه دبیر شد. همین مساله باعث شد، مهندس هورفر قهر کند. وقتی برای دلجویی از او رفتیم، خیلی محترمانه ما را به خانه اش راه نداد. البته عید همان سال ما را به خانه اش دعوت کرد.» دکتر میرفندرسک، در آن سال ها از اعضای

با گرایش های متفاوت رای آوردند و وارد شورای عالی شدند. شورا ترکیبی بود از اندیشه های متفاوت. از مهندس معین فر گرفته تا مهندس غرضی. این حرکت از نظر من فعالیت اجتماعی ارزشمندی بود.»

دکتر میرفندرسک با یادآوری خاطراتش می گوید: «جلسات کاندیداهای گروه دوم در انتخابات دوره دوم در کیش برگزار شد.

جالب ترین خاطره ام از انتخابات دوم این بود. ساعت ۸ شب بود. هنوز آمار به حد نصاب نمی رسید. اما مهندس مقدس زاده پس از بررسی اعلام کرد، تعداد به حد نصاب رسید. زمانی که رای ها را شمردند، دیدند گروه دوم رای نیاوردند. اعتراض شد که تعداد به حد نصاب نرسیده بود. ناظرین این مجمع، مهندس زهری و مهندس فتوره چی بودند. بعد از بررسی قرار شد، هر دو شورا برای آغاز دوره دوم دعوت شوند. تعدادی از اعضا قهر کردند. اعضای جدید شورای عالی آمدند. اما یک نفر از شورای عالی دوره قبل کم بود. دکتر جلالی از دوره اول که در تمام مدت دو سال به جلسات نیامده بود، در جلسه آخر شرکت کرد. بعد از رای گیری، شورای عالی جدید به اتفاق آرا رای آورد و به انتخابات مهر تایید خورد.»





### شرکت فرعی راه

مدیر عامل: مهندس علی آزاد  
زمینه فعالیت:

راه، پل، تونل، راه آهن، باند فرودگاه  
آدرس: تهران، میدان ونک، خیابان  
ملاصدرا، خیابان پردیس، کوی  
زاینده رود شرقی، پلاک ۱۶

تلفن: ۸۸۸۸۱۱۶۶ - ۸۸۸۸۰۰۵۵

فکس: ۸۸۸۸۴۵۷۳

ایمیل:

fareirah@yahoo.com

## حامیان خبرنامه کانون

کمیته انتشارات در هر شماره خبرنامه صفحاتی را به معرفی مختصر شرکت های اعضا و زمینه فعالیت آنها اختصاص می دهد. این صفحات فرصتی است تا اعضا علاوه بر معرفی زمینه فعالیت خود به هم دانشکده های ها، از انتشار خبرنامه کانون نیز حمایت کنند.

بدینوسیله از اعضای کانون برای ارسال نام، آرم و زمینه فعالیت خود به دبیر خانه کانون برای انتشار در خبرنامه دعوت می شود.



### شرکت نشرفن

مدیر عامل: مهندس آیدین ختلان

زمینه فعالیت: آموزش،

تحقیقات، خدمات فن آوری

اطلاعات، برگزاری همایش،

کنفرانس و نمایشگاه

آدرس: تهران، میدان فاطمی،

میدان گلها خیابان ۱/۴، پلاک ۱۰۹،

طبقه اول

تلفن: ۸۸۹۷۹۲۵۱-۵

فکس: ۸۸۹۷۱۸۸۷

ایمیل:

info@nashrefan.com



### شرکت کیسون

مشاور عالی: مهندس محمدرضا انصاری  
زمینه فعالیت: مهندسی، تدارک، ساخت،  
مدیریت پروژه و تامین مالی پروژه ها؛ در  
حوزه های نفت و گاز، صنعت، مسکن، سیویل  
و ساختمان، آب و فاضلاب و سیستم های  
حمل و نقل ریلی

آدرس: تهران، شهرک قدس، خیابان ایران

زمین، ساختمان ایران زمین، شماره ۲۲۸۸

تلفن: ۸۸۰۷۲۵۲۱

فکس: ۸۸۰۷۲۵۲۰

ایمیل: md@kayson-ir.com

وب سایت: www.kayson-ir.com



### مهندسان مشاور سانو

مدیر عامل: مهندس بهمن حشمتی

زمینه فعالیت: طراحی و نظارت سازه

ژئوتکنیک، بهسازی

آدرس: خیابان ولیعصر، خیابان شهید

عباسپور (توانیر)

شماره ۱۱

تلفن: ۸۸۷۷۰۱۷۳ (خط ۷)

فکس: ۸۸۷۷۵۵۲۰

www.sano.ir

ایمیل: info@sano.ir



### شرکت عطاردیان

مدیر عامل: مهندس محمدصادق

الماسی

زمینه فعالیت: راه سازی

ساختمان سازی

انتقال آب و فاضلاب

آدرس: تهران، استاد مطهری،

سلیمان خاطر درفش،

پلاک ۸- طبقه ۳

تلفن: ۸۸۸۳۴۱۶۲

فکس: ۸۸۸۲۹۳۱۸

ایمیل:

info@otaredianco.ir



### شرکت تهران بوستن

مدیر عامل: مهندس اسماعیل

مسگرپور طوسی

زمینه فعالیت: خدمات مشاوره ای

شامل مطالعات امکان سنجی،

مطالعات بنیادی توسعه ای، طراحی

اجرای طرح ها و پروژه

(BOO, EP, EPC, ...)

آدرس: تهران، خیابان دکتر بهشتی،

میدان تختی، اول خیابان علی

اکبری، جنب کوچه مهر داد،

پلاک ۱۱۹

تلفن:

۸۸۷۵۶۲۹۲ و ۹۳-۸۸۷۴۷۴۹۹

فکس: ۸۸۷۳۹۴۵۲

ایمیل: info@tbe.ir



### مهندسین مشاور کاوشگران

مدیر عامل: مهندس فرزانه رفیعا

زمینه فعالیت: زمین شناسی،

مهندسی معدن،

صنایع فلزی و غیر فلزی، ژئوتکنیک

آدرس: تهران،

سردار جنگل شمالی، بلوار قدس،

۲۴ متری زیتون، ارجوان ۱، پلاک ۴

تلفن: ۰۲۱-۴۴۸۰۶۰۷۰

(خط ویژه)

فکس: ۰۲۱-۴۴۸۰۸۱۶۶

ایمیل:

kce@kavoshgaran-mine.com



### مهندسین مشاور سیویار

مدیر عامل: دکتر اورنگ فرزانه

زمینه فعالیت: طراحی و نظارت در

پروژه های تونل های راه، راه آهن و

ایستگاه های زیرزمینی مترو

آدرس: تهران، بلوار کشاورز بین

کارگر و جمال زاده

پلاک ۱۱۵، طبقه ۱

تلفن و فکس: ۶۶۵۹۶۸۲۷-۲۸

وب سایت: www.cvr-co.com

ایمیل: info@cvr-co.com



### شرکت مهندسی اردال

ARDAL ENGINEERING CO

مدیر عامل: مهندس محمدحسین فتاپور

زمینه فعالیت: تهیه، نصب و راه اندازی و

آموزش سیستم های اعلام و اطفاء حریق،

پمپ های آتش نشانی، سیستم های

حفاظتی و پوشش های ضد حریق

آدرس: تهران، خ خالدا سلامبولی،

خ پنجم پلاک ۲۳، طبقه همکف

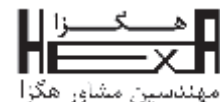
تلفن: ۸۸۷۱۰۸۰۹-۱۰

فکس: ۸۸۷۲۷۱۶۷

ایمیل: ardal@dpimail.net

www.ardalengineering.com

www.ardal.co



### شرکت هگزا

مدیر عامل: مهندس حسین چهر آزاد

سال تاسیس: ۱۳۴۴

زمینه فعالیت: مشاوره، مطالعات، طراحی،

نظارت و مدیریت طرح پروژه های راه و راه

آهن، پل های بزرگ و خاص، سازه های

زیرزمینی، تونل سازی و قطار شهری

آدرس: خیابان سهروردی شمالی،

بالا تر از خیابان مطهری، خیابان زینالی

غربی، خیابان شهید عشوری،

کوچه هشتم، پلاک ۱۳

تلفن: ۸۸۷۴۲۱۷۴-۸۸۵۰۶۳۰۰

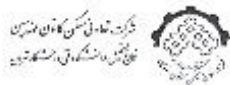
فکس: ۸۸۷۴۴۹۰۰

ایمیل: info@hexa.ir

www.hexa.ir



**مهندسین مشاور آبران**  
مدیر عامل: مهندس علی ربوبی  
خبوشانی  
زمینه فعالیت: تاسیسات شهری،  
آب و فاضلاب  
آدرس: خیابان شیخ بهایی شمالی،  
خیابان کشفیان، پلاک ۴۰  
تلفن: ۳-۴۴۱۰۶۰۸۸۰۶  
فکس: ۴۷۵۰۴۰۸۸۰  
ایمیل: tehran@abran.info  
وب سایت: www.abranco.net



**شرکت تعاونی مسکن کانون**  
**مهندسین فارغ التحصیل**  
**دانشکده فنی دانشگاه تهران**  
مدیر عامل: مهندس فرشید جلیلود  
زمینه فعالیت: احداث مجتمع های  
مسکونی برای اعضای کانون و بستگان ایشان  
آدرس: تهران، خیابان کارگر شمالی،  
شکراالله، پلاک ۱۳۳، خانه کانون  
تلفن: ۲۱ و ۲۰-۳۳۳۲۵۰ (۰۲۶)  
مجتمع مهرشهر  
فکس: ۲۱ و ۲۰-۳۳۳۲۵۰ (۰۲۶)  
ایمیل: tmkanoon@yahoo.com  
سایت اینترنتی: www.tmk-fanni.com



**شرکت دریاخاک پی**  
رئیس هیات مدیره:  
دکتر بهروز گتمیری  
زمینه فعالیت: ژئوتکنیک، طراحی و  
نظارت، سازه، سازه های زیر زمینی،  
گودهای عمیق، ژئوتکنیک و  
سازه های دریایی  
آدرس: تهران، خ ولیعصر، روبروی  
فاطمی کوچه عبده، شماره ۴۶  
تلفن: ۵-۱۰۹۳۰۵۸۸۹۳  
فکس:  
۵-۱۰۹۳۰۵۸۸۹۳ (داخلی ۱۰۵)  
ایمیل: info@daryakhak.com



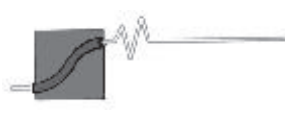
**شرکت بسپار پی ایرانیان**  
مدیر عامل: مهندس روزبه صالح آبادی  
زمینه فعالیت: خدمات طرح و اجرای  
بهسازی خاک، پایدار سازی گود باروشهای  
نیلینگ، انکراژ، شمع، دیوار برلنی، بهسازی  
خاک با تکنولوژی میکرو پایل، بهسازی  
خاک با استفاده از محصولات ژئوسنتتیک  
آدرس: تهران، خیابان شیخ بهایی شمالی،  
بالا تر از تقاطع ملاصدرا، خیابان عرفی  
شیرازی، پلاک ۳۶  
تلفن: ۳-۲۴۲۰۲۸۶۱  
فکس: ۳۷۶۵۲۰۸۸۰  
ایمیل: info@basparpey.com



**شرکت مهندسین مشاور ماهر**  
**و همکاران**  
مدیر عامل: مهندس حسین کوشافر  
زمینه فعالیت: طراحی و نظارت بر  
پروژه های ساختمانی بیمارستانی،  
ورزشی و آموزشی، طرح های ساماندهی  
آدرس: خیابان آفریقا، بلوار شهید ستاری،  
پلاک ۱۱، طبقه ۴  
تلفن: ۸۸۷۸۵۸۲۵ - ۸۸۷۸۸۷۵  
فکس: ۸۸۷۸۸۷۶  
وب سایت:  
www.mahervahamkaran.com  
ایمیل: maher@mahereng.net



**شرکت آب نیرو**  
مدیر عامل: دکتر حسین جلالی  
زمینه فعالیت: سد سازی، شبکه های  
آبیاری زهکشی و نیروگاه های برق آبی  
آدرس: خیابان سپهروری شمالی،  
پائین تر از خیابان شهید بهشتی،  
کوچه سینک، پلاک ۱۸  
تلفن: ۴-۴۷۵۳۰۸۸۷۵  
۱۶-۴۵۷۱۵۸۸۷۴  
فکس: ۳۴۵۸۸۷۵  
ایمیل: abniru.co@gmail.com  
info@abniru.com



**شرکت صنایع کابل کاویان**  
مدیر عامل: مهندس حسین حاجی  
حسینلو  
زمینه فعالیت: تولید کننده انواع  
کابل های مخابراتی و برق  
آدرس: تهران، ولی عصر، بالا تر از  
پارک وی کوچه هستی، پلاک ۱۸  
تلفن: ۵۱۱-۵۱۰-۵۱۰-۲۶۶۹۵  
فکس: ۲۲۰۲۸۴۲۷  
ایمیل:  
info@kermancableind.com



**شرکت صنایع کابل کرمان**  
مدیر عامل: مهندس علیقلی فرداد  
زمینه فعالیت: تولید کننده انواع  
کابل های کواکسیال،  
مخابرات، برق  
آدرس: تهران، ولی عصر، بالا تر از  
پارک وی کوچه هستی، پلاک ۱۸  
تلفن: ۵۱۱-۵۱۰-۵۱۰-۲۶۶۹۵  
فکس: ۲۲۰۲۸۴۲۷  
ایمیل:  
info@kermancableind.com



**شرکت مشاور فربر**  
FARBAR Consulting Engineers  
مدیر عامل: مهندس مهدی محیط کرمانی  
زمینه فعالیت: انجام مطالعات و تهیه طرح و  
نظارت بر اجرای پروژه های راه های فرعی و  
اصلی، بزرگراه ها و آزادراه ها، راه آهن شهری  
و برون شهری، پل های بزرگ و تونل ها و مقاوم  
سازی پلها  
آدرس: تهران، خ سید جمال الدین اسد آبادی  
خ بیستون، نبش خ دهم، پ ۲۳  
تلفن: ۲۱-۸۸۷۰۷۷۲۰  
فکس: ۲۱-۸۸۷۰۷۷۱۴  
ایمیل: info@farbar-eng.com



**شرکت پرلیت**  
مدیر عامل:  
مهندس علیرضا ناصر معدلی  
زمینه فعالیت: آب، حمل و نقل،  
ساختمان، تاسیسات و تجهیزات،  
کاوش های زمینی  
آدرس: تهران، ایران، میدان ونک،  
خیابان برزیل، بن بست نارنج، شماره ۲  
تلفن: ۸۸۷۸۴۷۸۱  
فاکس: ۸۸۷۹۶۴۶۲  
ایمیل: info@perlite-co.com



**شرکت آبفن**  
مدیر عامل: مهندس احمد قزل ایاغ  
زمینه فعالیت: مهندسین مشاور رسته  
آب، سد سازی، شبکه آبیاری، آب  
و فاضلاب و کشاورزی  
آدرس: سیدخندان، ابتدای سپهروردی  
شمالی، کوچه مهاجر، پلاک ۲۵  
تلفن: ۵-۳۰۳-۸۸۵۲۶۹۰  
فکس: ۲۱-۸۸۵۱۱۸۳۹  
ایمیل: infoabfan@gmail.com



**مهندسین مشاور رمپ**  
مدیر عامل: دکتر علی اردکانیان  
زمینه فعالیت: راه، فرودگاه، راه آهن، حمل  
و نقل  
آدرس: خیابان بهشتی شرقی، اندیشه  
اصلی، اندیشه ۵ غربی، پلاک ۹، طبقه ۳  
تلفن: ۸۸۴۱۴۰۳۱، ۸۸۴۱۴۰۳۰  
۸۸۴۴۱۸۸۰  
فکس: ۸۸۴۴۱۸۷۹  
ایمیل:  
ardakanian@yahoo.com



### شرکت نیمرخ

مدیر عامل: مهندس محمدباقر

حدادزاده هندو

زمینه فعالیت:

راهسازی، راه آهن (زیرسازی)،  
سدسازی، پل، تونل، فرودگاه  
آدرس: بلوار میرداماد، خیابان بهزاد  
حصاری پلاک ۶

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۳۴۳ (خط ۱۰)

فکس: ۰۲۱-۲۲۲۲۶۰۴۸

nimrokh\_company@yahoo.com



### شرکت مهندسین مشاور زاویر

مدیر عامل: مهندس محمدرضا مسعودیه  
زمینه فعالیت: خدمات مهندسی مشاور در  
تخصص صنایع، تولید فلزات اساسی  
آدرس: تهران، خیابان ملاصدرا، شماره ۹۶  
تلفن:

۰۲۱-۸۸۰۳۲۰۵۴ و ۸۸۰۴۲۴۱۴

فکس: ۰۲۱-۸۸۰۳۴۸۹۴

info@zavir-consult.com

www.zavir-consult.com

### شرکت فنی و ساختمانی کانیو

سال تاسیس: ۱۳۵۰

مدیر عامل: مهندس منصور حیدری  
زمینه فعالیت: احداث راه، راه آهن،  
فرودگاه، سد، نیروگاه، موج شکن  
...

آدرس: تهران، خیابان پاسداران،  
خیابان نارنجستان هفتم، کوی

نرگس، پلاک ۵ و ۷

کدپستی: ۱۹۵۷۹۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۲۲۸۰۴۷۷-۲۲۲۹۵۲۷۸

فکس: ۲۲۲۹۰۵۲۶

info@canivo.com

www.canivo.com



### شرکت ساختمانی بتن شانتیه

مدیر عامل: مهندس سید محسن

مقدس زاده

زمینه فعالیت: پیمانکار

آدرس: چهارراه مطهری،

سهروردی شمالی، کوچه بیشه، پلاک ۱

تلفن: ۸۸۷۹۸۴۱۶-۸۸۴۰۰۰۹۹

فکس: ۸۸۴۲۰۰۴

ایمیل:

info@betonchantier.com



### شرکت انتشارات فنی ایران

مدیر عامل: مهندس سیدرضا کروی

زمینه فعالیت: انتشارات

آدرس: تهران، خیابان مطهری،

خیابان میرعماد، نبش سفارت

هند، پلاک ۲۴

تلفن: ۸۸۵۰۵۰۵۵

فکس: ۸۸۵۳۲۱۳۶

ایمیل: info@entesharat.com

سایت: www.entesharat.com



### مهندسین مشاور طرح بامداد

مدیر عامل: مهندس مجتبی کتیرائی

زمینه فعالیت:

خدمات مشاوره سازه و معماری

آدرس: یوسف آباد، خیابان جهان آرا،

انتهای خیابان ۵۱، خیابان ۵۳، شماره ۲۰،

واحد اول غربی

تلفن: ۸۸۰۵۸۸۳۰ و ۸۸۰۵۸۸۴۰

فکس: ۸۸۶۱۸۲۶۵

کدپستی: ۱۴۳۶۷۴۴۹۶۱

ایمیل:

tarhebamdad@gmail.com



### شرکت ساختمانی دنار اهساز

مدیر عامل: مهندس محمدابوطالبی

زمینه فعالیت: ساخت بزرگراه، آزادراه،  
فرودگاه، پل، تقاطع غیر همسطح، سد  
سازی، آبیاری، زه کشی، فاضلاب، اجرای  
خطوط لوله نفت و گاز و آب، احداث تونل  
و ساختمان سازی.

آدرس: تهران، میدان آرژانتین، بلوار

بیلهقی، کوچه هشتم شرقی، پلاک ۳

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۵۷۳۶۰

فکس: ۰۲۱-۸۸۷۳۵۰۷۹

ایمیل: info@denarahsaz.com

www.denarahsaz.com



### شرکت ساختمانی فیلده

مدیر عامل:

مهندس پیروز کاموری مقدم

زمینه فعالیت: ساختمان سازی،

راه سازی

آدرس: سهروردی شمالی،

خیابان ابن یمن، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۷۴۱۹۸۷ و ۸۸۷۳۵۲۰۵

فکس: ۸۸۷۶۴۳۸۸

ایمیل: p.kamvari@chmail.ir



### شرکت ساختمانی ویسا

مدیر عامل: مهندس محمد تقی مرادی

زمینه فعالیت: پیمانکار راه و ساختمان

زیرسازی راه آهن، پل، تونل، گالری

آدرس: تهران، یوسف آباد،

خیابان ۲۴، پلاک ۱۱

تلفن: ۸۸۷۰۵۱۹۸-۸۸۷۲۰۳۶۰

۸۸۷۰۵۱۹۳

فکس: ۸۸۷۲۵۰۰۷

ایمیل: info@waysa.net



### شرکت پیروز آراد

مدیر عامل: مهندس پرویز ونداد

زمینه فعالیت: طراحی، تهیه، ساخت،

حمل و نصب تجهیزات هیدرومکانیکی

سد ها و شبکه های آبیاری، انواع

شیر ها و تجهیزات صنعتی

آدرس: تهران، شیخ بهایی شمالی،

بن بست ولیعصر، پلاک ۲، طبقه ۲،

واحد ۴

تلفکس: ۸۸۰۶۳۴۷۷-۸۸۰۴۶۴۸۴

۸۸۶۰۲۱۲۷

piroozarad@yahoo.com



مدیر عامل: دکتر کامبیز بهنیا

سال تأسیس ۱۳۵۴

زمینه فعالیت: مشاوره، مطالعات و طراحی

بناهای خاک مسلح، ابنیه نگهبان،

پایدار سازی گود برداری ها، بهسازی زمین،

پروژه های راه و راه آهن

آدرس: تهران، خیابان جمالزاده شمالی،

خیابان غلامرضا طوسی، شماره ۳

تلفن: ۶۶۹۴۳۲۴۹ و ۵۰

فکس: ۶۶۴۳۱۱۷۶

www.khakemosalah.ir

info@khakemosalah.ir



### شرکت مهندسان مشاور دریابندر

مدیر عامل: مهندس مرتضی بنی جمالی

زمینه فعالیت: مطالعات توجیه فنی و

اقتصادی، طراحی، مدیریت بر اجرای

بنادر، سازه های دریایی و مجتمع های

صنایع دریایی

آدرس: تهران، پاسداران، میدان هروی،

خیابان موسوی، خیابان شهید ضابطی،

پلاک ۹

تلفن: ۲۲۵۱۶۸۵۴ و ۲۲۵۱۶۸۳۴

فکس: ۲۲۵۱۶۰۶۳

ایمیل: info@daryabandar.com



### شرکت ارجان پی

مدیر عامل: مهندس آرش روغنی  
زمینه فعالیت:  
اجرای دیوار آب بند، شمع درجا، نیلینگ، میکروپایل و پرده آب بند  
آدرس: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، بین شهر آرا و پاتریس لومومبا، شماره ۳۴  
تلفن: ۸۸۲۸۵۲۸۵  
فکس: ۸۸۲۶۵۷۶۴  
www.arjanpay.com



### شرکت آسفالت طوس

مدیر عامل: مهندس علی ناظران  
زمینه فعالیت: اجرای امور پیمانی و طرح های EPC در پروژه های صنعتی، گاز و پتروشیمی، پروژه های صنعتی، معدنی، عمرانی و فرودگاهی  
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از پارک ساعی، شماره ۲۲۵ (ساختمان ایرانیان)  
تلفن: ۸۸۶۷۲۶۳۶  
فکس: ۸۸۸۸۶۴۱۵  
info@asfalt-tous.com  
www.asfalt-tous.com



### شرکت آب وانرژی

عضو انجمن صنفی شرکت های پیمانکار تاسیسات و تجهیزات صنعتی ایران، سال تاسیس ۱۳۶۴  
مدیر عامل: مهندس محمدرضا محمدآبادی کمره ای  
زمینه فعالیت: طراحی، اجرا و نگهداری و تعمیرات تاسیسات و تجهیزات صنعتی و خطوط لوله و ایستگاه های آبرسانی و گاز  
آدرس: تهران، خیابان سپهدقونی، جنب بیمارستان آپادانا، پلاک ۱۲۵ واحد ۱  
تلفن: ۸۸۸۲۷۶۳۴  
فکس: ۸۸۴۹۱۱۶۵



### شرکت پارس آداک

مدیر عامل: مهندس کامبوزیا پزشک نجفی  
زمینه فعالیت: مهندسی و اجرای پروژه های تولید، انتقال و توزیع نیروی برق  
آدرس: تهران، خیابان توانیر، خیابان نظامی گنجوی، شماره ۳۹  
تلفن: ۰۲۱۸۸۷۷۲۳۷۹  
فکس: ۰۲۱۸۸۷۷۱۹۴۱  
ایمیل: pars.adak@hotmail.com



### شرکت خمیر مایه والکل رازی (سهامی عام)

مدیر عامل: مهندس علی احتشامی  
زمینه فعالیت:  
بزرگترین تولید کننده خمیر مایه خشک فوری (تاب مایه) در بسته بندی های کیسه ای و و کیوم و ساشه. بزرگترین تولید کننده اتانول طبی ۹۶ درصد والکل صنعتی (بصورت فله و بشکه)  
آدرس دفتر مرکزی: تهران، میدان ونک، خیابان بزرگیل شرقی، بن بست لاله، پلاک ۴، طبقه اول  
تلفن: ۸۸۷۸۲۷۶۳ / ۸۸۶۷۶۷۲۳  
aftehteshami@yahoo.com  
سایت: www.ya-razi.org



### شرکت میشوداگی

مدیر عامل: مهندس احمدعلی پیروزفرد  
زمینه فعالیت: پیمانکاری مجری خطوط انتقال نفت و گاز و آب و اجرای کلیه کارهای ساختمانی، تأسیساتی، مجتمع های مسکونی، آبرسانی و فاضلاب و راهسازی  
آدرس: تهران، خیابان ولی عصر، ابتدای خیابان مطهری، خیابان منصور، پلاک ۲۲، طبقه دوم  
تلفن: ۸۸۷۰۰۹۹۷-۸  
فکس: ۸۸۷۲۳۳۷۸  
ایمیل: mishodaghi@yahoo.com



### شرکت زلال ایران

مدیر عامل: مهندس امیر منصور عطایی  
سال تاسیس ۱۳۶۳  
زمینه فعالیت:  
تصفیه آب و فاضلاب شهری و صنعتی؛ یوتیلیتی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی  
آدرس: تهران، خیابان شریعتی، خیابان منتظری نژاد، پلاک ۴۲ کد پستی ۱۹۶۸۸۱۴۴۵۱  
تلفن: ۲۷۱۹۰۰۰۰  
فکس: ۲۲۸۴۴۶۱۱  
www.zolaliran.com



### شرکت اینترلاک

مدیر عامل: مهندس محمد شریف زاده بوشهری  
زمینه فعالیت:  
طراحی، تهیه، ساخت و نصب خطوط رنگ قطعات پلاستیکی و فلزی طراحی، ساخت ماشین آلات پوشش خطوط لوله آب و نفت و گاز و تجهیزات صنعتی  
آدرس: خیابان سهروردی شمالی، خیابان خلیل حسینی، کوچه مریم، پلاک ۳، واحد ۳  
تلفن: ۸۸۵۳۰۶۹۹-۷۰۴  
info@interlock.ir  
www.interlock.ir



Dr. Mohammad Reza Goudarzi  
General Manager  
PTC Consulting Engineering Company, Inc.



Baz. Adr. Ave. Pahlavi II, Apartment 100  
E-mail: goudarzi.mr@gmail.com  
mrz.1950@yahoo.com  
rige.inc.co@gmail.com  
Tel: +240-222-762645



مدیر عامل: مهندس علاءالدین سادات باریکانی  
زمینه فعالیت: طرح و اجرای پروژه های سازه های آبی، احداث اسکله، موج شکن، تأسیسات ساحلی، تأسیسات الکترومکانیکال، ابزار دقیق، ابنیه و حمل و نقل  
آدرس: تهران، خیابان آفریقا، بسمت شمال، بعد از پل همت، نبش بن بست زاگرس، پلاک ۱۱ واحد ۷  
تلفن: ۸۸۷۸۴۰۳۵ / ۸۸۸۸۶۶۴۸  
ایمیل: Info@parstehno.ir  
سایت: www.parstehno.ir



### شرکت سامان پی

مدیر عامل: دکتر حمیدرضا الهی  
زمینه فعالیت: پایدار سازی گودها به روش نیلینگ و انکراژ، بهسازی خاک و تحکیم پی ساختمان ها با روش های میکروپایل، ستون شنی، تراکم ارتعاشی و تزریق  
آدرس: تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید کلاهدوز (دولت)، نبش خیابان معتقد، بن بست بامداد، پلاک ۲، طبقه ۵.  
تلفن: ۲۲۰۰۲۴۲۰  
فکس: ۲۲۶۰۲۷۳۰  
ایمیل: info@samanpey.com  
سایت: www.samanpey.com



### شرکت آرمان مانگ

نام مدیر عامل: مهندس قاسم رحمانی  
زمینه فعالیت: طراحی، تهیه، ساخت و نصب آسانسورهای مجتمع های مسکونی، بیمارستان ها و ساختمان های عمومی، آسانسورهای خاص با درجه حفاظتی بالا برای کار خنجات سیمان، آسانسورهای ضد انفجار برای پالایشگاه ها و مراکز پتروشیمی، پله برقی برای فضاهای باز و بسته و پیاده روهای متحرک  
آدرس: تهران، کارگر شمالی، پایین تر از چهارراه فاطمی، کوچه هما، پلاک ۴، طبقه ۶، واحد ۱۸  
تلفن: ۶۶۵۷۶۲۶۰-۳  
فکس: ۶۶۴۳۰۲۹۲  
ایمیل: info@armanmang.com  
سایت: www.armanmang.com

## «» گزارش ویژه

۱۶ آذر به واسطه اعتراض دانشجویان روز ماندگاری در تاریخ ایران شده است. این اعتراضات شهادت ۳ دانشجوی دانشکده فنی، بزرگ‌نیا، شریعت‌رضوی و قندچی را در پی داشت که بعدها با عنوان سه آذر اهورایی معروف شدند. کمیته انتشارات، گزارش ویژه خود را در این شماره به بازخوانی واقعه ۱۶ آذر اختصاص داده است. در این بخش نوشتاری از مهندس احتشامی، خاطرات دکتر مهاجر و روایت این واقعه از دیدگاه اسناد و مدارک و گزارش روزنامه‌ها آمده است. از آنجا که این واقعه از دید هر یک از حاضران در آن به شکلی گزارش شده است و کمیته انتشارات در فرصت محدود به تعداد کمی از دانشجویان آن دوره دسترسی داشت، امیدوار است در شماره‌های آتی، اعضا و خوانندگان دیگری که در ماجرا حضور داشته‌اند، خاطرات و مشاهدات خود را برای انتشار در خبرنامه در اختیار کمیته انتشارات بگذارند.



مصطفی بزرگ‌نیا



مهدی (آذر) شریعت‌رضوی



احمد قندچی





# در شانزدهم آذر ۱۳۳۲ چه گذشت

منوچهر احتشامی

(راه و ساختمان ۳۷)

پیشگفتار به قلم دکتر خسرو کریم پناهی

(۱) - از رویداد شانزدهم آذر بیش از ۵۸ سال می‌گذرد و در همه این سال‌ها برای یادبود آن، به عنوان نماد آزادی دانشگاه و دانشجو، مراسمی برگزار می‌شود. در ۵۷ سال گذشته، که اینجانب به ترتیبی، چه به صورت دانشجو، چه به صورت معلم، به دانشکده فنی وابسته بوده‌ام، داستان‌های گوناگون که بیشتر همراه مقاصد سیاسی و عقیدتی، از هر دو سوی دامنه فکری، درباره این رویداد شنیده می‌شد. به ویژه حزب توده در ایجاد شایعات مختلف بسیار فعال بود و آن را برای اعتراض به مسافرت نیکسون اعلام می‌کرد. به دلیل تناقضات در این گفته‌ها تا کنون اصل این رویداد، که از دید تاریخ سیاسی-اجتماعی معاصر ایران اهمیت بسیار پیدا کرده است، برای جامعه ایران مبهم مانده است. خاطرات شخصی جناب آقای مهندس منوچهر احتشامی همراه پژوهش‌های چندین ماهه اخیر ایشان که خود در آن زمان دانشجوی فعال سیاسی و پس از آن عضو هیات مدیره کانون مهندسين بوده‌اند، پایه نوشته با اهمیت ایشان است که به گونه دقیق روشنگر این رویداد است و به طور یقین در تاریخ باقی خواهد ماند و راهنمای تاریخ‌نویسان خواهد بود. یادآور می‌شود که با توجه به داستان‌سرای‌های بسیار در گذشته، نوشتن این خاطرات تنها با شهامت و ویژه جناب آقای مهندس منوچهر احتشامی امکان پذیر بوده است.

## در شانزدهم آذر ۱۳۳۲ چه گذشت

در مورد روز شانزدهم آذر ماه ۱۳۳۲ مقالات مفصل و اظهار نظرهای گوناگون انجام گرفته است. چه از آنهایی که در جریان امر بوده‌اند، مثل دکتر چمران و دکتر علی‌اکبر سیاسی رییس وقت دانشگاه و چه از آنانی که اهل تحقیق و تفحص بوده‌اند، مانند غلامرضا نجاتی و محمد ترکمان. در همه این نوشتارها و گفتارها مقداری از حقیقت وجود دارد، اما نه همه آن. بیشتر مقاله‌ها برای منظورهای سیاسی و ایدئولوژیک نوشته شده‌اند، حتی مقاله‌های به زبان‌های خارجی. در برخی از این مقاله‌ها ۱۶ آذر را به علت تظاهرات علیه مسافرت ریچارد نیکسون معاون وقت رییس جمهور آمریکا یا بازگشت دنیس رایت سفیر انگلستان نشان داده‌اند. کوشش نگارنده که در آن زمان دانشجوی دانشکده فنی بودم، آنست که وقایع را آن طور که اتفاق افتاده است، بیان کنم.



برای بررسی بهتر باید اندکی به عقب برگشت. در آن سال ریاست دانشکده با زنده یاد مهندس عبدالحسین خلیلی بود و معاونت دانشکده را زنده یاد دکتر عابدی عهده‌دار بود. مهندس خلیلی مردی ملی و بسیار شریف و استادی توانا بود. دکتر عابدی چون در آلمان درس خوانده بود با دکتر کیانوری و اعضای کمیته مرکزی حزب توده در سال‌های اول تأسیس حزب همکاری داشت، ولی با گروه خلیل ملکی از حزب انشعاب نموده و به صف ملیون پیوسته بود.

مهندس خلیلی مردی شجاع و در مقابل حکومت نظامی تیمسار بختیار به سختی مقاومت می‌کرد. نگارنده روزی در دفتر کار او بودم نامه‌ای دیدم که سربرگ فرمانداری نظامی تهران را داشت. از موقعیت تلفن رییس استفاده نموده و به قول معروف سرک کشیدم. نوشته بود "دانشکده فنی، قدغن نمایید

دانشجو کنستانتین آبکاریان در آن دانشکده دیگر به تحصیل ادامه ندهد و اخراج گردد. امضا: فرماندار نظامی تهران سرتیپ تیمور بختیار." مهندس خلیلی در هاشم آن نامه، نه در نامه‌ای جداگانه، نوشته بود "فرمانداری نظامی تهران، دانشکده فنی بدین گونه نامه نمی‌تواند جواب بدهد. عینا عودت داده می‌شود." در آن زمان دل شیر می‌خواست در جواب فرماندار نظامی، آن هم تیمسار بختیار، چنین جواب دندان شکنی داد. دانشجویان که بعد از تعطیلات تابستانی در مهر ماه ۳۲ به دانشگاه بازگشتند دیگر آن فضای فروردین و اردیبهشت را نمی‌دیدند. در آن ماه‌های پیش با آزادی‌هایی که دولت جمع شده و مسایل سیاسی و اجتماعی روز را مورد بحث قرار می‌دادند. توده‌ای‌ها یک طرف و ملیون و ملی مذهبی‌ها طرف دیگر، در حال بحث بودند. بحث‌های سیاسی بیشتر بین نیروی سومی‌ها و توده‌ای‌ها، بحث‌های دینی و اجتماعی با ملی مذهبی‌ها و بحث‌های فلسفی با بخشی از



مردم ایران که به آنها سوسیالیست‌های خدا پرست هم می‌گفتند، بود. توده‌ای‌ها بیشتر وقت‌ها کم می‌آوردند. مثلاً ملیون می‌گفتند صنعت نفت باید در سراسر ایران ملی شود. توده‌ای‌ها می‌گفتند، فقط باید صنعت نفت جنوب ملی شود. ملیون می‌گفتند چرا فقط نفت جنوب؟ توده‌ای‌ها می‌گفتند چون صنعت نفت فقط در جنوب است. ملیون فریاد بر می‌آوردند اگر نفت در شمال پیدا شد، باید مال روس‌ها باشد. توده‌ای‌ها جوابی نداشتند.

اما... در مهرماه فضای دانشگاه را یک دیوار سربی سرد فرا گرفته بود. دانشگاه در سوگ سقوط دولت مصدق فرو رفته بود. افسردگی و سکوت صحن دانشگاه را فرا گرفته بود. به قول اخوان ثالث در شعر معروفش "زمستان" می‌گوید.  
سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت  
سرها در گریبان است  
کسی سر بر نیارد کرد

پاسخ گفتن و دیدار یاران را  
نگه جز پیش پا را دید نتواند  
که ره تاریک و لغزان است  
و گر دست محبت سوی کس یازی  
به اکراه آورد دست از بغل بیرون  
که سرما سخت سوزان است

دانشجویان از کنار هم رد می‌شدند اما به چشم‌های هم نگاه نمی‌کردند، مثل اینکه از هم خجالت می‌کشیدند و خود را مقصر می‌دانستند. اضطراب از چشم‌ها پیدا بود، اما کسی حرفی نمی‌زد. دولت زاهدی فشار را بر بازاریان متمرکز کرده و قسمتی از سقف بازار تخریب شده و بخشی از اموالشان به تاراج رفته بود. سران ملیون همه در زندان بودند. سران توده‌ای‌ها، آنها که گیر افتاده بودند، در زندان فلک‌الافلاک بسر می‌بردند. از قضا زنده‌یاد خلیل ملکی و محمود ژندی، مدیر روزنامه "به سوی آینده" را که ارگان توده‌ای‌ها بود، در یک سلول جای داده بودند. ناظرزاده

کرمانی، شاعری خوش ذوق، گفته بود:  
ژندی تو نگر گردش دور فلکی را  
آورده کنار تو خلیل ملکی را

مهر و آبان در آرامش نسبی گذشت. ملیون و توده‌ای‌ها مرتب اعلامیه و شب‌نامه چاپ می‌کردند و دانشجویان صبح که می‌آمدند، گنج‌هایشان پر از اعلامیه بود. روزنامه "راه مصدق و مردم" هم چاپ می‌شد و به انجای مختلف به دانشگاه می‌رسید. فشار فرمانداری نظامی و رکن دو هر روز بیشتر می‌شد و آنها مسلط‌تر بر اوضاع می‌شدند. در نزدیکی در ورودی دانشگاه اطاقکی چوبی ساخته بودند که دانشجویان مظنون را در آنجا بازرسی بدنی می‌کردند. دانشجویان هم اعلامیه‌ها را به وسیله دختران دانشجو به داخل دانشگاه می‌رساندند. داستان شانزدهم آذر ماه را باید در چهاردهم و پانزدهم آذر جستجو کرد. معمولاً کلاس‌های دانشکده فنی در ساعت هشت صبح شروع شده





رسید. در همان شب کمیسیون در فرمانداری نظامی تشکیل می‌شود و سرهنگی که در آن جلسه حضور داشت برای یکی از دانشجویان بعداً تعریف کرده بود که در آن جلسه سرهنگی اصفهانی گفته بود، باید از این فنی هانسق گرفت تا شعار دادن را فراموش کنند. اگر اول کار کوتاه بیاییم دیگر حریف این جوانان نمی‌شویم. این است که فردا باید از هر مستمسکی استفاده کنیم تا دیگر از دانشگاه صدایی برنخیزد. قرار می‌شود حدود پانزده، بیست نفر از درجه‌داران دوره دیده و جانباز را انتخاب نموده و با اجازه تیراندازی، فردا آنها را به دانشگاه بفرستند.

صبح روز شانزدهم آذر که ما به دانشگاه رفتیم مشاهده شد که درجه‌داران ارتشی برخی با مسلسل و برخی با تفنگ‌های خودکار و قیافه‌های عبوس و درهم‌رفته، به دانشجویان به خصوص فنی‌ها می‌نگرند. کارت‌های فنی را مدتی در دست گرفته و می‌خواهند قیافه آنها را به خاطر بسپارند. دستور این بود که با یاد از هر صدایی جلوگیری شود. نه کاری به آمدن نیکسون داشتند نه باز شدن سفارت انگلیس. کارشان این بود که از تظاهرات دانشجویان جلوگیری شود؛ به هر طریق ممکن و به هر بهانه که باشد. بین دانشجویان نیز هیچ بحثی درباره آمدن نیکسون یا باز شدن سفارت انگلیس نمی‌شد. زنگ دانشکده طبق معمول ساعت هشت به صدا درآمد و دانشجویان به کلاس‌های خود رفتند. ساعت نه و نیم زنگ تفریح بود و دانشجویان در سراسر بزرگ دانشکده و کتابخانه به کارهای جاری خود مشغول بودند. دانشجویان توده‌ای به میلیون تبریک می‌گفتند که شعارهای دیروز عجب با حال بود.

سراسر بزرگ دانشکده از شمال و جنوب به دو راهرو ختم می‌شود که کلاس‌ها معمولاً در طرف شرق راهروها قرار گرفته و مشرف به خیابان شمالی جنوبی دانشگاه است تا نور کافی داشته باشد. سال اول عمومی در راهروی شمالی و سال دوم راه و ساختمان در راهروی جنوبی قرار گرفته و درس‌های عمومی سال دومی‌ها معمولاً در کلاس سال دوم راه و ساختمان که کلاس بزرگتری است تشکیل می‌شد.

در زمان تفریح دو نفر دانشجوی رشته معدن که نام آنها محافظ و بابازاده بود، به اتفاق یکی از مستخدمین (مظفری) در کلاس دوم عمومی بودند. این مستخدم قدی نسبتاً کوتاه با موهای مجعد و آبله‌رو و سیاه‌چرده بود و قیافه‌ای داشت که با یک بار دیدن چهره او در خاطر می‌ماند. آنها از پنجره می‌بینند که درجه‌داران ارتشی یک دانشجوی فنی را با کتک و ته‌تفنگ به سمت در بزرگ می‌برند. این دانشجو بلندبالا با دانشجوی

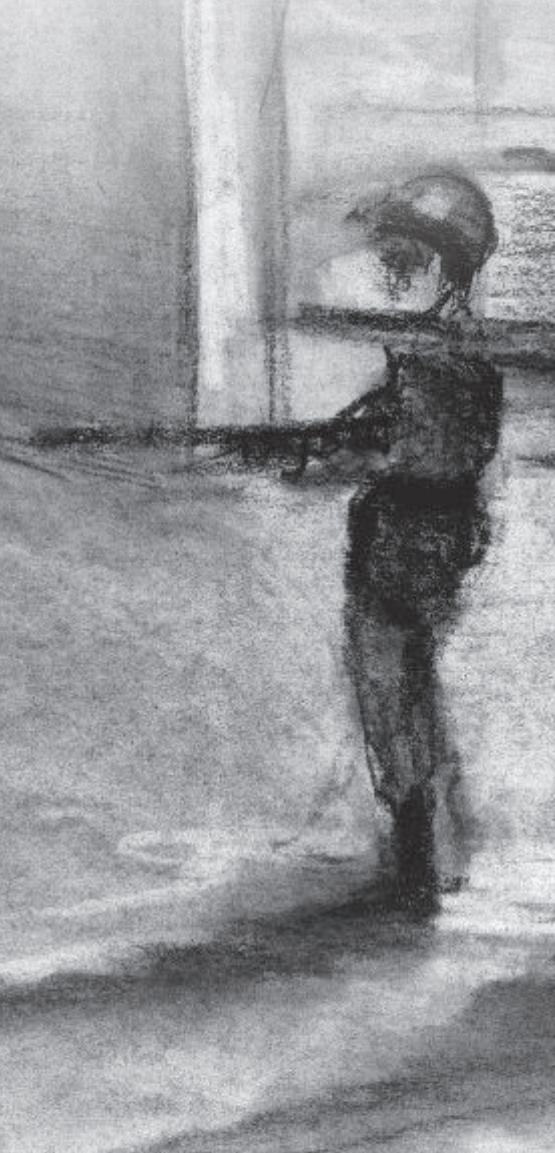
دانشکده فنی کلاس‌های خود را تشکیل می‌دهد و در اعتصاب توده‌ای شرکت نمی‌کند. بحث بالا گرفت. بین دانشجویان پان ایرانیست و توده‌ای‌ها برخورد فیزیکی هم صورت پذیرفت. در این برخوردها مشیت محکمی به بینی آن سردمدار خورد.

ما دانشجویان پزشکی را به حال خود رها کرده و به دانشکده فنی آمدیم. آخرهای زنگ تفریح بود که بقیه دانشجویان ملی دور ما را گرفتند و مرتباً سوال می‌کردند نزدیک در بزرگ چه خبر بود؟ حدود چهل، پنجاه نفری شدیم. یکباره به صورت خودجوش یکی از دانشجویان ملی فنی اسماعیل حاج‌قاسمعلی وابسته به نیروی سوم که قدی بلند و سر و ابرویی پر مو داشت، فریاد برآورد "مصدق پیروز است." بقیه دانشجویان با او همصدا شدند و فریاد برآوردند "مصدق پیروز است." تعداد دانشجویان ملی زیاد و زیادتر شد و فریادها بلند و بلندتر. دانشجویان ملی دانشکده پزشکی که فریادهای فنی‌ها را شنیدند، با ما همصدا شدند. فریاد مصدق پیروز است، صحن دانشگاه را فرا گرفت. دانشجویان ملی حقوق هم به کمک آمدند. فریادها به در بزرگ دانشگاه رسید. آن روز انتظامات دانشگاه، با افسران و درجه‌داران شهربانی بود. درجه‌داران در صف‌های چهار نفری بدون اسلحه به صورت قدم دو، به سمت دانشکده فنی که اجتماع اصلی نزدیک در بزرگ آن بود، به حرکت درآمدند و افسران شهربانی که اکثراً جوان و تا درجه سروانی بودند، در پی درجه‌داران به سمت دانشکده فنی آمدند.

دانشجویان که صف درجه‌داران شهربانی و افسران را دیدند، متفرق شده و هریک خود را به کاری مشغول کردند، تو گویی که هیچ اتفاقی نیافتاده است. افسران شهربانی به داخل دانشکده آمدند و با احترام با دانشجویان برخورد کرده و از هر کس می‌پرسیدند، چه خبر بود؟ جواب دانشجویان این بود که "جناب سروان از چه صحبت می‌فرمایید؟ ما که صدایی نشنیدیم." افسران دیدند که هیچ سند و مدرکی ندارند و دانشجویان هم نم‌پس نمی‌دهند.

در همین زمان زنگ تفریح هم تمام شد و افسران دیدند که دانشجویان آرام و بی‌سروصدا به کلاس‌های خود رفتند. افسران و درجه‌داران با تحقیقات از مستخدمین و آشنایان خود دریافتند که شعاردهنده اصلی دانشجویی بلندقد و سبزه‌رو بوده است. ولی نام و نشان او را نتوانستند پیدا کنند. ولی دانستند که دانشجوی سال اول بوده است. آنها دانشکده را ترک کردند و گزارشات خود را به مقامات بالا دادند و گویا مرکز فتنه را دانشکده فنی اعلام داشتند. گزارش به فرمانداری نظامی و رکن دو

و تا ساعت نه و نیم طول می‌کشید و نه و نیم تا ده زنگ تفریح بود. در این نیم ساعت تفریح دانشجویان از طریق در بزرگ دانشگاه به خیابان شاهرضا می‌آمدند، صبحانه می‌خوردند یا کم و کسری لوازم تحصیلی خود را فراهم می‌کردند. من در ساعت تفریح روز پانزدهم به در بزرگ دانشگاه رفته بودم که دیدم بیست، سی نفری دانشجویان دانشکده پزشکی که اکثراً توده‌ای بودند، به سردمداری دانشجویی کوتاه قد و نسبتاً فربه که به توده‌ای بودن شهرت داشت و من او را از دبیرستان البرز می‌شناختم و به او شیخ می‌گفتم، مشغول تظاهرات بودند. (از عجایب روزگار این که این دانشجوی در زمان حکومت هویدا وزیر شد.) او دانشجویان را به اعتصاب دعوت می‌کرد. چون من و سایر دانشجویان ملی و نیز ملی‌مذهبی‌ها، دانستیم که توده‌ای‌ها می‌خواهند دانشگاه را به اعتصاب بکشانند با دانشجویان توده‌ای برخورد کرده و فریاد زدیم





از دانشجویان سال دوم ساختمان به طبقه‌های بالا رفته و کلاس‌ها را تعطیل کرده بودند و دانشجویان این کلاس‌ها از پله‌های اصلی به سرسرا سر می‌شوند. دانشجویان کلاس دکتر افشار هم با همهمه و داد و فریاد از کلاس بیرون آمده و از راهروی شمالی به سرسرا می‌ریزند و در سطح سرسرا پخش می‌شوند. در سرسرا هنوز چند درجه‌دار با تفنگ بودند. در این میان ناگهان دانشجویی از کلاس دکتر افشار به نام امیر که پشت یک ستون ایستاده بود، هیجان زده فریاد برآورد "پای قزاق از محیط دانشگاه کوتاه." دانشجویانی که هنوز تعدادی از آنها در سرسرا و راهروها بودند به صورت خودجوش شعار امیر را تکرار کردند.

درجه‌دار که با گروه بسیاری دانشجویان مواجه می‌شوند وحشتزده تفنگ‌های خود را به سوی دانشجویان گرفته و یک زانوی خود را به زمین نهاده و به هوا و دیوار و به دانشجویان شلیک می‌کنند. با آن نوع تیراندازی این گمان بود که خیلی از دانشجویان کشته شده باشند. ولی ۳ نفر در کف سرسرا افتاده بودند. یک نفر در قسمت جنوب شرقی سرسرا افتاده بود (مصطفی قندچی). در آنجا رادیاتور قرار داشت و یک تیر به رادیاتور خورده و آن را سوراخ کرده بود. آب گرم رادیاتور به خون دانشجوی شهید ممزوج شده و کف سرسرا را گلگون کرده بود. لازم است گفته شود که در میان دانشجویان شماری دانشجوی افسری با لباس نظامی بودند که درجه آنها تا سروانی می‌رسید که مافوق درجه‌داران بودند و احتمالاً درجه‌داران مواظب بودند تیر به آنها نخورد. آنها به دانشجویان می‌گفتند، بر روی زمین بخوابید تا کمتر آسیب‌پذیر شوید.

ما که از اتاق رییس بیرون آمده و می‌خواستیم از طبقه دوم وارد سرسرا شویم، دیدیم که به واقع صحنه جنگ است. تیراندازی به صورت زیاد انجام

قدبلند روز پیش که شعار داده بود، اشتباه شده بود. در حالی که او از یک خانواده ارتشی بود و سیاسی نبود. توضیح آنکه نظامیان و ماموران امنیتی می‌فهمند که مسبب شعارهای دیروزی طبق گزارش دانشجوی سال اول بوده است. در زمان تفریح به اطراف کلاس سال اول می‌روند و با مشخصاتی که داشته‌اند یک دانشجوی بلندقد سبزه بی‌گناه را می‌گیرند و کشان کشان و با ته‌تفنگ به طرف در بزرگ دانشگاه می‌برند. در زنگ تفریح دانشجویان معدن و مستخدم از دیدن چنین وضعی ناراحت شده و از پشت پنجره بنای داد و فریاد را نهاده و به این عمل خشونت‌آمیز درجه‌داران اعتراض می‌کنند. درجه‌داران محل پنجره و قیافه مستخدم را به خاطر می‌سپارند.

در این زمان زنگ تفریح تمام شده و ما و سایر دانشجویان بیخبر از همه جا به کلاس دوم ساختمان رفتیم که همان کلاسی بود که از پنجره‌اش دانشجویان با درجه‌داران درگیری لفظی پیدا کرده بودند. درس نقشه‌برداری بود و استاد زنده‌یاد شمس‌الملک آرا درس خود را شروع کرده و هیچ کس خبر نداشت که در دقایقی پیش در پشت پنجره این کلاس چه گذشته است. ناگهان ما دیدیم مظفری مستخدم بخت‌برگشته نالان و مضطرب به نزد مهندس شمس‌الملک آمد و آهسته که البته ما که در صف اول یا دوم نشسته بودیم، هم می‌شنیدیم، به استاد گفت سربازان می‌خواهند به کلاس بیایند. مهندس شمس گفت بگذارید درس تمام شود. لحظه‌ای نگذشته بود که در کلاس به شدت باز شد و سه تا چهار درجه‌دار با تفنگ خود کار به داخل کلاس هجوم آوردند. دو نفرشان پریدند روی نیمکت و تفنگ‌ها را به روی ما گرفتند و یک نفر هم رفت بالای سر استاد. مهندس شمس گفت بروید افسران را بیاورید. درجه‌داری فریاد برآورد که ما خود افسریم و اجازه همه کار را داریم و استاد را با فشار و بی‌ادبی بر روی صندلی خود نشاند و تفنگ خود را بالای سر او گرفت. نفس از هیچکس در نمی‌آمد. به واقع آدمی صدای قلب خود

**صبح روز شانزدهم آذر درجه‌داران ارتشی برخی با مسلسل و برخی با تفنگ‌های خود کار با قیافه‌های عبوس، به دانشجویان به خصوص فنی‌ها می‌نگریستند. دستور این بود که باید از هر صدایی جلوگیری شود. کارشان این بود که از تظاهرات دانشجویان جلوگیری شود. بین دانشجویان نیز هیچ بحثی درباره آمدن نیکسون یا باز شدن سفارت انگلیس نمی‌شد.**

را می‌شنید. درجه‌دار چهارمی گردن مظفری مستخدم را گرفته و او را روی زمین می‌کشید. فریاد زنان از او پرسید کی بودند آن دو دانشجوی؟ هر کسی فکر می‌کرد به دنبال او آمده‌اند، به خصوص ما که دیروز شعار داده و صبح زود اعلامیه پخش کرده بودیم. مستخدم از ترس جان با دست خود یک طرف را نشان داد. درجه‌دار فریاد زد بلند شوید. چندین نفر که در شعاع دست مستخدم بودند برخاستند و مستخدم از بین آنها دو نفر را که پشت پنجره بودند، مشخص کرد. سربازان به جان آنها افتادند و شروع به کتک زدن آنها کرده و کشان کشان آنها را از کلاس بیرون بردند.

سربازان که رفتند ما نفسی به راحتی کشیدیم. یکی از دانشجویان ملی فریاد برآورد: "جناب استاد ما چون فرزندان شما هستیم، ما ما در کلاس باید این چنین رفتار شود." مهندس شمس هم که کاملاً برافروخته بود، گفت کلاس را تعطیل می‌کنیم و نزد رییس برویم. برخی جوشان و خروشان از پله‌های آخر راهروی جنوبی به اتاق مهندس خلیلی که در طبقه دوم قرار داشت رفتیم. در اتاق رییس هر کس می‌خواست دیده‌های خود را تعریف کند. بالاخره آقای مهندس خلیلی گفت، آقای مهندس شمس شما بفرمایید. در اتاق رییس مهندس اصفیا استاد معدن (در آینده رییس سازمان برنامه و معاون نخست وزیر شد)، دکتر عابدی معاون دانشکده، ژرژ کتابدار دانشکده و نظیفی سرمستخدم دانشکده حضور داشتند. مهندس شمس آنچه اتفاق افتاده بود را توضیح داد. مهندس خلیلی فریاد برآورد: "این که نشد. دانشکده. اینجا سرباز خانه شده است. آقای نظیفی برو زنگ دانشکده را بزن. ما دانشکده را تعطیل می‌کنیم تا آنها بفهمند با کی طرف هستند." ساعت تقریباً یازده بود. معمولاً زنگ دانشکده ساعت یازده و نیم زده می‌شد. سایر استادان و دانشجویان مات و متحیر که چرا زنگ ساعت یازده زده می‌شود. نه از ماجرای سال دوم ساختمان خبر داشتند نه از آنچه در اتاق رییس اتفاق افتاده بود.

توضیح آنکه در همین زمان برخی از دانشجویان سال دوم ساختمان که این حادثه در کلاس آنها اتفاق افتاده بود، به کلاس اول رفته و یکی از آنها به اتفاق توپچی مستخدم در کلاس را باز کرده و از استاد کلاس، آقای دکتر افشار، می‌خواهند که به علت وضع اضطراری اجازه فرمایید، کلاس تعطیل شود. دکتر افشار به دانشجویان می‌گوید: "بفرمایید بنشینید به نفعتان است." او به نوشتن روی تخته سیاه ادامه می‌دهد. چون او در بالای سکوی استاد ایستاده بود و می‌توانست وضع ویژه خیابان را ببیند و چون زنگ بی‌وقت هم زده شده بود، کلاس را که در سمت شمالی سرسرا بود، تعطیل کرد. پیش از آن برخی



خود دیدیم و برای ذکر در تاریخ آورده شد. حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به عنوان "یک روز مقاومت تاریخی" در دانشگاه ثبت شد. از آن پس همه ساله دانشجویان دانشگاه تهران به خصوص دانشجویان دانشکده فنی مراسم و تظاهراتی به یاد شهیدان آن روز به پا کردند. حالا نظرات شماری از صاحب نظران محترم را بخوانید و با تفاوت های فاحش آن آشنا شوید. گفته شد، همه خواسته اند حقیقت را بگویند. اما قسمتی از حقیقت را گفته اند و بخشی از شایعات را.

## خاطرات دکتر مصطفی چمران، دانشجوی سال دوم الکترو مکانیک، سال ۳۲

این حادثه برای جلوگیری از تظاهرات در مقابل نیکسون و جنایت بزرگ هیات حاکمه ایران در صبح روز دوشنبه ۱۶ آذر ۳۲ در صحن مقدس دانشگاه به وقوع پیوست. صبح



شانزدهم در هنگام ورود به دانشگاه دانشجویان متوجه تجهیزات فوق العاده سربازان و اوضاع غیرعادی اطراف دانشگاه شدند و وقوع حادثه ای را پیش بینی می کردند.

دانشجویان سعی می کردند که به هیچ وجه بهانه ای به دست بهانه جویان ندهند. از این رو دانشجویان با کمال احتیاط و خونسردی به کلاس ها رفتند. ساعت اول بدون حادثه گذشت. چون بهانه ای به دست آنان نیامد. به داخل دانشکده ها هجوم بردند.

از پزشکی، دارو سازی حقوق و علوم عده زیادی را دستگیر کردند. بین دستگیر شدگان چند استاد نیز دیده می شدند که به جای دانشجو مورد حمله قرار گرفته بودند. چون احتمال وقوع حوادث وخیم تری می رفت. لذا برای حفظ جان دانشجویان دانشکده فنی را تعطیل کردند و به آنها دستور دادند به خانه های خود بروند و تا اطلاع ثانوی در خانه بمانند. دانشجویان نیز به پیروی از تصمیم اولیای دانشکده محوطه دانشکده را ترک می کردند ولی هنوز نیمی از دانشجویان در حال خروج بودند که ناگاه سربازان به دانشکده فنی حمله کردند. عده ای از سربازان دانشکده فنی را به کلی محاصره کرده بودند تا کسی از میدان نگریزد. آنگاه دسته ای از سربازان با سرنیزه از در بزرگ دانشکده وارد شدند. اکثر دانشجویان به ناچار پای به فرار گذاشتند تا از در

می گرفت. ما فوراً به طبقه دوم فرار کردیم. هریک گوشه ای برای خود جستیم. چند نفر از دانشجویان سرسرا نیز به کتابخانه که درش به سرسرا باز می شد، فرار کرده و تا چند ساعت خود را پشت قفسه کتاب مخفی کردند. بقیه نیز از راهروهای شمالی و جنوبی و در پشت دانشکده فرار کردند. سرسرا خلوت شد و جنازه ها در کف سرسرا افتاده بود. بعدها اجساد را از سرسرا جمع آوری و به بیرون از دانشگاه بردند. جای تیرها را که ما بعداً دیدیم اکثراً در ارتفاع یکی دو متر بود و تعداد کمی تیر در ارتفاع بالاتری خورده بودند. تا زمانی که مهندس خلیلی ریس دانشکده بود، اجازه نداد جای گلوله ها تعمیر شود (۲).

در روزهای بعد گفته های دیگری اضافه شد. از جمله آن که درجه دارانی که در کامیونی جلوی در بزرگ دانشکده پارک مستقر بودند، مسلسل داشتند و به کمک هم قطاران خود به سرسرا آمده و دانشجویان را با مسلسل هدف قرار دادند. ولی با توجه به تعداد جای گلوله های روی سقف و دیوار که به جای مانده بود، تیراندازی با مسلسل درست به نظر نمی آمد. ولی مسلماً از تفنگ خود کار استفاده شده بود. چون هنوز صدای رگبار تیر توسط چندین تفنگ در گوش نگارنده هست.

دانشجویان افسری که در دانشکده تحصیل می کردند و همکلاس ما بودند، بعداً برای ما تعریف کردند که بر سر یکی از جنازه ها (مصطفی بزرگ نیا) رفته و او نیمه جانی در بدن داشته و می گفته، آیا شما سربازان حافظین جان ما هستید یا کشندگان ما؟ دانشجویان شهید بزرگ نیا، شریعت رضوی و قندچی بودند. من با بزرگ نیا از سال قبل هم کلاسی و دوست بودم. جوانی به واقع پرازنده، اهل هنر و از خانواده های معروف اراکی بود. به راستی باید گفت: مصطفی به چه گناه کشته شدی؟

دانشجویان و افسران نظامی هم کلاسی برای ما تعریف کردند که پس از وقایع شانزدهم آذر در دانشکده افسری جلسه سخنرانی تشکیل دادند که همه دانشجویان نظامی دانشکده فنی و پزشکی در آن جلسه شرکت داشتند.

رییس دانشکده افسری ضمن سخنانی می گوید: "ما در دانشکده فنی سروان هم داریم. ستوان یکم که فراوان. چطور شما نتوانستید جلوی درجه داران را بگیرید که این وقایع پیش نیاید؟ این به اعتبار شما نظامیان در بین هم شاگردی های شما صدمه می زند. آن سروان برخاسته و گفته است: "تیمسار آنها گوش به افسر نمی دادند. آنها آمده بودند که تیراندازی کنند." در صحت این نظریه به سند زیر که در نشریه نهضت مقاومت ملی منتشر شده است، توجه کنید.

بخشنامه شماره ۲۱۲۲ مورخ ۱۳۳۲/۹/۲۰ از لشکر دو زرهی رکن دو به کلیه واحدها و دوایر تابعه صادر شد. در آن افراد دسته جانباز در اثر جدیت و فعالیتی که در ماموریت دانشگاه تهران در روز دوشنبه ۱۶ آذر مشاهده گردید، تشویق شده اند. لذا کلیه افراد به دریافت پاداش نقدی مفتخر و سه نفر از آنها به درجه گروهبان دومی و چهار نفر به درجه سرجوخگی ارتقا داده می شوند.

آن روز ما از لای میله ها خود را به خیابان غربی دانشگاه که اکنون به نام شانزدهم آذر است، رسانیدیم. از فردای آن روز حدود یک هفته همه دانشکده ها و حدود شانزده، هفده روز دانشکده فنی دانشگاه اعتصاب کردند. کلاس ها که تشکیل شد همه استادان که به کلاس می آمدند به دانشجویان به اصطلاح سرسلامتی می دادند و با اظهار تأسف درس خود را شروع می کردند.

دانشجویان شهید را در امام زاده عبدالله و نزدیک هم به خاک سپردند. برای چهلم دانشجویان ملی و ملی مذهبی ها و توده ای ها تدارک فراوان دیدند. فرمانداری نظامی به خانواده هر شهید صد کوبین ورودی به امام زاده داده بود و از خانواده ها تضمین گرفته بود که سخنرانی انجام نپذیرد و شعاری داده نشود. دانشجویان چنان کوبین ها را تکثیر کردند که پلیس نمی دانست چه باید بکند. همه کوبین ها شکل هم و همه مهر فرمانداری نظامی داشتند. نزدیک به ده هزار نفر در امام زاده عبدالله جمع شده بودند. صف عزاداران به واقع از میدان شوش تا امام زاده رسیده بود. تاکید شده بود که هیچکس با اتوبوس و ماشین شخصی به امام زاده نیاید. نگارنده ماده تاریخ شهدا را به شعر گفته بود که به صورت فتو کپی بین عزاداران پخش شد:

دگر گل نروید به دشت و دمن زغم شد دو تا پشت مام وطن  
دونه سال بگذشت و گفت این سخن "شهید وطن شد ز فنی سه تن"

خبرنگاران خارجی در امام زاده حضور داشتند و عکس های عزاداران در مجلات و روزنامه های خارجی به چاپ رسید. مجلس عزاداری و مراسم شب چهلم داشت تمام می شد که همان دانشجویی که فریاد یا مرگ یا مصدق را در روز ۱۵ آذر در مقابل در بزرگ دانشکده سر داده بود، (حاج قاسمعلی) از دیوار یک چهار طاقی بالا رفت و با صدای رسا فریاد برآورد:

در مسلخ عشق جز نکور نکشند روبه صفتان زشتخو را نکشند  
گر عاشق صادقی ز کشتن مگریز مردار بود هر آنکه او را نکشند

پلیس خواست حاج قاسمعلی را دستگیر کند که دانشجویان او را فراری دادند. این بود واقعیتی بی پرده از آنچه واقعاً در شانزدهم آذر ۳۲ اتفاق افتاد. آنچه در بالا گفته شد ما به چشم



طرف راهروی مقابل رفتیم. یک مرتبه از ته راهرو سه، چهار سرباز با تفنگ همراه یک گروهان به طرف ما آمدند. ما دستمال‌های سفید در آوردیم و بلند کردیم. چون چیزی نداشتیم و حتی در جیبمان یک قلم تراش هم نبود. همین که سربازان اول سالن رسیدند، یکی از دانشجویان فریاد کشید: "دست سرباز از دانشگاه کوتاه" و اینها که از سه طرف داخل دانشگاه آمده بودند، فرمان آتش دادند و سالن وسطی دانشگاه را به تیر بستند. کف سالن پر از خون شده بود. تیرها به شوقاژ اصابت کرده بود. شوقاژ سوراخ شده بود و سالن پر از خوابه شد. دانشجویان همه کف سالن خوابیده بودند و ظرف ۳۰ ثانیه یک حالت وحشتناکی به وجود آمده بود که فریاد و شعار دادن به نفع مصدق و ضرر شاه بود. روبروی من یک آزمایشگاه مکانیک بود. با سر توی شیشه رفتم و بدنم به شدت زخمی شد. بقیه بچه‌ها هم زخمی شده بودند. پارچه زخم‌بندی نداشتیم. پیراهن‌ها را درآورده بودیم و برای زخم‌بندی استفاده کردیم و مستخدم‌ها رفتند از دانشگاه پزشکی و دندانپزشکی یک مقدار روپوش سفید آزمایشگاهی آوردند و ما آنها را به تنمان کردیم و از در غربی خیابان ۱۶ آذر فعلی خارج شدیم و آمدم جلو دانشگاه که دیدیم قیامتی آن جا هست و تعداد کشته‌ها را زیاد اعلام کردند. بعد از ظهر رفتیم منزل مهندس خلیلی که رییس دانشگاه بود. استادان اولین اعلامیه را آنجا تهیه کردند و ما پخش کردیم و این جریان ۱۶ آذر نقطه عطفی شد برای دانشگاه و هر سال ما این مراسم را برگزار می‌کردیم. (۴)

### خاطرات دکتر علی اکبر سیاسی رییس وقت دانشگاه روز دوشنبه شانزدهم آذر

روز ۱۶ آذر، هنگامی که آنها (نظامیان) از جلو دانشگاه فنی می‌گذشتند، چند دانشجو آنها را مسخره می‌کنند و گویا کلمات زننده‌ای بر زبان می‌رانند و به سرعت وارد دانشگاه فنی می‌شوند. سربازان آنها را دنبال می‌کنند. در این هنگام زنگ به صدا در می‌آید و دانشجویان از کلاس‌ها بیرون ریخته و در سرسرای دانشگاه با سربازان رو برو و با آنها گلاویز می‌شوند. تیراندازی مفصلی صورت می‌گیرد و به سه دانشجو اصابت می‌کند و آنها را از پای در می‌آورد. گزارش که به من رسید، بیدرنگ با سپهبد زاهدی تلفنی تماس گرفتم و شدیداً اعتراض کردم که "با این حرکات وحشیانه



جنوبی و غربی دانشگاه خارج شوند. در این میان بغض یکی از دانشجویان ترکید و او که مرگ را به چشم می‌دید و خود را کشته می‌دانست دیگر نتوانست این همه فشار درونی را تحمل کند و آتش سینه پرسوز و گدازش را به شکل شعاری کوتاه بیرون ریخت. دست نظامیان از دانشگاه کوتاه. هنوز صدای او خاموش نشده بود که رگبار گلوله باریدن گرفت و چون دانشجویان فرصت فرار نداشتند، به کلی غافلگیر شدند و در همان لحظه اول عده زیادی هدف گلوله قرار گرفتند. لحظات موحشی بود. دانشجویان یکی پس از دیگری به زمین می‌افتادند. به خصوص که بین محوطه مرکزی دانشگاه فنی و قسمت‌های جنوبی سه پله وجود داشت و هنگام عقب‌نشینی عده زیادی از دانشجویان از روی پله افتادند و نتوانستند خود را نجات دهند.

مصطفی بزرگ‌نیا به ضرب گلوله از پا در آمد. شریعت‌رضوی که ابتدا هدف گلوله قرار گرفته بود، به سختی مجروح شده بود، به زمین می‌خزید و ناله می‌کرد، دوباره هدف گلوله قرار گرفت. ناصر قندچی یک قدم هم به عقب برنداشته و در جای خود ایستاده بود و از باران گلوله اول مصون مانده بود. یکی از جانبازان با رگبار مسلسل سینه او را شکافت و او را شهید کرد. در این میان عده‌ای از دانشجویان که از دو طرف تحت فشار و حمله قرار گرفته بودند به ناچار به آزمایشگاه پناه بردند.

پس از ختم گلوله باران دقیقه‌ای سکوت دانشگاه را فرا گرفت. ناگهان در میان سکوت آه بلندی به گوش رسید که مانند دشنه‌ای در قلب ما فرو رفت و از چشم بیشتر دانشجویان اشک جاری شد. ناله‌های بلند و سوزناک به ما فهماند که عده‌ای مجروح شده‌اند و اولیای دانشگاه مستخدمین و چند نفر از دانشکده پزشکی می‌خواستند مجروحین را به دانشکده پزشکی برده و معالجه کنند، ولی سربازان با تهدید به مرگ مانع این کار شدند. بدن مجروحین دو ساعت در وسط دانشگاه افتاده بود و خون جاری

در سرسراها هنوز چند درجه دار با تفنگ بودند. در این میان ناگهان دانشجویی هیجان‌زده فریاد بر آورد «پای قزاق از محیط دانشگاه کوتاه». دانشجویانی به صورت خودجوش این شعار را تکرار کردند. ۴ درجه دار وحشت‌زده تفنگ‌های خود را به سوی دانشجویان گرفته و یک زانوی خود را به زمین نهاده و به هوا و دیوار و به دانشجویان شلیک کردند. در انتها ۳ نفر در کف سرسرا افتاده بودند.

بود. بالاخره جان سپردند. بدین ترتیب سه نفر از دوستان بزرگ ما، بزرگ‌نیا، قندچی و شریعت‌رضوی شهید و ۲۷ نفر دستگیر و عده زیادی مجروح شدند.

جنایت کاران شروع به سفسطه کردند. در مقابل خبرنگاران گفتند که دانشجویان برای گرفتن تفنگ سربازان به آنان حمله کرده‌اند و سربازان نیز اجباراً تیرهای هوایی به هوا شلیک کرده‌اند و تصادفاً سه نفر کشته شدند. با وجود سانسور شدیدی که وجود داشت و کسی جرات نمی‌کرد علیه دستگاه کلمه‌ای بنویسد، مجله‌ای به مسخره نوشته بود، اگر تیرها به هوا شلیک شده‌اند، پس بنابراین دانشجویان پر در آورده و به هوا پرواز و خود را به گلوله زده‌اند. (۳)  
[این نظریه شهید چمران بود. او این نوشته را بعد از انقلاب نوشته است و تفاوت‌های بسیاری با نوشته فوق دارد. توجه لازم به این نکته باید معطوف شود که نیکسون روز ۱۸ آذر به ایران آمد. یعنی دو روز بعد از حادثه ۱۶ آذر.]

### خاطرات مهندس حاج قاسمعلی (دانشجوی سال اول، سال ۳۲)

خاطر من هست، دقیقاً روز ۱۴ و ۱۵ آذر دانشگاه یک حالت انقلابی به خود گرفته بود و دانشجویان در هر گوشه جمع می‌شدند و شعار می‌دادند. مخصوصاً شب شانزدهم آذر جلو در بزرگ دانشگاه فنی بچه‌ها روی پله‌ها جمع شده بودند و شعار می‌دادند. فردا صبح که به دانشکده آمدم، دانشکده حالت سربازخانه به خود گرفته بود. تعداد زیادی سرباز و افسر و ماموران لباس شخصی در دانشکده حضور داشتند.

در راهروی سمت راست دانشگاه فنی کلاس اول عمومی بود و من هم با این سه شهید، شریعت‌رضوی، قندچی و بزرگ‌نیا سر یک کلاس بودیم. یک درس عمومی داشتیم که استادمان آقای دکتر افشار بود و خاطرم هست که مردی جدی و منضبط بود و آذری زبان بود. هنوز چند لحظه از شروع کلاس نگذشته بود که زنگ را زدند و مستخدمی داشتیم به نام توپچی آمد و در گوش استاد چیزی گفت. یک مرتبه استاد گفت: "این که نشد دانشگاه بفرمایید برید منزلتون." من تعدادی از اعلامیه‌های جبهه ملی همراه بود. خامنی بود به نام آذر آرژانگی که عضو گروه پان‌ایرانیست مرحوم فروهر بود. کیفم را به او دادم چون می‌دانستم شناخته شده هستم و احتمالاً دستگیر می‌شوم. از کلاس بیرون آمدم و به



گلوله می‌بندند و در نتیجه سه تن از دانشجویان کشته می‌شوند و عده‌ای نیز مجروح می‌گردند. {این بود نظرات غلامرضا نجاتی محقق تاریخ که تفاوت‌های فراوانی با واقعیت داشت. این نویسنده نیز مساله ورود دنیس رایت کاردار سفارت انگلیس را منشا تظاهرات ۱۴، ۱۵ و ۱۶ آذر می‌داند. (۷)}

### نوشته محمد ترکمان

محمد ترکمان پژوهشگر تاریخ و نویسنده کتاب "نامه‌های دکتر مصدق" در رابطه با سفر نیکسون معتقد است که "نکته‌ای که خوب است در بازخوانی پرونده حادثه ۱۶ آذر دقیقاً بررسی شود سفر نیکسون است. نیکسون معاون رییس جمهور آمریکا طی سفری دو هفته‌ای به آسیا و آفریقا و قبل از سفر به آفریقا به ایران می‌آید. وی با اشخاص دولتی و افرادی نظیر سیدحسن تقی‌زاده و شهردار وقت تهران و سید مصطفی کاشانی پسر آیت‌الله کاشانی ملاقات داشت. یک روز هم به دانشگاه رفت و دانشکده حقوق به او دکترای افتخاری داد. ابتدا باید گفت نیکسون روز ۱۸ آذر به ایران آمده نه ۱۶ آذر و در فرودگاه زاهدی و تعدادی از وزرا و معارف از او استقبال نمودند. همان طور که قبلاً اشاره شد محور اعتراضات دانشجویان در روزهای قبل طبق اسناد و مدارک اعتراض به دادگاه دکتر مصدق و اعتراض به تجدید رابطه با انگلستان بود و هیچ سند و مدرکی برای این که در آن زمان به سفر نیکسون اعتراض وسیعی صورت گرفته باشد در دست نیست. از آن گذشته در روز ورود نیکسون به دانشگاه اعتراض و واکنشی شاهد نیستیم. اما می‌بینیم که دو هفته بعد از ۱۶ آذر که دنیس رایت (کاردار سفارت انگلیس) به تهران می‌آید دانشجویان اعتصاب می‌کنند و واکنش بسیار تندی نشان می‌دهند. واقعه ۱۶ آذر اساساً ارتباطی با تظاهرات ضدآمریکایی و نیکسون ندارد. این قضیه آنقدر آشکار و مشخص بود که روزنامه شاهد (روزنامه بقایی) در روز ۱۸ آذر می‌نویسد، روز نیکسون خرابکاری توده‌ای‌ها. در این مقاله گفته می‌شود که توده‌ای‌ها مصمم شده‌اند به بهانه مخالفت با ورود نیکسون و به منظور آلوده ساختن مبارزات و تظاهرات خشم‌آلود در تهران و شهرستان‌ها دست به تظاهرات بزنند... یعنی اینکه تا آن لحظه اتفاقی نیفتاده. در روز هجدهم می‌نویسد که می‌خواهند این کار را بکنند. یا مثلاً در مجله خواندنی‌ها در تاریخ ۲۱ آذر وقتی به واقعه دوشنبه گذشته ۱۶ آذر اشاره می‌کند، از آن به عنوان اعتراضات علیه تجدید رابطه با انگلستان یاد می‌کند و هیچ اشاره‌ای به ضدآمریکایی بودن تظاهرات یا مخالفت با ورود نیکسون و ارتباط ۱۶ آذر ندارد. (۸)"

مامورین انتظامی شما من دیگر نمی‌توانم اداره امور دانشگاه را عهده‌دار باشم. "او گفت "متأسف خواهم بود. دولت راساً از اداره امور آنجا عاجز نخواهد ماند. " فردای آن روز در جلسه روسای دانشکده‌ها دو ساعت درباره این جریان و خط‌مشی خود بحث کردیم. نخستین فکر این بود که جمعا استعفا بدهیم. بعد دیدیم که این کناره‌گیری نتیجه قطعی‌اش این خواهد بود که آرزوی همیشگی دولت‌ها برآورده خواهد شد و استقلال دانشگاه را که قریب ۱۲ سال در استقرار و استحکامش زحمت کشیده بودیم، از بین خواهند برد و یک نظامی یا غیر نظامی قلدر را به ریاست دانشگاه خواهند گذاشت. در نتیجه این مذاکرات و ملاحظات تصمیم گرفته شد که سنگر را خالی نکنیم و به مقاومت بپردازیم. از شاه وقت خواستیم و در نظر داشتیم نسبت به عمل جنایتکارانه قوای انتظامی اعتراض کنیم. شاه مجال نداد. به محض رسیدن من دست پیش را گرفت و گفت "این چه دسته گلی است که همکاران دانشکده فنی شما به آب داده‌اند. چند صد دانشجو را به جان سه، چهار نظامی انداخته‌اید که این نتیجه نامطلوب را ببار آورد. " گفتم معلوم می‌شود که جریان را آن طور که خواسته‌اند و ساخته و پرداخته‌اند به عرض رسانیده‌اند. شاه گفت، دروغ نگفته‌اند. عقل هم حکم می‌کند که جریان همین بوده است. گفتم هر چه بوده نتیجه‌اش این است که سه خانواده عزادار شده‌اند و دانشگاهیان ناراحت و سوگوارند.

فردای آن روز به هیأت وزیران رفتم. وزرا گوش تا گوش دور می‌زی نشسته بودند. نخست‌وزیر (فضل‌اله زاهدی) به احترام من از جای برخاست. وزیران نیز به او تاسی کردند. معلوم شد گفتگو درباره دانشگاه است. نوبت وزیر جنگ سپهبد هدایت رسید (۵). او با حدت و شدت بیشتری به دانشگاه حمله کرد و در پایان سخنانش نتیجه گرفت که اگر عضوی از اعضای بدن فاسد شود، آن را قطع می‌کنند تا بدن سالم بماند. دانشگاه را هم در صورت لزوم برای حفظ مملکت باید از بین برد و منحل کرد. به آرامی گفتم این

آن روز ما از لای میله‌ها خود را به خیابان غربی دانشگاه، شانزده آذر، رساندیم. از فردای آن روز حدود یک هفته همه دانشکده‌ها و حدود شانزده، هفده روز دانشکده فنی دانشگاه اعتصاب کردند. کلاس‌ها که تشکیل شد همه استادان با اظهار تأسف درس خود را شروع می‌کردند.

نظریه قابل تامل است. اولاً تشبیه دانشگاه به یک عضو بدن و احتمال قطع آن صحیح نیست. عضو بدن را قطع می‌کنند، از خود مقاومت نشان نمی‌دهد. در صورتی که دانشگاه از هزاران استاد و دانشجو و کارمند زنده و پویا تشکیل شده و اگر مورد حمله قرار گیرد، مقاومت خواهد کرد و از خود دفاع می‌کند. فردای آن روز ماموران انتظامی که پس از سقوط مصدق در دانشگاه راه یافته بودند. آنجا را ترک کردند. (۶)

{این بود عین نظرات رییس دانشگاه. ملاحظه می‌شود گزارشی که به او داده‌اند با واقعیت نمی‌خواند.}

### نوشته غلامرضا نجاتی، پژوهشگر تاریخ

یکی از هدف‌های اساسی استعمارگران آمریکایی و انگلیسی بازگرداندن جریان نفت ایران به غرب بود. (پس از ملی شدن نفت) به این منظور تصمیم گرفته شد، ابتدا روابط سیاسی ایران و انگلیس که از پاییز ۱۳۳۱ به اتمام مصدق قطع شده بود، دوباره تجدید گردد. نهضت مقاومت و رهبر آن نیز قصد داشتند صدای اعتراض مردم ایران را به گوش جهانیان برسانند و انگلیس و آمریکا می‌خواستند با مشروع جلوه دادن رژیم کودتا (دولت زاهدی) امتیازات مورد نظر خود را از حکومت زاهدی در محیط آرام و بدون سرو صدا به دست آورد. تظاهرات دانشجویان دانشگاه به عنوان اعتراض به ورود دنیس رایت کاردار جدید سفارت انگلیس در تهران از روز ۱۴ آذر ۱۳۳۲ آغاز شد.

دانشجویان دانشکده‌های حقوق، علوم، دندانپزشکی، فنی و پزشکی در دانشکده‌های خود تظاهرات پرشوری علیه رژیم کودتا و مقاصد آنها بر پا کردند و روز ۱۵ آذر ماه تظاهرات به خارج دانشگاه کشیده شد و ماموران نظامی در زد و خورد با دانشجویان شماری را مجروح و گروهی را دستگیر و زندانی کردند. روز دوشنبه شانزدهم آذر تعداد سربازان در داخل دانشگاه افزایش یافت. پیش از ظهر آن روز بین دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم و ماموران فرمانداری نظامی برخوردهایی روی داده بود. ولی در دانشکده فنی به علت حضور یکی از گروه‌بانیان در سر کلاس درس برای دستگیری دانشجویی که شعار داده بود کار به خشونت کشیده شد. هنگامی که گروه‌بانی مزبور به کلاس درس هجوم می‌آورد و با اعتراض یکی از اساتید مواجه می‌شود و دانشجویان نیز علیه حضور نظامیان در کلاس درس اعتراض می‌کنند، نظامیان نیز دانشجویان معترض را تعقیب کرده و در سرا و سالن دانشکده فنی آنها را به



## منوچهر احتشامی

دانشجوی راه و ساختمان دانشکده فنی، دانشگاه تهران سال ۱۳۳۲

### پی‌نوشت‌ها:

- (۱) استاد دانشکده فنی ۱۳۴۵-۱۳۵۷، استاد مدعو و پژوهشگر دانشگاه استنفورد و استاد مدعو دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در سن خوزه.
- (۲) با سپاس فراوان از روشننگری‌های مفید آقایان دکتر علی اردکانیان، دانشجوی سال دوم راه و ساختمان و مهندس احمد دانش پژوه دانشجوی سال اول در دانشکده فنی دانشگاه تهران، سال ۳۲.
- (۳) خاطرات مصطفی چمران - شانزدهم آذر
- (۴) خاطرات مهندس حاج قاسمعلی، به نقل از مجله ایران فردا شماره ۲۸ و با سپاس فراوان از محبت‌های ایشان.
- (۵) این سپهبد که بعداً ارتشبد هم شد، به علت فساد مالی در زمان شاه محاکمه و محکوم گردید.
- (۶) دکتر علی اکبر سیاسی رییس دانشگاه تهران - "گزارش یک زندگی"، چاپ لندن، صفحه ۲۳۴-۲۳۸
- (۷) غلامرضا نجاتی - "از کودتا تا انقلاب"، تهران موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ سوم، سال ۱۳۷۱، صفحه ۱۱۳-۱۱۴
- (۸) محمد ترکمان - "نامه‌های مصدق" ۱۳۳۲

**توضیح اول:** داستان شعر که ماده تاریخ در آن است نیز جالب و آموزنده است. نگارنده می‌دانست که یکی از اساتید معمر دانشگاه در ساختن ماده تاریخ بسیار ورزیده و تقریباً همه ماده‌های تاریخ سال‌های اخیر توسط او گفته شده است. این نوع شعر گفتن کار بسیار مشکلی است. اولاً باید اعداد حروف ابجد را خوب بدانی. دوم اینکه به قول معروف یک واو پس و پیش بشود، کل اعداد به هم می‌خورد. در قدیم که حروف ابجد مبنای آموختن زبان فارسی بود، شعرا و نویسندگان لغزهای فراوانی با حروف ابجد می‌گفتند. ولی امروز چون حروف ابجد از ادبیات دوره دبستان و دبیرستان حذف شده علاقه‌ای به دانستن آنها حس نمی‌شود. نگارنده خدمت آن استاد بزرگوار رسیدم و عرض شد جناب استاد داستان بدین قرار است اگر





۵۰=س ۶۰=ع ۷۰=ف ۸۰=ص ۹۰=ق ۱۰۰=ر  
۲۰۰=ش ۳۰۰=ت ۴۰۰=ث ۵۰۰=خ ۶۰۰=ذ  
۷۰۰=ض ۸۰۰=ظ ۹۰۰=غ ۱۰۰۰=

حساب ابجد در ادبیات فارسی برای ساختن ساده تاریخ به کار می‌رود و قاعده‌اش این است که با این حروف مصرع یا جمله کوتاهی می‌سازند که اگر اعداد مربوط به حروف باهم جمع شوند، تاریخی که منظور گوینده است به دست می‌آید و همچنین در ساختن لغز نیز از آن استفاده می‌شود. مثل کلمه "عدل مظفر" که قبلا بر سر در مجلس شورای ملی بود.

منظور تاریخ صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه بود ۱۳۲۴. یا آنچه حیوانی است که سیصد سر و ده شکم دوصد پا دارد؛ به حروف ابجد می‌شود شیر.

جنابعالی بذل محبت بفرمایید و برای شب چهلم دانشجویان ماده تاریخی تهیه فرمایید، نهایت محبت را مبذول داشته‌اید. استاد پیر همه حرف‌های مرا شنید و در آخر سر گفت اگر حالم کفایت کند. عرض شد به اسم سر کار هم نخواهد بود، شاید برای شما مشکلاتی باشد. هیچ نگفت.

هفته بعد خدمت استاد رفتم باز فرمودند، حالم کفایت نداد. دیدم چهلم نزدیک می‌شود و این ماده تاریخ باید تهیه شود.

معلمی در مدرسه البرز داشتیم که می‌گفت انسان هر کاری را به واقع بخواهد انجام دهد، با سعی و تلاش بالاخره انجام خواهد داد. یاد حرف آن معلم افتادم. به راستی جان کندم تا این ماده تاریخ تهیه شد. آخر کار ۱۸ سال زیاد آمد، یعنی شد سال ۱۳۵۰ این است که گفته شد. "دو نه سال بگذشت و گفت این سخن" و "شهید وطن شد ز فنی سه تن" می‌شود ۱۳۵۰

**توضیح دوم:** حروف ابجد در اصل اختراع این حروف را به فنیقی‌ها نسبت می‌دهند. عرب‌ها آن را گرفتند و با لهجه و گویش خود آن را به صورت؛ ابجد-هوز-حطی-کلمن-سعفص-قرشت-ثخذ-دضظغ-درآوردند. رومیان آن را گرفتند و با توجه به زبان خود تلفظ‌های آن را تغییر دادند. ابجد شد ای-بی-سی-دی؛ کلمن شد کای-ال-ام-ان؛ قرشت شد کیو-ار-اس-تی.

ایرانی‌ها از اعراب گرفتند و حروف پ ژ چ و گاف را به آن اضافه کردند و به نام حروف ابجد یا حساب حمل معروف شد از این قرار: آ=۱ ب=۲ ج=۳ د=۴ ه=۵ و=۶ ز=۷ ح=۸ ط=۹ ی=۱۰ ک=۱۱ ل=۱۲ م=۱۳ ن=۱۴





## خاطرات دکتر کیومرث مهاجر، دانشجوی سال اول دانشکده فنی در سال ۱۳۳۲ آنچه در ۱۶ آذر گذشت

بی شک وقایع صبح ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ در دانشکده فنی، از دید هر کدام از دانشجویان متفاوت است. نه آن که واقعه به اشکال مختلف روی داده باشد، اما هر کدام بسته به نقطه‌ای از دانشکده که زمان تیراندازی حضور داشته‌اند، شاهد تصویر منحصر به فرد خود از واقعه بوده‌اند. به منظور تصویر زوایه‌ای دیگر از واقعه ۱۶ آذر پای سخنان دکتر کیومرث مهاجر (معدن ۳۸) که آن زمان، سال اول بود، نشسته‌ایم. خاطرات وی در پی می‌آید:



تعطیل کند. درباره این مطالب از سال دومی‌های آن سال بهتر می‌توانید سوال کنید. به حالت پراکنده داشتیم از دانشکده بیرون می‌آمدیم؛ مانده بودیم، برویم یا نرویم. من جزو کسانی بودم که بین سرسرا و در خروجی قرار داشتیم که یک لحظه صدای شعار بلند شد و بلافاصله تیراندازی شنیدیم. کسانی که بیرون بودند مرا هم به سمت بیرون کشاندند. کسانی که داخل بودند تا آنجایی

### روز ۱۶ آذر

«صبح ۱۶ آذر به دانشکده رفتیم. ساعت ۸ تا ۹:۳۰ یک کلاس بود. ۹:۳۰ تا ۱۰ زنگ تفریح و ۱۰ تا ۱۱:۳۰ کلاس بعدی. این برنامه روزانه دانشکده بود. ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰ که زنگ تفریح بود، در سرسرای دانشکده سروصدایی شد و شعار دادند. سربازان شعاردهندگان را دنبال کردند. اما آنها در میان بچه‌ها گم شدند. از صبح یک کامیون سرباز جلوی در دانشکده مستقر بود. با این شعارها آنها توی راهرو آمدند. آن موقع تشکیلات امنیتی سازمان یافته‌ای به نام ساواک وجود نداشت. دستگاه‌های دیگری با اسامی دیگری بودند اما سازمان یافته نبود. از آن به بعد تشکیلات ساواک شکل گرفت. شعار دادن در زنگ تفریح رخ داد. شعاردهنده شاخص نشد. زنگ تفریح با محیط متشنج تمام شد. رفتیم کلاس. من آن سال، سال اول دانشکده بودم. محل کلاس عمومی سال اول دانشکده، کلاس بزرگ ضلع شمالی دانشکده بود. کلاس عمومی حدود ۱۰۰ نفر بود. در کنار این کلاس یک کلاس ۳۰ نفره برای رشته شیمی بود که از آن سال جدا شده بود. ساعت ۱۰ به کلاس رفتیم. حدود ۵ دقیقه بعد زنگ دانشکده به صدا درآمد. این خیلی غیرعادی بود. چون تازه سر کلاس رفته بودیم. تا آنجایی که یادم است ما با دکتر جمال افشار درس داشتیم. زنگ زدند و آمدیم بیرون. خود استاد هم تعجب کرده بود. در سرسرای دانشکده دیدیم دکتر عابدی معاون دانشکده و مهندس خلیلی رییس دانشکده توی راهرو دانشکده هستند و به ما می‌گویند، پراکنده شوید و به خانه‌هایتان بروید. دانشکده تعطیل است. چندان سرباز مسلح هم توی سرسرا قدم می‌زدند. ضمناً این را بگویم که سال دوم هم یک کلاس عمومی داشت که در ضلع جنوبی دانشکده بود. ما در حالی که هاج و واج بودیم، پسران پسران از همدیگر درباره ماجرا سوال می‌کردیم. گفتند که سربازان رفته‌اند کلاس سال دوم عمومی که با آقای مهندس شمس‌ملک آرا درس نقشه‌برداری داشتند و خواسته‌اند چند دانشجو را از کلاس بگیرند. گفتند شعاردهندگان از این کلاس بوده‌اند و ما باید بازجویی کنیم. مهندس شمس مقاومت می‌کند و سربازان به زور وارد کلاس می‌شوند وقتی به زور وارد کلاس می‌شوند، مهندس شمس به دفتر دانشکده مراجعه می‌کند و می‌گوید این اتفاق افتاده است. این اتفاق منجر می‌شود که هیأت ریسه، دانشکده را

من آن زمان ارتشی بودم اما نه مسلح. آن روزها، دانشجویان که از شهرستان می آمدند تهران در ادارات مختلفی ثبت نام می کردند که پانسیون شوند. سال اول از ۱۰۰ دانشجوی دانشکده فنی، ۴۰ نفر رفته بودند در ارتش ثبت نام کرده بودند. از این ۴۰ نفر، شاید ۳۹ نفر گرایش های غیر ارتشی داشتند. خود من چون پدرم کارمند بود و از شهرستان آمده بودم، می خواستم مستقل شوم. بنابراین به ارتش رفتم. از طرفی گفته بودند، در گزینش های سلامتی و غیره، بسیاری از داوطلبان را رد می کنند. من امیدوار بودم



## گزارش مرکز اسناد انقلاب اسلامی از وقایع آذر ۱۳۳۲ روزی که ۱۶ آذر شاهد بود

مرکز اسناد انقلاب اسلامی گزارشی را از وقایع ۱۶ آذر به قلم سید احسان رییس الساداتی منتشر کرده است که خلاصه‌ای از آن در پی می‌آید.

خبرنامه کانون مهندسین فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران • سال بیست و دوم • شماره ۱۵۴-۱۵۲ • پائیز ۱۳۹۱

«بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که به سقوط دولت ملی دکتر مصدق منجر شد، حاکمیت زاهدی، خفقان شدیدی را در جامعه موجب شد. از فردای وقوع کودتا، مردم حتی یک روز نیز روند مخالفت با هیات حاکمه را متوقف نکردند.

پیروزی کودتای انگلیسی-آمریکایی، انگلیسی‌ها را که مدتی بیش از دو سال در انتظار چنین پیشامدی بودند، به وجد آورد. حالا آنها مشتاق بودند از طریق مذاکره با دولت زاهدی به راه حل دلخواهی دست یابند. اما تمایلی برای کمک مالی به حکومت او نشان نمی‌دادند. با وجود این، دولت آمریکا تصمیم گرفت با پرداخت ۴۵ میلیون دلار کمک اضطراری، از دولت زاهدی پشتیبانی کند و هندرسن، سفیر این دولت در ایران، پیشنهاد کرد کمک‌های بیشتری هم داده شود. (۱)

در ایام عزاداری ماه محرم، تهران شاهد برپایی تظاهرات پرسروصداتری بود و در ۲۲ شهریورماه ۱۳۳۲، یعنی بیست و پنج روز بعد از کودتا، در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه زامداران کودتا، مقارن برپایی آیین سوگواری در چهارمین شب عزاداری حسینی، تظاهراتی سازماندهی گردید و در جریان آن شعارهایی بر ضد سرلشکر زاهدی و در حمایت از دکتر مصدق سر داده شد. کانون تظاهرات بازار تهران بود و دامنه آن به مسجد شاه و سبزه میدان کشیده شد.

با آغاز سال تحصیلی و بازگشایی دانشگاه‌ها در مهرماه، بر اثر خیزش‌های مردمی و تحرکات دانشجویی، اوضاع سیاسی رو به وخامت بیشتر نهاد. دانشجویان با راه‌اندازی تظاهرات، پخش اعلامیه و تعطیل کلاس‌های درس، آشکارا خشم و نفرت خود را نسبت به دیکتاتوری حاکم ایران داشتند. در نیمه مهر گروه‌های دانشجویی اعلامیه‌هایی منتشر کردند که در آن بر ضرورت توسل جستن به اعتصاب به مثابه یک حربه در برابر حاکمیت، همچنین لزوم آزادی دکتر مصدق از زندان، رفع توقیف شماری از استادان دانشگاه و سرانجام جانبداری از تظاهرات محرم در بازار تهران، تاکید شده بود.

در حالی از یک طرف دکتر مصدق مورد بازجویی توسط باز پرس نظامی تهران بود (۲) و از طرف دیگر نفت موضوع اصلی آن ایام را تشکیل می‌داد که محافل دولتی در صدد مجبور ساختن نمایندگان دوره هفدهم به استعفا بودند. (۳)

به رغم خط و نشان‌هایی که دولت نظامی برای مخالفان خود، به ویژه دانشجویان می‌کشید، روز ۱۶ مهر زمان و موعده مناسب این اقدام تشخیص داده شد. اعتصاب آغاز شد و بازار بسته ماند. همان روز دانشجویان به برپایی تظاهرات آرام در محیط دانشگاه مبادرت کردند.

متعاقب آن فرمانداری نظامی سراسیمه و وحشت‌زده چند افسر را به همراه چند دستگاه کامیون پر از سربازان تفنگدار به سوی دانشگاه گسیل داشت. سربازان مسلح در جای جای دانشگاه تهران موضع گرفتند و همه جا را زیر نظر قرار دادند. در این روز نیروهای نظامی دست به اقدام کم‌سابقه‌ای زده و در داخل محیط دانشگاه مبادرت به دستگیری شماری از دانشجویان به اتهام اخلال در امنیت عمومی و

برهم زدن نظم نمودند.

از ۲۱ تا ۲۴ آبان ۱۳۳۲ روزنامه‌ها بنا بر اطلاعاتی‌های فرمانداری نظامی تهران، خبری درباره «زمینه‌های اعتصاب» منتشر کردند: «تجمع زنان مقابل کاخ دادگستری، تظاهرات حوالی دانشگاه؛ تیراندازی مستقیم به سوی دانشجویان و مجروح شدن چند دانشجو که یکی آنها از ناحیه شکم مجروح می‌شود که بعدا خبر فوت او از دو ناحیه شکم و پهلو منتشر می‌شود.» (۴)

در حالی که مصدق در ۲۲ آبان در دفاعیات خود در دادگاه فرمایشی از تنها گناهش حرف می‌زند: «به من گناهان زیادی نسبت داده‌اند.

ولی من خود می‌دانم که یک گناه بیشتر ندارم و آن این است که تسلیم خارجی‌ها نشده و دست آنها را از منابع طبیعی ایران کوتاه کردم و در تمام مدت زمامداری خود در سیاست خارجی خود، یک هدف داشتم و آن این بود که ملت ایران بر مقدرات خود مسلط شود و هیچ عاملی جز از اینکه ملت در تعیین سرنوشت مملکت دخالت کند، نداشتم.» در ادامه خطاب به رییس دادگاه در اعتراض به سخن دادستان مبنی بر اقدام مصدق علیه اصل نظام سلطنتی، می‌گوید: «بگذارید این شاه بداند که من خادمش هستم. من که مملکت و شاه را تفکیک نمی‌کنم...»

از سویی دیگر دوشنبه ۲۴ و ۲۵ آبان جزییاتی از ورود نیکسون به تهران منتشر می‌شود: «بنا به درخواست آیزنهاور رییس‌جمهور آمریکا، معاون رییس‌جمهوری آمریکا وارد تهران می‌شود. ۲۳



اما نقل دوم مربوط می‌شود به دکتر چمران که آن موقع دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران بوده است. مرحوم شهید چمران دلیل آغاز التهابات را «به خاطر انتقام از دانشجویان و به بهانه تظاهرات علیه تجدید رابطه با انگلستان و برای جلوگیری از تظاهرات در مقابل نیکسون جنایت بزرگ هیات حاکمه ایران» می‌دانست.

وی درباره جزییات اتفاق آن روز می‌گوید: «صبح شانزدهم آذر هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه تجهیزات فوق العاده سربازان و اوضاع غیرعادی اطراف دانشگاه شده وقوع حادثه‌ای را پیش‌بینی می‌کردند... عده‌ای از سربازان، دانشکده فنی را به کلی محاصره کرده بودند تا کسی از میدان نگریزد. اکثر دانشجویان به ناچار پا به فرار گذاردند تا از درهای جنوبی و غربی دانشکده خارج شوند. در این میان بغض یکی از دانشجویان ترکید... «دست نظامیان از دانشگاه کوتاه». هنوز صدای او خاموش نشده بود که رگبار گلوله باریدن گرفت و چون دانشجویان فرصت فرار نداشتند، به کلی غافلگیر شدند و در همان لحظه اول عده زیادی هدف گلوله قرار گرفتند...»

اما اعتراضات دانشجویی تا روز ۲۴ آذر ادامه داشت به طوری که جراید اعلام می‌کنند علی‌رغم حضور برخی اساتید، دانشجویان سر کلاس خود حاضر نمی‌شوند تا اینکه نهایتاً روز ۲۸ آذر اعتراضات دانشگاه به خاطر سرکوب و دستگیری‌های گسترده رو به کمرنگ‌تر شدن می‌رود... آیت‌الله کاشانی دو ماه بعد از کشتار و حشیانه مزدوران رژیم کودتا، بهمن ۱۳۳۲ برای رساندن صدای خود به جهانیان، نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل نوشت و از اختناق شدید و محدود کردن آزادی و سانسور شدید انتخابات فرمایشی به شدت انتقاد و دولت را متهم کرد که: «به اعمال ضدانسانی و کشتار مردم آزادیخواه و دانشجویان بیگناه دانشگاه و کارگران آبادان و حبس و تبعید مخالفین و ضرب و شتم معترضین» مبادرت کرده است. (۹)

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) مصطفی علم، نفت، قدرت و اصول، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱، ص ۴۸۴
- (۲) تاریخ یکشنبه ۵ مهر ۱۳۳۲ روزنامه اطلاعات
- (۳) روزنامه اطلاعات سه شنبه ۷ مهر
- (۴) اطلاعات و کیهان ۲۱ تا ۲۴ آبان
- (۵) ۶ آذر روزنامه اطلاعات
- (۶) محمود طلوعی، بازی قدرت، جنگ نفت در خاورمیانه، تهران: نشر علم، ۱۳۷۱، ص ۲۱۶
- (۷) روحانیت و اسرار فاش نشده از تهافت ملی شدن نفت ص ۱۹۱
- (۸) همان ص ۱۹۲
- (۹) همان ص ۱۹۴

نفر همراه معاون رییس جمهور خواهند بود، از جمله همسر و فرزندان او. «روزنامه‌ها و محافل دولتی و سلطنتی از سفر نیکسون بسیار خوشحالند. گویی قرار است اتفاق مهمی برای همه باشد. حال آنکه کسی خبر از «سه قربانی» ندارد. روزنامه‌ها در تحلیل‌های خود از سفر نیکسون می‌گویند: پس از سفر روزولت در جنگ جهانی دوم به ایران، نیکسون عالی‌ترین مقام آمریکایی است که به ایران سفر می‌کند.

## ● مذاکرات آمریکا و انگلیس بر سر نفت ایران

روزنامه‌ها خبر از طرح جدیدی می‌دهند که قرار است به زودی برای تجدید فعالیت صنعت نفت ایران به دولت ایران تسلیم شود: «بنا بر اظهارات محافل وزارت خارجه انگلستان، هم اکنون مذاکرات کارشناسان انگلیسی و آمریکایی راجع به مساله نفت ایران در واشنگتن ادامه دارد و طبق آخرین گزارش‌های واصله از واشنگتن تاکنون چه از نظر سیاسی و چه از نظر فنی، اختلاف عقیده‌ای بین کارشناسان آمریکایی و انگلیسی به وجود نیامده است! در این جلسه هوور مشاور نفت وزارت خارجه آمریکا خاطر نشان می‌کند که با کمک کمپانی‌های انگلیسی و آمریکایی، نفت ایران مجدداً صادر شود.» پیش از این هوور در ۲۴ مهر به تهران سفر کرده بود تا از نزدیک به بررسی نفت ایران بپردازد. یکم آذر ۱۳۳۲ زاهدی، نخست‌وزیر کودتا، پیامی سفسطه‌آمیز را درباره نفت آبادان منتشر می‌کند. در این بیانیه آمده: ملت ایران باید توجه داشته باشد که مقصود اصلی از ملی شدن صنایع نفت این نبود که پالایشگاه آبادان به مرور ایام از بین برود و هزینه نگهداری این دستگاه عظیم بر دوش ملت رنجیده و بردبار ایران تحمیل شود! بلکه هدف اصلی این بود که حقوق از دست رفته جبران شده و در آینده... در حالی که هوور به انگلستان می‌رود تا با هم‌پیمانان خود به بحث راجع به ثروت ملی ایران بپردازد. (۵)

مورخ سه‌شنبه سوم آذر ۱۳۳۲ مذاکرات کارساز می‌افتد و پیام وزیر امور خارجه به نخست‌وزیر وقت منتشر می‌شود: «اکنون انگلستان آماده تجدید روابط و شروع مذاکرات برای حل مساله نفت می‌باشد.» پیش از این زاهدی پیامی را برای آغاز مذاکرات پیرامون نفت در آبان ماه برای انگلستان ارسال کرده بود.

اولین اقدام زاهدی تجدید روابط با دولت انگلستان بود، به طوری که متن اعلامیه مشترک دو دولت، که ایدن آن را تنظیم کرده و هندرسن برای زاهدی فرستاده بود، بی‌کم و کاست تصویب گردید و قرار شد اعلامیه روز ۱۴ آذر ۱۳۳۲ در یک زمان، در تهران و لندن انتشار یابد.

فرای صدور این اعلامیه، کنفرانسی در جزیره برمودا بین آیزنهاور، رییس جمهور آمریکا و نخست‌وزیران انگلیس و فرانسه برگزار شد. آیزنهاور قبل از عزیمت از واشنگتن برای شرکت در این کنفرانس، اظهار کرد که مساله نفت ایران و کانال سوئز مهم‌ترین مسایل مورد بحث او با نخست‌وزیران انگلیس و فرانسه خواهد بود.

توافق‌نامه‌ای درباره تشکیل کنسرسیوم نفت ایران، که علاوه بر انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها، هلندی‌ها و فرانسوی‌ها هم در آن شریک شدند، در همین کنفرانس حاصل شد و ده روز بعد، روز ۱۶ دسامبر ۱۹۵۳ نخستین اجلاس مشترک مقامات شرکت نفت انگلیس و ایران و پنج شرکت آمریکایی (استاندارد اویل نیوجرسی، شرکت نفت تگزاس، سوکونی و اکیوم، استاندارد اویل کالیفرنیا و گلف اویل) و نیز شرکت هلندی - انگلیسی رویال داچ - شل و شرکت نفت فرانسه برای تهیه مقدمات تشکیل کنسرسیوم نفت ایران در لندن تشکیل شد. (۶)

## ● روزی که ۱۶ آذر شاهد بود

درباره جزئیات روز ۱۶ آذر نقل‌های متفاوتی وجود دارد:

نقل اول مربوط به دکتر علی‌اکبر سیاسی، رییس وقت دانشگاه تهران است. وی در کتاب خاطرات خود دلیل شروع التهابات و اعتراضات دانشجویی را «مسخره کردن چند سرباز نظامی در حال گشت‌زنی توسط چند دانشجو» می‌داند. او در اینباره در صفحه ۱۸۷ کتاب یک زندگی سیاسی؛ می‌گوید: «دکتر مصدق و بعضی از همکارانش توقیف و زندانی شدند و ماموران انتظامی دولت مقتدر سپهبد زاهدی همه جا به چشم می‌خوردند. از آن جمله، چندتن از ماموران گاه و بیگاه در خیابان‌های دانشگاه در حرکت بودند.

روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، هنگامی که آنها از جلوی دانشکده فنی می‌گذشتند، چند دانشجو آنها را مسخره می‌کنند و گویا کلمات زنده‌ای هم بر زبان می‌رانند و به سرعت وارد سربرای دانشکده می‌شوند. سربازان آنها را دنبال می‌کنند. در این هنگام زنگ دانشکده به صدا در می‌آید و دانشجویان از کلاس‌ها بیرون ریخته در سربرای دانشکده با سربازان روبرو و با آنها گلاویز می‌شوند. تیراندازی مفصلی صورت می‌گیرد و تیر به سه دانشجو اصابت می‌کند و آنها را از پای در می‌آورد.»

# گزارشات روزنامه اطلاعات؛ سال ۱۳۳۲

## روایتی از ۱۶ آذر

روزنامه اطلاعات عصر روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ گزارشی درباره «تظاهرات چند نفر از دانشجویان» منتشر و پس از آن اعلامیه فرمانداری نظامی را منعکس کرد که به «تحریکات عناصر اخلاک و افراطی» اشاره کرده بود. البته آن روز در دبیرستان دارالفنون و بازار کفاش ها هم ناآرامی هایی رخ داد که پای یک روایه نیز به عنوان عامل ازدحام و اخلاک در نظم بازار وسط کشیده شد.

فورا به وسیله ماموران کلانتری هشت دستگیر و به فرمانداری نظامی فرستاده شد.

● **اعلامیه فرمانداری نظامی**  
چند روزی است که مجددا تحریکاتی به وسیله عناصر اخلاک و افراطی و نیز اشخاصی که محیط آرام را برای اجرای مقاصد شوم و خائنانه خود مساعد نمی دانند، شروع گردیده و به خصوص با اغفال دانشجویان و دانش آموزان بیگانه دست به تظاهرات و اعمال خلاف قانون و مقررات می زنند. همان طوری که طی اعلامیه های متعدد فرمانداری نظامی به اطلاع عموم اهالی رسانیده است سوابق فعالیت های خائنانه و ننگین این قبیل مردمان خائن و بی وطن برای ماموران انتظامی روشن و فرمانداری نظامی به کلیه جزئیات اعمال و رفتار آنها وقوف کامل دارد. چون فرمانداری نظامی نمی تواند شاهد و ناظر لجام گسیختگی این عده اشخاص آشوبگر و بی وطن باشد، لذا موکدا به ماموران انتظامی دستور داده شده است که با مسببین اخلاک و بی نظمی طبق قانون رفتار نموده و هر کسی که کوچک ترین عملی بر خلاف مقررات فرمانداری نظامی نمود، فورا دستگیر و جهت کیفر قانونی به دادسرای نظامی اعزام و در صورت لزوم به یکی از نقاط بد آب و هوای جنوب تبعید گردد.

● **فرماندار نظامی تهران: ممکن است ماموران انتظامی غفلت کرده باشند**  
روزنامه اطلاعات فردای آن روز در ۱۷ آذر ۱۳۳۲ در مطلبی به دانشجویان هشدار داد که دانشگاه را از سیاست بازی و دسته بندی دور نگاه دارند. این روزنامه نوشت: «دیروز حادثه تآثر آوری در دانشگاه روی داد که در این حادثه سه جوان دانشجو در اثر



بزرگنیا و شریعت رضوی در اثر اصابت گلوله به ناحیه ریه و سینه و خونریزی شدید فوت کرده اند. جنازه مقتولان ساعت دو و ده دقیقه بعد از ظهر برای تعیین علت مرگ به اداره پزشکی قانونی منتقل گردید. آقای احمد قندچی یکی دیگر از مجروحان که اینک در بیمارستان بستری می باشد، حالش خطرناک است و به طوری که پزشکان معالج اظهار می دارند امید بهبودی وی نیز کم است. ساعت ده صبح امروز ناگهان در حیاط دبیرستان دارالفنون بین عده ای از دانشجویان گفت و گویی شروع شد که منجر به تظاهرات گردید و از طرف اولیای دبیرستان مراتب به فرمانداری نظامی اطلاع داده شد و عده ای مامور به محل دبیرستان رفته انتظامات را برقرار نمودند و چهار نفر را به عنوان محرک این اغتشاش دستگیر و به فرمانداری نظامی جلب کردند.

● **در بازار**  
صبح امروز ناگهان در انتهای بازار کفاش ها اغتشاشی رخ داد و بلافاصله ماموران کلانتری هشت به محل رسیده، ملاحظه کردند که روایه ای از اواسط (بازار) به طرف سبزه میدان می دود و ازدحام اشخاص متفرقه برای تماشای روایه می باشد. پس از تحقیقات معلوم شد، روایه متعلق به علی نظری است که بدین وسیله قصد داشته نظم بازار را مختل سازد. صاحب روایه

متن کامل گزارش روزنامه اطلاعات در شماره روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ بدین شرح است: «مقارن ساعت ده و ربع بامداد امروز از طرف عده ای از دانشجویان تظاهراتی در دانشگاه علوم صورت گرفت که بلافاصله ماموران فرمانداری نظامی متظاهرين را متفرق ساختند و سیزده نفر از دانشجویان را دستگیر کردند. پس از آن در حوالی دانشکده فنی نیز از طرف چند نفر از دانشجویان منتسب به احزاب چپ تظاهراتی انجام شد و چون تظاهر کنندگان با اخطارهای ماموران انتظامی متفرق نشدند و در برابر ماموران مقاومت می کردند، بر اثر تیراندازی ماموران ۳ نفر مجروح شدند و ۱۷ نفر هم دستگیر گردیدند. گلوله به سینه و ران مجروح شدگان اصابت کرده و جمعا ۳۰ نفر در دانشگاه دستگیر شده اند. پس از تظاهرات مزبور وضع دانشگاه آرام گردید و ماموران انتظامی بر اوضاع آنجا مسلط شدند.

یک مقام مسئول فرمانداری نظامی تهران درباره تظاهرات امروز به خبرنگار ما اظهار داشت: امروز عده ای از عناصر اخلاک و افراطی که منتسب به حزب منحل توده بودند به دانشگاه رفته و عده ای از دانشجویان را مجبور به تظاهرات نمودند و در حال دسته جمعی به ماموران فرمانداری نظامی محافظ دانشگاه که مسلط بر اوضاع بودند حمله کرده، قصد ربودن اسلحه آنها را داشتند و ماموران نیز اقدام به تیراندازی نمودند. مجروحان به بیمارستان شماره دو ارتش اعزام و در آنجا بستری شده اند.

● **فوت دو نفر از مجروحان**  
ساعت دو بعد از ظهر امروز خبرنگار ما به بیمارستان شماره دو ارتش مراجعه کرد و اطلاع یافت که دو نفر از مجروحان حادثه امروز دانشگاه آقایان مصطفی



تیراندازی هدف گلوله قرار گرفتند و در گذشتند. ممکن است غفلت و اشتباهی از ناحیه ماموران انتظامی یا اولیای دانشگاه هنگام جلوگیری از اغتشاش و بی‌نظمی روی داده باشد و شاید امکان پذیر بود که بدون قتل و خونریزی غایبه دانشگاه را با حسن تدبیر خاموش ساخت، اما این را نیز باید در نظر گرفت که در چنین مواردی خونسردی از دست همه به در می‌رود. ما برای جلوگیری از این وقایع شوم ضرور می‌دانیم دانشجویان عزیز را به نقص بزرگی که در دانشگاه و مدارس ما وجود دارد، متوجه سازیم. این نقص آلوده شدن جوانان بیگانه و حساس پر شور میهن پرست کشور به سیاست‌های مختلف و دسته‌بندی حزب‌سازی در داخل دانشگاه و مدارس است. دانشجویان عزیز باید سعی کنند داخل دانشگاه را از سیاست‌بازی و دسته‌بندی دور نگاه دارند، احترام و تقدس دانشگاه را خودشان حفظ کنند، نگذارند جریانی پیش آید که مداخله قوای انتظامی و سرباز را در جایگاه مقدسی چون دانشگاه ایجاب کند.»

### ● اطلاعیه پزشکی قانونی

همان روز گزارش پزشکی قانونی از معاینه پیکرهای بزرگ‌نیا، شریعت رضوی و قندچی در روزنامه اطلاعات منتشر شد که در آن آمده بود: «علت فوت سه نفر دانشجویان دانشگاه از طرف اداره پزشکی قانونی چنین تشخیص داده شده است:

- ۱- مصطفی بزرگ‌نیا دانشجوی دانشکده فنی بر اثر یک گلوله که از طرف راست سینه وارد شده و از زیر بغل چپ او خارج گردیده، فوت کرده است. بر اثر این گلوله استخوان بازوی وی به کلی خرد شده و خونریزی زیاد باعث مرگ وی گردیده است. بر پشت شانه راست مقتول نیز اثر زخم سرنیزه دیده می‌شود که تا ۱۵ سانتی متر زیر پوست فرو رفته بود.
  - ۲- شریعت رضوی دانشجوی مقتول دیگر فقط به علت زخم سرنیزه فوت کرده است. سرنیزه استخوان ران راست وی را به کلی خرد کرده و شریان‌ها را پاره نموده و در نتیجه خونریزی زیاد مجروح در گذشته است. یک گلوله نیز به دست راست وی اصابت کرده که جلدی بوده و نمی‌توانسته باعث مرگ باشد.
  - ۳- مقتول دیگر احمد قندچی نام دارد و به علت اصابت گلوله‌ای که وارد شکم وی گردیده و احشا داخلی را پاره نموده در گذشته است.
- دیروز و امروز اداره پزشکی قانونی با حضور نماینده دادسرای نظامی اجساد را معاینه کرد. ولی هنوز گزارش رسمی در این زمینه تهیه نگردیده است.»

### ● تشکیل هیاتی برای بررسی ماجرا

هیات مامور بررسی واقعه ۱۶ آذر سه روز بعد از حمله به دانشجویان، گزارشی به دکتر سیاسی رییس وقت دانشگاه تهران ارائه داد که همان روز ۱۹ آذر ۳۲ منتشر شد. متن گزارش به این شرح است: «مقارن ساعت نه و نیم روز ۱۶ آذر ماه عده‌ای از دانشجویان

اعلامیه‌ای درباره وقایع روز ۱۶ آذر صادر کرد و دانشجویان را مخاطب قرار داد: «دولت از واقعه غیرمنتظره‌ای که روز دوشنبه در دانشگاه تهران پیش آمد، متأسف و متأثر می‌باشد و دستور داده است مرتکبین و محرکین حقیقی این واقعه را معلوم و تحت تعقیب قرار دهند. دانشجویان که فرزندان گرامی ما هستند به خوبی می‌دانند که دانشگاه محیطی منزله برای ملت ایران می‌باشد. مخصوصاً برای دولت که مسئول تربیت نسل آینده است. ولی متأسفانه عده معدودی بی‌وطن که همه چیز ما را می‌خواهند بر باد دهند و برای ما نه دانشگاه باقی بگذارند نه دانشجوی، در این مکان رخنه کرده و آنجا را سنگر تظاهرات خیانت‌آمیز قرار داده و سربازان یعنی برادران شما که شب و روز همه چیز را بر خود حرام نموده تا آسایش شما را به قیمت جان خود تأمین و در نتیجه برای مملکت استقلال و برای شما آزادی تحصیل و پیشرفت فرهنگ را فراهم سازند، متهم می‌نمایند. دولت موظف است با نهایت جدیت وسایل تحصیل و پیشرفت فرهنگ را فراهم سازد و مخصوصاً نسبت به دانشگاه و دانشجویان کمال علاقه را دارد. بدین وسیله به اطلاع آن عده معدود می‌رساند که با کمال قدرت از اقدامات مضره آنها جلوگیری و دانشگاه را محیطی آرام و آماده برای تحصیل و تربیت مردان آینده ایران، خواهد نمود.»

دانشکده فنی در کردیدور دانشکده ایستاده و مشغول گفت و شنود بودند. در این ضمن دو نفر از دانشجویان از پشت پنجره دو نفر از ماموران انتظامی را که در بیرون دانشکده فنی مشغول گشت بودند، تمسخر نمودند. ماموران از این جریان عصبانی شده و به وسیله سرگروهیان خود در صدد تعقیب دانشجویان برآمده و دانشجویان نیز از موقعیت تشکیل کلاس‌ها استفاده کرده و در کلاس می‌روند. ماموران هم به دنبال آنان وارد کلاس شده و خواستار تحویل آنان می‌شوند. در این موقع وضع کلاس و دانشکده متشنج شده از طرف اولیای دانشگاه زنگ زده می‌شود و ماموران دو نفر دانشجوی مورد نظر را دستگیر و مضروب می‌نمایند. در این موقع که کلیه دانشجویان در کردیدور طبقه اول دانشکده اجتماع نموده بودند تعدادی از ماموران انتظامی وارد می‌شوند. یک‌باره دانشجویان شعار می‌دهند، چون ماموران در صدد متفرق کردن دانشجویان بر می‌آیند، دانشجویان به طرف دیگر کردیدور فرار می‌کنند. در این موقع از آن سمت چند سرباز مسلح به مسلسل دستی با دانشجویان برخورد می‌کنند و سربازان که دچار وحشت شده بودند شروع به تیراندازی می‌نمایند که در نتیجه آن سه نفر مقتول و عده‌ای مجروح می‌شوند.»

### ● اعلامیه دولت زاهدی

دولت سرلشکر فضل‌الله زاهدی نیز همان روز

## از نگاهی دیگر

کمیته انتشارات بر آن شده تا در هر شماره، تاریخچه و فعالیت‌های یکی از کمیته‌ها یا فعالیت‌های دیگر کانون را در قالب بخشی با نام پرونده، بررسی کند. در این شماره قسمت اول تاریخچه شکل‌گیری مراسم جشن سالانه کانون به قلم مهندس مهنام‌نشر می‌شود. در ابتدای این نوشتار آمده است: مراسم جشن سالانه کانون که در سال‌های اخیر مقارن با ایام سالگرد تاسیس کانون برگزار می‌شود و از این رو به نام جشن سالگرد تغییر نام داده است، طی قریب به دو دهه شکل گرفته و تکوین یافته است.



استادان بازنشسته و بیشکسوت در مراسم جشن شصتمین سالگرد تاسیس دانشکده فنی - دی ۱۳۷۲

## بازخوانی یک پرونده

## نحوه شکل‌گیری و تاریخچه مراسم جشن سالیانه کانون قسمت اول

میرعلیرضا مهنا (معدن ۶۷)

ali.mohanna@gmail.com



مراسم جشن سالیانه کانون که در سال‌های اخیر مقارن با ایام سالگرد تاسیس کانون برگزار می‌شود و از این رو به نام جشن سالگرد تغییر نام داده است، طی قریب به دو دهه شکل گرفته و تکوین یافته است. در این نوشتار به ایده‌های اولیه و روند شکل‌گیری این جشن و سیر تکاملی آن پرداخته شده است. برگزاری گردهمایی‌های ماهیانه کانون که از اردیبهشت ۱۳۷۰ آغاز شد؛ یکی از عوامل غیرمستقیم و اولیه این جریان بود. در اولین و دومین گردهمایی استادان بازنشسته در این مراسم حضور یافتند. (مهندس خلیلی در اردیبهشت ۷۰ و دکتر شفیع‌پور در خرداد ۷۰). در گردهمایی شهر یور ماه که به سخنرانی مهندس عباس احمدآخوندی (دکتر آخوندی) اختصاص یافته بود، سخنان کوتاه مهندس احمد حامی و دکتر قهرمان شمس از استادان قدیمی دانشکده با استقبال گرم حضار رو به رو شد. به این ترتیب به نظر می‌آمد تجدید دیدار با استادان خوشنام و پرآوازه و تجدید خاطرات با آنان از جذابیت‌های بالقوه گردهمایی‌های ادواری می‌تواند باشد.

## ● سال ۱۳۷۱

در خرداد سال بعد (۱۳۷۱) در حالیکه جلسه عمومی عادی سالیانه کانون برپا بود، ورود دکتر محمود حسابی به آمفی تئاتر بزرگ دانشکده فنی شور و حال خاصی در میان حضار ایجاد کرد و این اولین و آخرین حضور دکتر حسابی در جمع کانون بود. وی در شهر یور همان سال فوت کرد. در دی ماه نیز مهندس خلیلی درگذشت.

به دنبال جلسات تجدید دیدار پرشور با استادان در این چند ماه و سپس درگذشت دو تن از استادان نامدار، این فکر مطرح شد که باید فرصت را غنیمت شمرد و از استادان شاخص و بازنشسته در زمان حیاتشان تقدیر به عمل آورد. در آن زمان تنها دو مجموعه فعال در کانون داشتند، یکی هیات مدیره که بیشتر درگیر مباحث بنیادی در جهت‌گیری‌ها و ساختار کانون بود و یکی کمیته ارتباطات که محل ایده‌پردازی، بحث و تبادل نظر و بعضاً مجری برخی فعالیت‌های کانون بود. این ایده با تشریک مساعی هیات مدیره و کمیته ارتباطات منجر به این ابتکار شد که جلسه گردهمایی ماهیانه دی ماه

آن سال (۳۰ دی ۱۳۷۱) به تجلیل از سه تن از استادان بازنشسته و شاخص، مهندس احمد حامی، دکتر حسین زادمرد و دکتر محمد هادی شفیع‌پور اختصاص یابد. همچنین برای تلطیف فضای جلسه یک بخش نیز به اجرای موسیقی اختصاص یافت. این برنامه در آمفی تئاتر بزرگ دانشکده فنی با بیش از ۴۰۰ نفر شرکت‌کننده برگزار شد و طی آن ضمن تقدیر از تلاش‌های آن استادان، پرویز خمسه‌پور قطعاتی از موسیقی ایرانی را با پیانو اجرا کرد. این مراسم متولی خاصی نداشت و هیات مدیره کانون و کمیته ارتباطات و



سراسری در دانشکده فنی هدایایی اهدا شد. در این مراسم نخستین دانش آموخته دکترای دانشکده فنی، دکتر محمد قوامی که نخستین دکترای مهندسی برق در ایران نیز محسوب می‌شد، مورد تشویق قرار گرفت در این برنامه یاد استادان در گذشته دانشکده فنی در آن سال دکتر سادات منصوری، دکتر فرح محمدزاده فرحان و دکتر هادی یگانه‌حائری نیز گرامی داشته شد. این بخش نیز تبدیل به سنتی ماندگار در جشن‌های بعدی گردید. دکتر حسین الهی قمشه‌ای سخنران مدعو این برنامه بود که درباره جایگاه علم در ادبیات سخن گفت و جلیل عندلیبی نیز به اجرای موسیقی پرداخت. در این مراسم حدود ۷۰۰ نفر شرکت کرده بودند. برای این مراسم پوستر بسیار ساده‌ای نیز تهیه و منتشر شده بود.

### ● سال ۱۳۷۳

سال ۱۳۷۳ مقارن با شصتیمین سالگرد تاسیس دانشکده فنی بود. به همین دلیل کانون به فکر تدارک بزرگداشت این مناسبت بود. در نخستین گام از رییس دانشکده فنی دعوت شد تا در گردهمایی اردیبهشت آن سال حضور یافته و از "موقعیت دانشکده فنی در شصتیمین سال تاسیس آن" با فارغ التحصیلان سخن بگوید. اقدام دیگر صعود کمیته کوهنوردی کانون به قله دماوند در ۷ شهریور ماه بود که لوح یادبود شصتیمین سالگرد تاسیس دانشکده فنی را بر بام ایران نصب نمایند. در جلسه ۲۷ آذر ماه هیات مدیره، مهندس میرعلیرضا مهنا را مسئول پیگیری مراسم کرد. هیات مدیره و کمیته اجرایی جشن (متشکل از اعضای کمیته ارتباطات و علاقمندان دیگری که به آن ملحق شده بودند) در دی ماه ساعات زیادی را صرف برنامه‌ریزی، هماهنگی و تدارک این مراسم کردند.

برای این مراسم نخستین بار کارت‌های دعوت برای مهمانان چاپ و ارسال شد و همچنین برای اولین بار تصمیم گرفته شد که پوستر رنگی برای جشن طراحی و منتشر شود.

برخی جلسات هماهنگی ساعت‌ها به طول می‌انجامید و طولانی‌ترین جلسه به طور مشترک با حضور هیات مدیره و کمیته اجرایی جشن از ۱۰ صبح تا ۱۴ روز قبل از جشن در محل کانون بر پا بود و آخرین هماهنگی‌ها انجام شد. در همین جلسه پیام تلفنی دکتر محمدعلی مجتهدی و مهندس ابوالحسن بهنیا استادان بازنشسته دانشکده که در خارج از کشور ساکن بودند، برای پخش در مراسم ضبط شد.

برای اولین بار فیلم کوتاهی در مورد تاسیس دارالفنون و دانشکده فنی تهیه شده بود و در آن با تعدادی از استادان و دانش آموختگان قدیمی



حضور دکتر حسینی در جمع دانش آموختگان - خرداد ۱۳۷۱



مراسم تجلیل از اساتید بازنشسته دانشکده فنی دانشگاه تهران - دی ۱۳۷۲

دیگر اعضای کانون که در آن روز به جمع برگزار کنندگان پیوسته بودند، این برنامه را برگزار کردند. اما در این میان، بار اصلی بر عهده دبیر کانون (دکتر فرزانه) بود. این برنامه با استقبال گرم اعضای کانون رو به رو شد و به دنبال آن شورای عالی کانون مقرر کرد این جلسات همه ساله برگزار گردد. این در واقع نخستین جشن تجلیل کانون بود که فقط به تقدیر از استادان بازنشسته اختصاص داشت.

### ● سال ۱۳۷۲

پاییز ۱۳۷۲ هیات مدیره فهرست اسامی استادان بازنشسته را از دانشکده فنی درخواست کرد تا برای مراسم جشن آن سال برنامه‌ریزی شود. این فهرست چندی بعد به کانون واصل شد. اما به دلایل متعددی بسیار ناقص بود و کاستی‌هایی داشت. برخی از استادان قدیمی بنا بر تعاریف اداری بازنشسته نشده و در سال‌های قبل از انقلاب برکنار یا مستعفی شده بودند یا به خاطر وقایع دوران انقلاب بسیاری از مدارک جابجا یا غیرقابل دسترس شده بود و لذا در فهرست بازنشستگان نامی از آنان نبود. از سوی دیگر هدف کانون تقدیر از تلاش‌ها و زحمات همه استادان قدیمی بود نه بازنشستگان رسمی. در نتیجه به همت کمیته ارتباطات و با گردآوری اطلاعات از دانش آموختگان ادوار مختلف نسبت به تکمیل فهرست استادان قدیمی تا حد امکان اقدام شد. در نهایت هیات مدیره کانون چهار نفر از استادان قدیمی و بازنشسته را به عنوان تجلیل شونده‌گان مراسم آن سال انتخاب کرد. همچنین به دنبال تصمیم اتخاذ شده در تابستان ۷۲ قرار بود به نفرت برتر آزمون سراسری که در دانشکده فنی پذیرفته می‌شوند جوایزی اهدا شود (سنتی که تا امروز ادامه دارد). مناسب‌ترین زمان برای اهدای این جوایز در گردهمایی بزرگ سالانه کانون بود. در این ماه‌ها بحث انتخاب مهندس بر جسته نیز برای نخستین بار مطرح شده بود که به دلیل تعریف نشدن مکانیسم‌های اجرایی آن مسکوت ماند.

سرانجام این برنامه با عنوان "مراسم تجلیل از اساتید بازنشسته دانشکده فنی دانشگاه تهران" در ۲۹ دی ماه ۱۳۷۲ در آمفی تئاتر بزرگ دانشکده فنی در فضایی پر عاطفه و صمیمی برگزار شد. در این مراسم از زحمات و خدمات علمی و آموزشی مهندس مهدی بازرگان، مهندس هوشنگ جلالی، دکتر مجتبی ریاضی اصفهانی و دکتر حسن شمسی قدردانی شد. سپس به پذیرفته‌شدگان رتبه‌های برتر آزمون



کوتاهی از تشکیل کانون فارغ التحصیلان و انسجام "خانواده بزرگ فنی" (عبارتی که از آن پس در ادبیات فنی جایگاه ویژه‌ای یافت) ابراز خوشوقتی کرد و آنان را به اتفاق و همدلی هر چه بیشتر دعوت نمود. از آنجایی که دانشکده فنی تنها دانشکده‌ای از دانشگاه تهران بود که گرامیداشت "شصتمین سال تاسیس دانشگاه تهران" در آن مطرح بود، بنابراین کانون بر آن بود که به نوعی به کل دانشگاه ادای دین نماید، از این رو تعدادی از استادان پیشکسوت دانشکده‌های دیگر از جمله علوم، پزشکی و ادبیات شناسایی و دعوت شده بودند و از آن میان دکتر یدالله سحابی و دکتر شیبانی از نخستین استادان دانشکده علوم در مراسم حضور یافتند. بخش پایانی جشن با پخش سرود فنی همراه بود که بعد از سال‌ها دوباره مطرح می‌شد. این سرود توسط دکتر حسن حسین زاده (راه و ساختمان ۴۱) در سال ۱۳۳۸ سروده و آهنگ آن را مهندس جهانگیر عصر آزاد (راه و ساختمان ۴۲) ساخته بودند. این سرود به مناسبت مراسم شصتمین سال دانشکده فنی بازخوانی و ضبط شده بود و در این مراسم مورد استفاده قرار گرفت.

در همین جشن هیأت رییس دانشکده فنی، آملی تئاتر بزرگ را رسماً به نام شهید دکتر چمران نامگذاری کرد. یکی دیگر از رویدادهای این جشن تدوین و انتشار کتاب "دانشکده فنی و فارغ التحصیلان طی ۶۰ سال" بود. شور و حال این جشن در بدنه دانشجویی نیز بسیار زیاد بود و گروهی از دانشجویان علاقمند مهندسی عمران که از مدتی قبل در صدد انتشار مجله‌ای بودند، همزمان با جشن نخستین شماره مجله "نشر فن" را منتشر کردند که در مراسم توزیع شد. لازم بود این جشن تاریخی به نحو مناسبی مستندسازی شود، از این رو کانون تصمیم گرفت شماره بعدی خبرنامه را به این امر اختصاص داده و برای اولین بار روی جلد مجله رانگی چاپ نماید.

#### ● سال ۱۳۷۴

اعضا و گستره فعالیت‌های کمیته ارتباطات افزایش یافته بود و علیرغم داشتن جلسات متعدد و طولانی امکان ادامه فعالیت به شکل قبل نبود، در نتیجه اعضای کمیته تصمیم گرفتند، چند زیر کمیته تشکیل دهند تا با استقلال نسبی به فعالیت‌های مورد علاقه خود بپردازند. کمیته ارتباطات متشکل از مسئولان زیر کمیته‌ها، هماهنگی‌های آنها با یکدیگر و با هیأت مدیره را انجام دهد. این زیر کمیته‌ها عبارت بودند از: زیر کمیته گردهمایی‌ها و جشن‌ها، زیر کمیته ورزش، زیر کمیته بازدیدها، زیر کمیته عضوگیری، زیر کمیته امور هنری، زیر کمیته گردآوری

مصاحبه شده بود. این کلیپ در مراسم پخش شد. در این جشن برای نخستین بار دانش‌آموختگان قدیمی دانشکده مورد تقدیر قرار گرفتند و لوح یادبودی به دانش‌آموختگان دوره اول (ورودی ۱۳۱۳) که تعداد قابل توجهی از آنان در مراسم حضور داشتند، اهدا شد. این جشن با حضور بیش از یک هزار و پانصد نفر از فارغ التحصیلان و استادان و خانواده‌های آنان و دیگر مهمانان از ساعت ۱۷ تا ۲۲ چهارشنبه ۲۷ دی ۱۳۷۳ در محل دانشکده فنی برگزار شد.

به علت کثرت مهمانان، همزمان با مراسم اصلی که در آملی تئاتر بزرگ دانشکده فنی در جریان بود، مراسم با استفاده از سیستم مدار بسته در آملی تئاتر کوچک نیز نمایش داده می‌شد و این در حالی بود که اتاق دو آملی تئاتر و راهرو سراسری اصلی دانشکده مملو از جمعیت بود. برنامه این جشن بدین ترتیب بود: سخنرانی رییس شورای عالی کانون (دکتر نژادحسینیان)، سخنرانی رییس دانشکده فنی (دکتر شریعتی نیاسر)، نمایش فیلم کوتاهی از تاریخچه دانشکده فنی، بزرگداشت فنی، بزرگداشت استادان پیشکسوت مهندس محمدعلی حمیدیه، دکتر احمدسادات عقیلی، مهندس غلامعلی فریور، دکتر رحمت مرشدزاده، دکتر حسن نیلی و تجلیل غیابی از مهندس ابوالحسن بهنیا و دکتر محمدعلی مجتهدی (این بخش با پخش پیام تلفنی آنان همراه بود که با استقبال بینظیر حاضران در سالن روبرو شد)، گرامیداشت خاطره استادان در گذشته دکتر غلامعلی بازگان، مهندس محمد بلور فروشان، مهندس محمدحسین سالمی و دکتر هوشمند عبدشریف آبادی با حضور خانواده آنان، تقدیر از فارغ التحصیلان دوره اول، تقدیر از کارکنان قدیمی دانشکده فنی (برای اولین بار) علی اصغر چمن پیرا، حاجی آقازاری، محمود میرزامغوری، اعطای جایزه به پذیرفته‌شدگان رتبه‌های برتر آزمون سراسری در دانشکده فنی و اجرای چند قطعه موسیقی فولکلور و محلی ایرانی توسط استادان بنام از مناطق مختلف کشور.

در این برنامه مهندس مهدی بازگان استاد و رییس اسبق دانشکده فنی نیز حضور داشت و طی سخنرانی



از راست به چپ: دکتر زاهدی - مهندس بازگان - دکتر سحابی - دکتر شیبانی در جشن شصتمین سالگرد تاسیس دانشکده فنی - دی ۱۳۷۳



دانش‌آموختگان دوره اول در مراسم جشن شصتمین سالگرد تاسیس دانشکده فنی - دی ۱۳۷۳



شرکت کنندگان در مراسم جشن شصتمین سالگرد تأسیس دانشکده فنی، آمفی تئاتر بزرگ (تالار شهید چمران) - دی ۱۳۷۳

### ● سال ۱۳۷۵

در جلسه اول مهر ماه ۷۵ هیات مدیره ضمن بحث و تبادل نظر در مورد برگزاری جشن سالیانه که دیگر جشن «تجلیل» نیز نامیده می‌شد، برای نخستین بار بحث انتخاب «مهندس برجسته» مطرح گردید. بر این اساس مقرر شد تا به کمیته‌های تخصصی کانون نامه‌ای نوشته شود تا هر کمیته یک مهندس برجسته در رشته خود را به هیات مدیره معرفی نماید. اگر چه این امر در آن سال محقق نشد. همچنین قرار شد روال دعوت و اهدای یادبود به دانش‌آموختگان قدیمی ادامه یابد و بدین ترتیب مقرر شد از فارغ‌التحصیلان دوره پنجم (۱۳۲۱) و ششم (۱۳۲۲) دعوت به عمل آید. در سال ۷۵ گروهی از دانشجویان نسبت به نحوه برگزاری یکی دو برنامه گردهمایی کانون ایراداتی داشتند و موضوع به دانشکده منعکس شده بود.

مدیریت دانشکده با توجه به جو خاصی که وجود داشت صلاح بر آن دید که گردهمایی‌های کانون به خارج از دانشکده منتقل شود، این امر مشکل جدیدی را پیش پای کانون برای برگزاری جشن تجلیل نیز می‌گذاشت.

همچنین به دنبال استقبال از حضور فارغ‌التحصیلان دوره اول در جشن سال قبل، تصمیم گرفته شد، فارغ‌التحصیلان سال دوره دوم (۱۳۱۸) به این جشن دعوت شوند که پس از بررسی‌های انجام شده به علت اینکه تعداد آنان زیاد نبود دامنه این دعوت فارغ‌التحصیلان دوره‌های سوم (۱۳۱۹) و چهارم (۱۳۲۰) را نیز در بر گرفت. جشن این سال طبق برنامه‌ریزی قبلی ۲۷ دی ماه برگزار شد. اما بارش برف سنگین ناگهانی در تهران همه را غافلگیر کرد. بسیاری از مدعوین نتوانستند خود را به دانشکده فنی برسانند و برخی نیز با هر زحمتی بود در دقایق پایانی به دانشکده رسیدند. با این همه حدود ۳۰۰ نفر در این مراسم حضور یافتند و برنامه‌ها با وجود تاخیر و تغییراتی اجرا شد. در این برنامه از استادان بازنشسته دکتر رحیم عابدی، دکتر اردشیر جهانشاهی، دکتر ناصر قلی‌رحیمی قاجار، دکتر علی اصغر ستوده، دکتر فیروز تربیت، مهندس علی سعیدی و دکتر محمدقلی محمدی تجلیل شد.

در این مراسم یاد استادان تازه در گذشته فنی، مهندس مهدی بازرگان، مهندس رضا گنج‌ای (روسای اسبق دانشکده فنی) و همچنین یکی از دانش‌آموختگان (برای نخستین بار) مهندس حبیب معروف که از اعضای فعال کانون بود که در آن سال در گذشته بود، گرمای داشته شد. (بدین ترتیب گرمی داشت خاطره استادان و دانش‌آموختگان مطرح اجرا شد و بعداً گستره آن به همه خانواده فنی تسری یافت). بنا به روال دو سال گذشته به پذیرفته‌شدگان رتبه‌های ممتاز آزمون سراسری نیز جوایزی اهدا شد. در این برنامه که با حضور رییس دانشگاه تهران (دکتر محمدرضا عارف) برگزار شد، علامه محمدتقی جعفری به عنوان سخنران مدعو، به ایراد بیاناتی پرداخت. دکتر اورنگ فرزانه که از بدو تأسیس کانون به مدت ۴ سال مسئولیت دبیری کانون را بر عهده داشت، مسئولیت خود را به دکتر مرتضی زاهدی سپرده بود. از این رو در این جشن باب جدیدی نیز گشوده شد و تقدیر از تلاش و زحمات دبیر پیشین کانون بخشی از مراسم را به خود اختصاص داد. از آنجایی که تعدادی از تجلیل‌شوندگان به علت بارش برف سنگین نتوانسته بودند در مراسم شرکت نمایند، هدایا و لوح‌های یادبود آنان در گردهمایی ماهیانه بعدی کانون که با ضیافت افطار همراه بود، در ۲۶ بهمن ۷۴ در باشگاه دانشگاه تهران، به آنان اهدا شد.

حق عضویت‌ها و ارتباط با مجامع مهندسی، مهندس محمدرضا حبیب‌زاده نیز در این دوره به عنوان سرپرست کمیته انتخاب شد و کمیته ارتباطات و به ویژه زیر کمیته گردهمایی‌ها و جشن‌ها مسئولیت برگزاری جشن سالیانه ۷۴ را بر عهده گرفت.

تدارک گسترده‌ای برای برگزاری این جشن آغاز شد، چرا که سطح توقع و انتظارات اعضا پس از برگزاری جشن شصتمین سالگرد تأسیس دانشکده فنی بسیار بالا رفته بود. برای مراسم این سال تصمیم گرفته شد گستره تجلیل از استادان بازنشسته صرفاً محدود به چهره‌های مشهورتر نباشد و همه استادان بازنشسته که عمری را صرف آموزش و تربیت دانشجویان کرده‌اند، در این برنامه‌ها مورد تجلیل قرار گیرند.

همچنین به دنبال استقبال از حضور فارغ‌التحصیلان دوره اول در جشن سال قبل، تصمیم گرفته شد، فارغ‌التحصیلان سال دوره دوم (۱۳۱۸) به این جشن دعوت شوند که پس از بررسی‌های انجام شده به علت اینکه تعداد آنان زیاد نبود دامنه این دعوت فارغ‌التحصیلان دوره‌های سوم (۱۳۱۹) و چهارم (۱۳۲۰) را نیز در بر گرفت. جشن این سال طبق برنامه‌ریزی قبلی ۲۷ دی ماه برگزار شد. اما بارش برف سنگین ناگهانی در تهران همه را غافلگیر کرد. بسیاری از مدعوین نتوانستند خود را به دانشکده فنی برسانند و برخی نیز با هر زحمتی بود در دقایق پایانی به دانشکده رسیدند. با این همه حدود ۳۰۰ نفر در این مراسم حضور یافتند و برنامه‌ها با وجود تاخیر و تغییراتی اجرا شد. در این برنامه از استادان بازنشسته دکتر رحیم عابدی، دکتر اردشیر جهانشاهی، دکتر ناصر قلی‌رحیمی قاجار، دکتر علی اصغر ستوده، دکتر فیروز تربیت، مهندس علی سعیدی و دکتر محمدقلی محمدی تجلیل شد.



از راست به چپ: دکتر زاهدی - مهندس کمالی - مهندس خلیلی - دکتر شفیعیها - در جشن تجلیل - بهمن ۱۳۷۵



شرکت کنندگان جشن تجلیل - دی ۱۳۷۴



و مهندس غلامعلی فریور یاد شد. مهندسان برجسته مهندس محمدحسن نبوی و مهندس آلدیک موسیسیان در این مراسم معرفی شدند و یادبودهایی به آنان اهدا شد. در این برنامه برای نخستین بار دانشجویان برگزیده المپیادی نیز به دریافت جوایزی نایل آمدند.

### ● سال ۱۳۷۸

در این سال شورای عالی اعضای از رشته‌های مختلف مهندسی را مامور کرد تا کاندیدهای "مهندس برجسته" را برای انتخاب نهایی به شورای عالی معرفی نمایند. مسایل برگزاری جشن تجلیل و اضافه شدن بخش "مهندس برجسته" حایز اهمیت خاصی بود. از این رو شورای عالی قبل از برگزاری مراسم، یک جلسه فوق العاده داشت تا ضمن انتخاب نهایی مهندسان برجسته مسایل جشن را پیگیری و آخرین تصمیمات را اتخاذ نماید. جشن تجلیل در ۲۹ دی ماه ۱۳۷۸ در تالار چمران دانشکده فنی برگزار شد.

در این جشن از فارغ التحصیلان دوره‌های دهم و یازدهم (سال‌های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷) برای نخستین بار تحت عنوان مهندس پیشکسوت تجلیل شد. در این مراسم مهندس غلامرضا شیخ‌الدین و مهندس سیدعباس موسوی رهپما به عنوان مهندس برجسته معرفی شدند. همچنین از استادان بازنشسته دانشکده فنی دکتر یوسف ارباب‌زاده و مهندس محمدرضا آریانا تقدیر و یاد در گذشتگان خانواده فنی مهندس مظفر زنگنه (رییس اسبق دانشکده فنی) و دکتر فیروز تربیت (استاد مهندسی مکانیک) گرامی داشته شد. در این مراسم دو تن از دانشجویان رتبه اول مسابقات المپیاد دانشجویی نیز مورد تشویق قرار گرفتند. اجرای برنامه موسیقی توسط گروه مولانا و شعرخوانی توسط فریدون مشیری از بخش‌های دیگر این مراسم بود.

پس از پیگیری و بررسی‌های لازم، سرانجام سالن مجموعه ورزشی فرهنگی وزارت کار بدین منظور در نظر گرفته شد. در ۲۴ بهمن ۱۳۷۵ این مراسم در سالن فوق با حضور ۵۰۰ نفر برگزار شد ولی با وجود برگزاری اجباری آن در خارج از دانشکده، رییس دانشکده فنی (دکتر موسوی مشهدی) به دعوت کانون پاسخ گفت و در این جشن شرکت کرد. در این برنامه پیشکسوتان کانون در دوره‌های پنجم و ششم تجلیل شدند. همچنین گروهی دیگر از استادان بازنشسته دانشکده فنی تقدیر شد: دکتر قهرمان شمس، دکتر فریدون سرابی، مهندس مسعود سلطانی شیرازی، مهندس محمد غیائی حافظی، دکتر رامز وقار، دکتر حسن شالچیان. گرامیداشت خاطره استادان در گذشته آن سال دکتر الیده سرابی و مهندس مرتضی توسلی از دیگر بخش‌های برنامه این سال بود. مهدی اخوان‌بهبادی رتبه اول آزمون سراسری به دریافت جایزه نایل شد. اجرای موسیقی توسط مهندس همایون خرم و جهانگیر ملک از بخش‌های بسیار جذاب این مراسم بود.

### ● سال ۱۳۷۶

برنامه‌ریزی برای جشن تجلیل سال ۷۶ از جلسه ۲ آذر ماه در دستور کار هیات مدیره قرار گرفت. در این جلسه مقرر شد فارغ التحصیلان دوره هفتم (۱۳۲۲) و در صورت امکان فارغ التحصیلان دوره هشتم مورد تجلیل قرار گیرند.

هیات مدیره تلاش می‌کرد، این سال جشن را در دانشکده برگزار کند و بدین منظور نامه‌ای را برای ریاست دانشکده ارسال کرد. راینی‌ها برای برپایی جشن سالیانه، منجر به پیشنهاد دانشکده فنی برای برگزاری جشن در کتابخانه مرکزی شد، که آن هم میسر نگردید. به دنبال آن کانون برای دومین سال پیاپی جشن را خارج از کانون برگزار کرد. جشن تجلیل سال ۷۶ در ۲۹ بهمن ماه در تالار حرکت با حضور ۶۰۰ نفر برگزار شد و این بسیار بیش از ظرفیت ۳۸۰ نفری سالن بود. در این مراسم گروه دیگری از استادان بازنشسته تجلیل شدند: دکتر علی نوربخش، مهندس سیدسجاد هاشمی، دکتر ابوالحسن خاکزاد، دکتر کاظم عضوامینیان و دکتر محمود احمدزاده‌هروی و همچنین تعدادی از فارغ التحصیلان دوره هشتم (۱۳۲۳) در مراسم حضور یافته بودند که از آنان تجلیل به عمل آمد.

برای نخستین بار در این جشن دو مهندس برجسته معرفی شدند: مهندس حسن مولوی تبریزی، مهندس حسن نیامیر (هر دو دانش‌آموخته دوره سوم - ۱۳۱۹). در این جشن یاد شادروان مهندس عباس تاج از در گذشتگان خانواده فنی گرامی داشته شد. بخش تجلیل از مهندسان برجسته با استقبال زیاد حاضران در مراسم رو به رو شد. از این رو شورای عالی کانون در جلسه بعدی خود تصمیم گرفت، این بخش در برنامه‌های سال‌های آتی هم گنجانده شود.

### ● سال ۱۳۷۷

به دنبال جلسه مشترک هیات مدیره کانون با هیات ریسه دانشکده فنی در ۶ آبان ماه و پیگیری‌های بعدی به عمل آمده، مراسم جشن این سال مجدداً به دانشکده فنی برگشت. این مراسم ۲۸ بهمن ماه ۱۳۷۷ در تالار چمران دانشکده فنی با حضور بیش از ۷۰۰ نفر برگزار شد. در این برنامه فارغ التحصیلان دوره‌های هشتم (۱۳۲۴) و نهم (۱۳۲۵) مورد تجلیل قرار گرفتند.

همچنین از استادان بازنشسته دکتر کریم یوسفی، دکتر سیدرضا صفوی گلپایگانی و دکتر سید کاظم میرعمادی تقدیر به عمل آمد از در گذشتگان خانواده فنی دکتر علی اصغر آزاد، مهندس علی سعیدی



معرفی مهندس موسوی رهپما به عنوان مهندس برجسته در جشن تجلیل - دی ۱۳۷۸



تقدیر از مهندسان پیشکسوت در جشن تجلیل - بهمن ۱۳۷۷

# خاطراتی از اولین نشست‌های فارغ‌التحصیلان در حدود ۳۳ سال قبل



سید رضا رفیعی طباطبایی (برق ۴۹)

مهندس سید رضا رفیعی طباطبایی، از اعضای کانون، در سال‌های نخست پس از انقلاب یکی از دانش‌آموختگان دانشکده فنی بود که در تشکیل انجمن فارغ‌التحصیلان دانشکده فنی در آن سال‌ها نقش آفرینی کرد. البته آن انجمن بیش از مدت کوتاهی دوام نیاورد و پس از چندین سال جمع دیگری از فارغ‌التحصیلان سنگ کانون را بنا نهادند. مهندس رفیعی طباطبایی خاطراتی را از نشست‌های آن انجمن برای کمیته انتشارات ارسال کرده که در پی می‌خوانید.

من در آن دوره زمانی مربی آموزشی گروه مهندسی برق بودم؛ فارغ‌التحصیل دانشکده فنی هم که بودم؛ بنابراین به کمک یکی دو نفر از دوستان گروه برق (اتفاقاً دوست دیگری هم از یکی دیگر از دانشکده‌های مهندسی تهران فکر می‌کنم پلی تکنیک یا امیر کبیر، به ما ملحق شد). لذا در همان جمع ۳؛ ۴ نفری مطلب فوق را مطرح و بررسی را آغاز کردیم. نتیجه بررسی‌های ما این شد که روستاها را هم به برق سراسری وصل کنیم. موتور محرک ما در این تصمیم غیر از مسایل فنی یک مساله اجتماعی هم بود. چرا که شنیده بودیم برقی کردن یا برقی شدن (اصطلاح الکتریکی‌کسیون) می‌تواند یکی از نمادهای رفاه جامعه باشد، چیزی که قطعاً مورد درخواست مردم بود. حیفاً می‌آمد که روستاییان عزیز از این برنامه رفاه برخوردار نباشند. به هر حال گزارش این بررسی را از طریق مهندسان دانشکده فنی شاغل در وزارت نیرو به اطلاع آن وزراخانه رساندیم و اتفاقاً عملی هم شد.

■ **مورد دوم:** از تعدادی از فارغ‌التحصیلان شنیده بودم که دروس دانشکده فنی به خصوص از دهه ۱۳۴۰ به بعد بیشتر به سمت مطالب نظری حرکت نموده و "بچه فنی"‌ها از لحاظ علمی و کاربردی کم و کسری‌هایی را احساس می‌کنند. (این مورد برای برقی‌ها جدی‌تری بود). من که خودم هم به چنین مطلبی رسیده بودم، تصمیم گرفتم به سهم خودم تحولی ایجاد نمایم. لذا "درس" و یک "کارگاه" را برای اجرا در دانشکده فنی گروه برق پیشنهاد دادم که تصویب و عملی شد و به گواهی فارغ‌التحصیلان مفید هم بوده است و اما آنها چه بودند:

- ۱- درس تاسیسات الکتریکی با گرایش علمی و بالابردن دانش اجرایی مهندسان برق شاغل در بخش ساختمان‌سازی.
- ۲- کارگاه "تابلوسازی برق" و این هم که با همان نیت و البته با روش کارگاهی پیشنهاد شده بود، اجرایی گردید و گزارش‌ها حاکی از موفقیت آن بود.

ذکر یک نکته: خاطراتی که نقل می‌نمایم مربوط به ۳۳ سال قبل است. به دلیل گذشت زمان ممکن است خطاهایی جزئی در نقل خاطرات و شرح موضوعات پیش آید. بدین وسیله عذرخواهی می‌کنم و تأکید می‌نمایم که خطاهای احتمالی، جزئی بوده و تأثیری در اصل مطالب ندارد.

**و اما اصل مطلب:** در روزهای زمستانی سال ۱۳۵۸ (۳۳ سال قبل)، تعدادی از دوستان فارغ‌التحصیل دانشکده فنی در یکی از کلاس‌های دانشکده پایین (اصلاً آن موقع بالا و پایین به این معنای کنونی وجود نداشت). یعنی کلاس دکتر جمال افشار جمع شدیم و یکی از حاضران که متأسفانه نام ایشان در خاطرم نیست، چنین طرح موضوع نمود:

در چند سال قبل، عده‌ای از فارغ‌التحصیلان دانشکده، فکر ایجاد یک انجمن از فارغ‌التحصیلان را جهت حل و فصل مسایل مربوطه به ایشان و ایجاد ارتباط مجدد با دانشکده مطرح نموده‌اند. اما گویا موفقیتی حاصل نگردیده و یا لاقط اطلاعی از نتایج کار در دسترس نمی‌باشد. اکنون که امکان انجام فعالیت‌های اجتماعی فراهم‌تر شده، بهتر است این فکر را مجدداً مطرح و دنبال نماییم. شاید این بار نتیجه مثبتی حاصل شود. گرچه اصل فکر پسندیده و مورد پذیرش حاضران بود، ولی به نظر نمی‌رسید، با آن تعداد کم (به نظرم

زمستان ۸۵، تعدادی از دوستان فارغ‌التحصیل دانشکده فنی پیشنهاد تشکیل یک انجمن فارغ‌التحصیلی را مطرح کردند. هر چند این انجمن موفق نبود، اما چند سال بعد کانون این رویار واقعی کرد.

تعداد حاضران به سختی از حداقل نمره قبولی یعنی به اصطلاح قبولی ناپلئونی فراتر می‌رفت. ولی به هر حال "استارت" کار زده شد، یکی از حاضران که متأسفانه نام ایشان را هم به یاد نمی‌آورم. (ولی اصلاً آیا نام‌ها اهمیت خاصی دارند؟) چنین عنوان نمود که آیا دو هدف نانوشته فوق یعنی حل و فصل مسایل فارغ‌التحصیلان و ارتباط مجدد با دانشکده با توجه به شرایط اجتماعی کنونی (یعنی سال ۵۸) کافی است؟ دوستان پس از بحث و تبادل نظر، دو موضوع دیگر (البته از گروه موضوعات غیرمناقشه‌برانگیز) را هم به دو هدف فوق اضافه نمودند: "اعتدالی سطح علمی فارغ‌التحصیلان یا به اصطلاح بازآموزی مطالب فنی" و "کمک به کاربردی‌تر شدن محتوای دروس دانشکده" بنابراین در مجموع چهار هدف فوق برای تشکیل تعریف شد. جلسات البته نه به برنامه منظم و پیگیر ادامه داشت، تا رسیدیم به بهار سال ۱۳۵۹ در آن زمان به دلیل مسایل خاص پیش آمده برای دانشگاه دیگر امکان ادامه جلسات در کلاس‌های دانشکده وجود نداشت. ما هم که آن زمان جای دیگری برای گرد هم آمدن نداشتیم. بنابراین عملاً برنامه نیمه‌کاره یا اصلاً بهتر بگویم در همان ابتدای کار دچار تعطیلی شد. ولی از آنجایی که "دست خدا با جماعت است." همان دوره بسیار کوتاه هم ثمراتی داشت که من دو مورد آن را که به خودم مربوط می‌شود، نقل می‌کنم.

- **مورد اول:** قدیمی‌ترها به یاد دارند که در آن زمان انتقال و توزیع برق در ایران به صورت سراسری نبود و اصلاً روستاها به برق سراسری متصل نبودند. در بین مهندسان برق دو فکر متفاوت مطرح بود:
- ۱- روستاها را به برق سراسری وصل نماییم.
  - ۲- بگذاریم روستاها از همان انرژی‌های محلی یا مولدهای کوچک استفاده کنند.

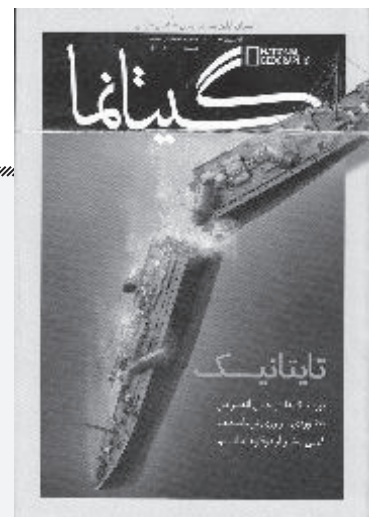


## نیروگاه‌های جدید، پربازده و کم‌آلاینده

■ به قلم مهندس سیدرضا رفیعی طباطبایی

مهندس سیدرضا رفیعی طباطبایی (برق ۱۳۴۹) از اعضا کانون مهندسين موفق به تالیف کتاب "نیروگاه‌های جدید، پربازده و کم‌آلاینده" شد. وی پس از انتشار سه کتاب با نام‌های؛ "تاسیسات الکتریکی و روشنایی فنی"، "تاسیسات الکتریکی

و ارتباطات ساختمان" و "انرژی خورشیدی، زمین گرمایی و سایر منابع انرژی پاک"، کتاب چهارم خود را به جامعه فنی و مهندسی کشور ارایه داد. این کتاب تلاشی است در جهت استفاده هر چه بهتر از منابع انرژی و همچنین کاهش آلاینده‌های محیط زیست. این هر دو هدف، با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید و با تکیه بر باز یافت انرژی‌های تلف‌شدنی، به ویژه انرژی حرارتی، حاصل می‌شود. مولف در بخشی مقدمه این کتاب توضیح می‌دهد: مطالب کتاب که حول دو محور اصلی "افزایش بازدهی" و "کاهش آلودگی محیط" شکل گرفته، بر مبنای اهمیت هر یک از سامانه‌های مورد مطالعه و میزان گسترش آنها در زمان کنونی، در فصل‌های مختلف ساماندهی شده است. فصل‌های اول تا پنجم به سامانه‌های مهم و ارزشمند "چرخه ترکیبی" اختصاص داده شده، جنبه‌های نظری و کاربردی آنها، مورد مطالعه جامع قرار گرفته و نمونه‌های اجرا شده و در حال بهره‌برداری در کشور‌های مختلف معرفی شده‌است. ... فصل ششم، شامل حالت خاصی از چرخه ترکیبی است. ... فصل هفتم و هشتم نوع دیگری از چرخه ترکیبی را مورد بحث قرار می‌دهد که در چرخه اول آن، نیروی برق تولید گردیده. ... در فصل‌های مختلف این کتاب، روش‌های مفید و موثر به منظور کاربرد پسماندهای انرژی، برای تولید مجدد نیروی برق یا انرژی حرارتی (برودتی) شرح داده شده و برخی نمونه‌های اجرا شده در کشور‌های مختلف، معرفی شده‌است.



## دکتر منصور نیکخواه بهرامی و ماهنامه نشنال جئوگرافیک

مجله رسمی انجمن نشنال جئوگرافیک تحت عنوان گیتانما برای اولین بار به زبان فارسی در ایران منتشر شد. این مجله هم‌اکنون بیش از ۶۰ میلیون مخاطب در ۳۶ زبان مختلف در اکثر کشور‌های دنیا دارد. کریس جانز سردبیر ماهنامه نشنال جئوگرافیک، در آغاز این مجله می‌گوید: «بسیار مفتخرم تا سر آغاز چاپ ماهنامه را به یک زبان دیگر شاهد باشم.»

صاحب امتیاز و مدیر مسئول این مجله به زبان فارسی، دکتر منصور نیکخواه بهرامی، (استاد بازنشسته دانشکده فنی و عضو افتخاری کانون فنی) بوده و سردبیری این مجله بر عهده بابک نیکخواه بهرامی، (پسر دکتر منصور نیکخواه بهرامی) است. بابک نیکخواه بهرامی هدف خود را از برگردان فارسی این ماهنامه چنین عنوان می‌کند: «هدف اصلی ما برگردان فارسی این ماهنامه تنها به روز کردن اطلاعات خوانندگان فارسی زبان از آخرین تحقیقات و کاوش‌های علمی این انجمن یا به تصویر کشیدن دنیا به بهترین نحو و از طریق عکس‌های بینظیری که در این ماهنامه به چاپ می‌رسند یا تغییر در رفتار و کردار شما با محیط اطرافتان نیست، بلکه دوست داریم سکوی پرتابی نیز باشیم برای تمامی محققان، پژوهشگران علمی و عکاسان حرفه‌ای ایران زمین تا آخرین دست‌آوردهای علمی، فرهنگی، تاریخی و زیست‌محیطی خود را از طریق نسخه فارسی و انگلیسی آن به گوش جهانیان برسانند.»

علاقه‌مندان جهت خرید یا اشتراک نشریه می‌توانند با شماره ۰۲۱-۲۲۹۸۲۶۹۴ تماس بگیرند.

همچنین کانون تسهیلات ویژه‌ای را برای اعضای خود جهت اشتراک مجله فراهم نموده است.



## «آزمایش‌های مکانیک خاک»

بر اساس ASTM 2012

■ به قلم دکتر کامبیز بهنیا و مهندس نگین اعرابی

یکی از مراحل طراحی سازه، شناسایی رفتار خاک اطراف و زیر آن است. طراح سازه با استفاده از اصول تحلیل و مقاومت مصالح، بارهای وارد بر سازه را در تنش‌هایی توزیع می‌کند که نهایتاً باید توسط خاک تحمل شوند.

در صورتی که خاک نتواند حتی در یک بازه زمانی کوتاه (نسبت به عمر بهره‌برداری سازه) بارهای وارد شده را تحمل کند، ممکن است شرایط بهره‌برداری سازه دچار مشکل شود یا سازه آسیب جدی ببیند. در نتیجه شناخت درست ویژگی‌های خاک برای حصول اطمینان از دوام سازه و حفظ جان استفاده‌کنندگان از آن حیاتی است. اما آنچه در این بین کار را پیچیده می‌کند، متغیر بودن ویژگی‌های خاک از محلی به محل دیگر و همچنین ناشی از شرایط فصلی مانند تغییر زمان رطوبت خاک، تغییرات ناشی از پدیده‌های طبیعی مانند سیل و زلزله و تغییر مواد موجود در خاک در اثر دخالت‌های بشر است. آزمایشگاه‌های و کارگاهی بهترین ابزار برای تعیین ویژگی‌های خاک هستند. وظیفه آزمایشگر است که ویژگی‌های خاک را بر مبنای یک روش استاندارد که مورد پذیرش عموم است ارزیابی کرده و نتایج را با دقت خواسته شده در اختیار طراح، ناظر یا مرجع ذی صلاح قرار دهد. کتاب آزمایش‌های مکانیک خاک، مجموعه‌ای از ترجمه ۱۹ استاندارد ASTM در زمینه مکانیک خاک است که در چهار فصل شناسایی و رده‌بندی خاک، مشخصات فیزیکی خاک، مشخصات مکانیکی خاک و تفسیر و نتایج تدوین شده است و ابزار سودمندی برای ساخت و ساز با صرف هزینه کافی در مراحل شناسایی خاک است و از افزایش هزینه‌های اجرا و پیامدهای ناگوار بعدی جلوگیری می‌کند. امکان استفاده از این مجموعه به همت آقای دکتر کامبیز بهنیا، عضو افتخاری کانون فنی و مهندس نگین اعرابی همکار وی، فراهم گشته است.

## سرطان بی هدفی

مهندس سید رضا کروب (مدن ۵۸)

rkaroobi@yahoo.com

این آزمایش در یکی از خانه‌های سالمندان کشور آمریکا به انجام رسید و نتیجه آن دیدگاه روانشناسی را تغییر داد. اکثر مردم از این آزمایش و نتایج آن بی‌خبرند. در این خانه سالمندان، پیرمردها و پیرزنهایی زندگی می‌کردند که اکثراً دچار بیماری‌های گوناگونی بودند و تنها برای چندماه نقش میهمان را در این خانه بازی می‌کردند. تمام میهمانان این خانه می‌دانستند که دیگر مدت زیادی زرق و برق دنیا را نخواهند دید و کارکنان این خانه یا همان میزبانان نیز از این موضوع با خبر بودند. لذا تمام تلاش خود را می‌کردند تا این چند صباح باقی مانده آنها در آرامش سپری شود.

میهمانی در این خانه همانند سال‌های گذشته در حال برگزاری بود که روزی یکی از استادان روانشناسی آمریکا با یک وانت پر از گل و گلدان وارد خانه سالمندان شد و آزمایشی را انجام داد. روانشناس سالمندان را به دو گروه تقسیم کرد. به گروه اول تعدادی گل و گلدان داد و از آنها خواست تا مسئولیت نگهداری آنها را بپذیرند. به آنها آموزش داد تا به گل‌ها آب بدهند، چه ساعتی در معرض آفتاب قرار دهند، چه موقعی به آنها گرما برسانند، چگونه به آنها کود و سموم ضدآفت بزنند و چگونه از آنها مراقبت کنند. از آنها خواست تا مسئولیت‌پذیر بوده و با هم در نگهداری بهتر گل‌ها به رقابت بپردازند. گروه دوم را نیز به اتاق‌های خود برده و در کنار پنجره هر کدام یک گل و گلدان قرار داد و به آنها گفت: اگر مایل بودید می‌توانید مسئولیت مراقبت از آنها را بپذیرید و اگر هم تمایلی نداشتید اهمیتی ندارد. روانشناس چند ماهی به بررسی این آزمایش پرداخت و نتایج آن باعث شگفتی او شد.

استاد روانشناس مشاهده کرد که گروه اول در طول مدت مراقبت از گل‌ها وضعیت جسمی بهتری را نشان می‌دهند و چون روزهای قبل تمام روز را در تخت‌خواب خود به انتظار مرگ نمی‌نشینند، رفتارهای آنان نیز نسبت به قبل بهتر شده بود و همانند سابق بهانه‌گیری و پر خاش نمی‌کردند. تغذیه‌شان هم تغییر محسوسی داشت و نسبت به قبل غذای بیشتری می‌خوردند و حتی مصرف داروهای آنان نیز کاهش یافته بود. در حالیکه در گروه دوم تغییر خاصی مشاهده نشد.

استاد روانشناس بعد از ۶ ماه پرونده‌های دو گروه را با هم مقایسه کرد و متوجه شد که آمار مرگ و میر گروه دوم ۳۰ درصد بیشتر از گروه اول بوده و گروه اول از نظر روحی انسان‌هایی به مراتب شادتر و امیدوارتر از گروه دوم بوده‌اند.

در پایان آزمایش استاد روانشناس می‌نویسد: به علت اینکه در زندگی گروه اول هدفی به وجود آمد طول عمر و شادابی آنها نیز بیشتر شد و نبود هدف در گروه دوم هیچگونه تغییری در روند زندگیشان بوجود نیاورد. او نوشته خود را با این جمله تمام کرد، هنگامی که یک زندگی، مسئولیت و باریک زندگی دیگر را به دوش می‌کشد، قدرت، صبر، همت و امید آن چند برابر می‌شود. زندگی شیرین‌تر می‌شود و هم استوارتر...

اگر شما هم زندگی خود را در این آزمایش قرار دهید و با دقت نتایج آن را بررسی کنید، جواب تمام کمبودها، شکست‌ها، افسردگی‌ها و خستگی‌های خود را خواهید یافت. هنگامی که هدفی در زندگی ما پدیدار

می‌شود، قدرت، صبر و امید ما افزایش می‌یابد، جسم ما توان بیشتری پیدا می‌کند و روح ما نیز آرامش و شادابی دوچندانی در خود حس می‌کند. اما اگر دچار سرطان بی‌هدفی شویم، آرام آرام به این نتیجه خواهیم رسید که وزن ما بر روی زمین سنگینی می‌کند و این نتیجه‌گیری ما را در تخت‌خواب مرگ می‌خواباند. کمبود هدف، در روح، جسم و ذهن ما خلاء ایجاد می‌کند. این خلاء به تدریج زمان ما را از درون پوچ می‌کند و این محل پوچ و خالی پر می‌شود از انواع مریضی‌ها و مرض‌ها! شاید شما هم بسیاری از مدیران ارشد لشکری و کشوری، افسران پلیس و دیگر افراد فعال جامعه را دیده باشید که بعد از بازنشستگی به سرعت شکسته می‌شوند. این افراد تا آخرین روز کاری خود بسیار خندان و شاداند، ورزش می‌کنند و به شب‌نشینی می‌روند. اما کافی است تنها یک سال بعد از بازنشستگی با آنها مواجه شوید، شاید باورتان نشود که او همان شخص است. ۹۰ درصد آنها دارای امراض گوناگون می‌شوند. کمرشان خم می‌شود. چندین عمل جراحی در کمتر از یک سال انجام می‌دهند. کج خلق می‌شوند و روزی ۵ بار یا قرص می‌خورند یا شربت!

اما شما نمی‌توانید چنین وضعیت و افسردگی را در بیل گیتس، تاتا، هاگوپیان و اشخاصی چون آنان ببینید. این افراد هم پیر می‌شوند. اما به همان اندازه‌ای که پیر می‌شوند، فعال‌تر، جوان‌تر و بانشاط‌تر می‌گردند... چرا؟ زیرا با پیر شدن جسم آنها اهدافشان جوان‌تر و بالغ‌تر می‌شود و تاثیر آن چنان مطلوب است که روند افزایش عمر را نیز فرح‌بخش می‌نماید.

